

۴-۳- بررسی وضعیت مال از انقلاب اسلامی

تاکنون

۱-۳-۴- مرفولوژی مال در بختیاری

- سرآغاز

- جغرافیای مال

- موفقیت منطقه‌ای مال

- وضع چادر در مال

- رابطه چادرها در مال

سرآغاز

همانطوریکه گفته شد اصلاحات ارضی باعث از بین رفتن قدرت عشایر در رده های فرماندهی و بی سازمانی و بهم خوردگی سلسله مراتب ایلی شد و حتی این فروپاشی به رده های پائین ، "مال" کشیده شد . این بی سازمانی اثرات سویی در همه شئونات زندگی عشایر برجای گذارد . علاوه بر آن محدود شدن ایل راهها ، ملی شدن جنگل و مرتع ، بهم خوردن میزان موقع و تعداد دام ، بهم خوردن - تقویم کوچ ایجاد مشکلاتی برای توده های کوچنده عشایری ایجاد نمود . سیاست های اسکان عشایر هم که در طی ۵۰ سال گذشته به تدریج انجام گرفت از اوایل انقلاب اسلامی شدت گرفت منتهی این بار بر اثر مشکلاتی بود که سر راه انقلاب وجود داشت . با این وجود هنوز حدود ۱/۲ میلیون تن از افراد عشایری در نظر کوچک و خانه بدوشی باقی مانده اند ولی بدون ایل خان و در واحدهای پراکنده بصورت چند خانواری حرکت می کنند و باخود دیاری به زندگی کوچگری ادامه می دهند . با تأسیس سازمان امور عشایری ارتباط دولت و عشایر وضع عقلانی بخود گرفت و دولت به تدریج جای خان و ایل خان را گرفت و عامل تصمیم گیری امور عشایر شد . در شرایط فعلی حمایت دولت (سازمان امور عشایر) و عشایر دو حالت دارد رسیدگی به امور عشایر (در حال کوچ) و عشایر در حال اسکان . بدین ترتیب عشایر چشم به کمک های این سازمان دوخته اند و مانند روستائیان توقع دارند که این سازمان نوپا با امکانات محدود و تجربه کم برای عشایر کارهای بنیادی انجام دهد . در حالیکه سازمان امور عشایر در فکر عوض کردن وضع آنان نیست بلکه در فکر حفظ وضع آنان و ایجاد تسهیلاتی در جهت بهبود وضع کوچ آنان است . لذا گروه های کوچنده ای که قادر به استقلال اقتصادی هستند (مال ها) زیر پوشش حمایت سازمان امور عشایری همچنان به کوچ خود ادامه می دهند . مسیرهای کوچ غیر قابل تغییر است و هر گروه راه مربوط به خود دارد . سرزمین آنها شخصی و موروثی است آنها در همان قرارگاههای همیشگی چادر می زنند . افراد مال از طریق بعضی منافع مشترک که همان قلمرو سرزمین است یکدیگر را می شناسند .

گروه‌های کوچنده هر ساله چه درییلاق و چه درقشلاق به همان مکان جغرافیائی معین بسیا ز می‌گردند و در قرارگاه های معین چادرهای خود را در جا و رگا برپا می‌شود و ارگه ها مکان های ساده ای نیستند بلکه محل هایی هستند که محل زندگی و گذران اوقات فراغت و استراحت افراد ، مال و مکان تولید صنایع دستی و تولیدات دامی است . هر وارگه در وهله اول يك مکان جغرافیائی مطمئن و آزمایش شده است که سالیان سال از آن استفاده می‌شود هر وارگه^ی بعد از نصب چادر شکل محل زیستی را پیدا می‌کند که نشانگر وجود انسان است و مجموعه آن يك اکوسیستم بوجود می‌آورد که حیات انسان و دام در آن تضمین می‌شود . وارگه خصوصیات و مشخصاتی دارد که بخشی از آن ایمنی و بخشی تسهیلاتی و رفاهی است . هر وارگه در هر صورت تکیه به کوه دارد و يك طرف آن به جاده و رودخانه . جاده کمک مهمی به کوچگران در باراندازی و پاکوچ میکنند بخصوص وقتی که کوچ با ماشین انجام گیرد . راه هایی که سازمان امور عشایری برای آنها ساخته منطبق با وضع کوچ و وارگه آنان است و تسهیلات و رفاه بیشتری را در هنگام جابه جایی برای آنان فراهم می‌کنند در پاره ای مناطق جاده از کنار چادرها می‌گذرد و یا به چادرهای يك مال ختم می‌شود . مال در دامن طبیعت به اعتبار و عوامل طبیعی و امکانات طبیعی قادر به زیست می باشد این امکانات در همه نقاط قلمرو ایلی وجود ندارد بلکه در آن پراکنده است . موقعیت مال جغرافیای انسانی را مطرح می کند و کانون های زیستی موقتی ایجاد می‌کند . عوض کردن جا تنها برای محافظت دام از سرما و گرما است ، زیرا دام مانند انسان قادر به محافظت از خود نیست . مال در این دوجا مکانی کارهای مشابه انجام می‌دهد و معماری چادرها^ی مال طوریست که در سرما و گرما قابل تغییر است و اجزای مختلف آن در مقابل با گرما و سرما تغییر می یابند و این کار فضای زیر چادر را قابل تحمل می‌کند خود پوشش موی بز چادر مهمترین عنصری است که زندگی چادر نشینی را امکان پذیر می‌سازد .

باتعریفی که از " مال " شدمی‌توان گفت که مال يك موقعیت جغرافیائی ، يك مكان چادزها استقرار، يك آرایش ونحوه استقرار و يك شبکه روابط خویشاوندی دارد . مال‌ها تشکیلات منظم تولیدی هستند و محیط زیست و حدود جغرافیائی آنان ، خارج از قلمرو ایلی نیست بلکه در منطقه‌ای مشخص و از نظر مالکیت معین و مشترك رفت و آمد می‌کنند و چادر می‌زنند این محدوده ایلی معمولاً " اقلیم‌ها " متفاوت دارد که گله داران و عشایر می‌توانند در آن بسر ببرند . حدود جغرافیائی ایل‌ها " مال‌ها " حدود جغرافیائی همگونی نیست بلکه مبداء و مقصد آن اختلاف درجه حرارتی است که در نقاط مختلف سرزمین‌های عشایرنشین فرق دارد . این تلاش برای تعادل حرارتی که بیشتر برای گله گوسفندان مفید است و دامداری را بدین طریق میسر می‌کند افراد انسانی را بدنبال خود می‌کشاند و مصائب و سختی‌هایی را نصیب آنها می‌کند .

عشایر در واحدهای کوچکی بنام مال پراکنده می‌شوند و این امر جهت رویارویی و مقابله با درجه حرارت و کنترل دام و سهولت در جابه‌جاشدن و بیش از همه کاربردی شدن آن و گرایش به گروهی شدن کوچ نشینان است . مرزهای جغرافیائی يك منطقه که عشایر در آن سکنی دارند یا کوه است یا دره ، مسیر آب‌ها و کوه‌ها را دره ها تعیین می‌کنند و " مال‌ها " در پیچ و خم رودخانه و درپست و بلند این طبیعت قرار می‌گیرند . جغرافیائی‌ها یا به عبارت بهتر منطقه‌ای که عشایر در آن رحل اقامت می‌افکنند در طول سال فرسایش پیدا می‌کنند و کارکرد آن کمتر می‌شود . مال‌ها در محل‌های استقرار در کنار شهرها و یاروستاها همیشه شرایطی را در نظر دارند . در بهار همیشه این مشکل را دارند که مزارع روستائیان مورد هجوم دام‌ها قرار نگیرند در نتیجه دام را به کشاورزی نزدیک نمی‌کنند و دامداری از کشاورزی جدا می‌شود ، نتیجه اینکه وارگه‌ها به طرف دامنه‌ها پیش می‌روند .

وضع چادر ها در مال

در هر جا ودگا هر مالی را حدود ۲ تا ۱۵ چادر تشکیل می دهد وضع قرار گرفتن چادرها که هر يك يك خانوار را در خود جای می دهند در عین حال نظارت و كنترل را در بر می گیرد در ارتباط مستقیم با دام است . همیشه مجموعه آنها حفاظی به وجود می آورد برای دام به طوریکه محوطه ای که در میان چادر ها ایجاد می شود محل نگهداری گوسفندان در شب است این فضای حیاتی و حریم ایمنی که از استقرار اندیشیده چادرها به وجود می آید سالها تجربه شده است در ضمن هر چه تعداد دام بیشتر باشد فاصله چادرها از هم بیشتر و در نتیجه محوطه بین آنها یا قاش وسیع تر می شود . این گونه تشکیلات عشایری که در نقاط مختلف طبیعت انجام میگیرد و طبیعت را قابل زیست می کند از مهمترین نکات سازماندهی مال است مال در شرایط کنونی حافظ منافع آن دسته از عشایری است که کوچ می کنند و عشایر در قالب تشکیلات مال است که می توانند خود را سامان دهند . " بقول دیگر " گروه های کوچنده نیاز به این دارند که گروههای کوچکی زندگی کنند که قادر به استقلال اقتصادی باشد و " مال " به گونه ای — کاملاً واضح و روشن پاسخگوی این نیاز است . این واژه که عموماً " به معنای " دارایی " است اتفاقاً نشانگر قرارگاه و مجموعه ای از وسایل ضروری برای فعالیت اعضای این قرارگاه است که این وسایل می تواند یا همگانی باشد یا شخصی و یا مصارفی که شامل آنها می شود . هر قرارگاه از ۲ تا ۶۰ نفر را در بر می گیرد که در ۱۵ چادر زندگی می کنند . قرارگاه عموماً " به منزله يك واحد تولید است و هر چادر يك واحد مصرف " .

هر مالی " دارای تاسیساتی است و سازمانی دارد . بین چادرها روابط اجتماعی تنگاتنگی برقرار است .

بطور کلی هر کسی که به چادری وارد می شود پای در فضای مال می گذارد و همه از وی مطلع می شوند . ورود مهمان به يك مال به همه چادرها ارتباط پیدا می کنند ولی در يك چادر پذیرایی انجام

می‌گیرد آن‌هم چادرگپ مال است و اگر نیاز باشد از چادرهای دیگر هم کمک می‌رسد.

رابطه چادرها در مال

در هر مال نوعی تعاون و همکاری وجود دارد این تعاون از تولیدات دامی تا همکاری در برپایی چادر وجود دارد چادرها اگر چه در جوار هم هستند ولی خانوارهای داخل چادر هر يك کارهای فردی چادر خود را انجام می‌دهد و امور زندگی را در زیر چادر می‌گذرانند در مواقع مقتضی اهالی چادرها به هم کمک می‌کنند و اگر سه‌انچه‌ای اتفاق بیفتد با هم همکاری و هم‌دردی می‌کنند. در واقع این درکنار هم چادر زدن قوت قلب و امیدی است که عشا یرب‌توانند خود را حفظ کنند و يك همکاری نسبی در اقامت در صحرا داشته باشند. در مواقع تولیدات دامی این همکاری و تعاون جنبه مستحکمتری بخود می‌گیرد و زنان در این امر نقش بسیاری موثری دارند و تولیدات دامی برای اینکه از نظر اقتصادی قابل استفاده باشد بصورت مجموع بهره برداری می‌شود و سپس بین خانوارها تقسیم می‌شود. از جمله شیر و هره. استقرار چادرها در مال‌ها از نظم خاصی پیروی می‌کنند چادرها در حالیکه از استقلال برخوردارند و حریم آنها معین است ولی نسبت به هم وابسته‌اند علاوه بر آن نسبت به هم دید و نظارت دارند این نظارت بر چادرها همگانی است این امر نه تنها مواظبت از دام و احتمالاً "جلوگیری از خطر است نوعی امنیت و اطمینان خاطر اهالی چادرهاست. در اطراف چادر هیچ خبری از نظرافرادی که داخل مال زندگی می‌کنند مخفی نمی‌ماند حتی يك گوسفند گم شده که وارد مال می‌شود تشخیص داده می‌شود. در روزهایی که رئیس خانوار جهت کاری غایب است کلیه امور خانوادگی بیا زن و فرزندان بالغ و نابالغ می‌گذرد. نان پختن، رفت و روب منزل نحوه استقرار چادرها حفظ و حراست چادرها تمام توسط زنان انجام می‌گیرد.

۴-۳-۱۱- بررسی وضعیت مال در بختیاری

- شرایط جوی بیلاق و قشلاق
- آداب کوچ
- نحوه کوچ و استقرار
- تملك اراضی درییلاق و قشلاق
- گذر گاهها و رود خانه ها
- عبور از رود خانه بازفت
- ایل راهها و راه های عشایری
- اثرات راه های جدید

سرزمین بختیاری و کوچ مال‌ها

شرایط جوی و امکانات ییلاق و قشلاق

سرزمین بختیاری از پاره‌ای جهات بادیگر سرزمین‌های عشایری فرق دارد، ییلاق بختیاری از نواحی بسیار سرداست و برودت هوا در زمستان بخصوص در نواحی کوه‌رنگ بختیاری به ۳۵ درجه زیر صفر می‌رسد، قشلاق بختیاری نواحی بسیار گرم است مناطق نفتی است به نحویکه حرارت در تابستان به ۵۵ درجه بالای صفر رسیده و شرایط نامساعدی برای زندگی بوجود می‌آورد. با این احوال قسمت گرمسیر عشایر از لحاظ جغرافیائی امکاناتی را نصیب این گروه کرده است که برای سایر کوچ‌کنندگان چنین امکاناتی وجود ندارد در گرمسیر کوچ عشایر بختیاری مناطق نفتی قرار دارد و آنان در گرمسیر در مناطق نفتی رفت و آمد دارند و این مناطق نفتی از قسمت‌های آباد و پرتحرک است و امکاناتی را برای عشایر کوچنده فراهم نموده که این امر از لحاظ فرهنگی و اقتصادی نوعی موهبت طبیعی برای آنان بخصوص جوانان عشایری بحساب می‌آید تعدادی از فرزندان آنان در جوار مناطق نفتی جذب صنعت نفت شده‌اند و حتی پاره‌ای از آنان در تماس با کارشناسان نفتی غرب زبان انگلیسی آموخته‌اند. علاوه بر آن امکانات رفاهی مانند جلده و راه آهن باعث شده این گروه زودتر از سایرین از وسایل موتوری و بخصوص قطار استفاده کنند و امری که سال‌هاست ادلمه دارد در واقع پاره‌ای از عشایر بختیاری برای کوچ به سردسیر قسمتی از راه را با قطار و باقی راه را به روال طبیعی و سنتی از ایل‌راه‌ها و در حال حاضر هم از حاشیه راه‌های اسفالت‌ه و شوسه استفاده می‌کنند.

نحوه کوچ و استقرار

آداب کوچ

کوچ برای عشایر روز خوب و روز بد دارد. نز بختیاریها روز خوب روز فرد هفته است که معمولاً " برای کوچ انتخاب می‌شود. حتی دزاتراق گاه ها و میان بند ها هم که مدتی برای استراحت می‌مانند برای حرکت مجدد، روز خوب (روز فرد) را بر میگزینند. این آداب را مال‌ها رعایت می‌کنند و همیشه سر مال‌ها در این مورد تصمیم می‌گیرند و مال‌ها را وادار می‌سازند که در روزهای خوب حرکت کنند.

عـ استقـرار مالـها

در چا و رگاه ها ، بار اندازی و برپا کردن سیاه چادر با همیاری زنان و مردان بختیاری انجام با دقت و سرعت انجام می گیرد . اطراف سیاه چادر را بعد از برپا کردن سنگ چین می کنند تا از باد محفوظ بماند . وضع قرار گرفتن چادرها طوریست که از فاصله بین آنها محوطه وسیعی ایجاد می شود که پناهگاه و یا آغل گوسفندان (قاش) است این محل در کنترل چادرهاست و سگهای گله باید در محل مناسبی در جوار گله ها جای بگیرند تا از ورود دزد و یا حیواناتی نظیر گرگ و صدمه رسیدن به گله جلوگیری شود . مردان مال هم معمولا " به نوبت تا صبح از گله مواظبت می کنند .

قاش وضع خاصی در یک مجموعه چادرهای مال دارد . حافظ ثروت مال است و تنها وضع جغرافیائی و موقعیت آن در بین چادرهای مال است که می توان گله را در آن حفظ کرد تعداد دام برای ۸ خانوار در یک مال حدود ۴ هزار راس است علاوه بر آن هر خانوار هم ۲ تا ۳ راس چهارپای بارکش دارد .

بختیاری

تملك اراضی در بیلاق و قشلاق

هر خانواده بختیاری دارای دو ملك یکی در بیلاق و دیگری در قشلاق می باشد که از هر دو برای کشاورزی دیم استفاده می نمایند . ملك ها در بیلاق و قشلاق متعلق به " مال " هستند . ملك و زمین مال شريك الملكی است و به ملك مال معروف است تا بستان در بیلاق به کشت و زرع و برداشت محصول می پردازند و زمستان در قشلاق چنین می کنند و با اداره این هر دو زمین نانی برای خود و یا علوفه ای برای گوسفندان تامین می نمایند . مقدار زمین زراعتی معمولا " در سردسیر بیشتر از گرمسیر است . در واقع مال مجموعه ای است زیستی که بخش کوچکی از نظام های ایلی در آن تکرار می شود .

عبور از موانع طبیعی مانند تنگه ها و پرتگاه ها بخصوص رودخانه ها چه در مواقع برف و یخ -
بندان فن خاصی لازم دارد که عشایر آنرا به تجربه آموخته اند و جزو فنون کوچ نشینی آنها محسوب
می شود. تغییر محل های فصلی برای هر گروهی از طایفه ها متفاوت است پاره ای از مال های طایفه
برای ییلاق و قشلاق راه چندان راطی نمی کنند و تنها چند کیلومتری جابه جا می شوند اما پاره ای از
طایفه ها تا ۳۰۰ کیلومتر و یا بیشتر راه پیمایند و گاه تا یک ماه در راه هستند و در طول راه از موانع
و گذرگاه های بسیاری عبور می کنند. در این پیشروی های مستمر در بعضی از گذرگاه ها که گذر از آنها
مشکل است حرکت طایفه بسیار کند انجام می گیرد، در پاره ای از گذرگاه های صخره ای ناچار از فن
کوه پیمایی استفاده می کنند. جای پا های لغزنده را ترمیم می کنند و حیوانات را با طناب بـا
می کشند. در ارتفاعات برف گیر، دشواری حرکت بیشتر است و برف و یخ گاه باعث لغزیدن پای حیوانا
ت
ت
باربر، دام ها و یا آدمها می شود. مال های عشایری هر سال این مسیر ها را طی می کنند و مراتع
ییلاقی بیشتر در ارتفاعات قرار دارند. منطقه عشایر بختیاری که ارتفاعات زاگرس است که پراز
موانع طبیعی و شعبات رودخانه های موقت سیلابی است که راه را بر آنها می بندد و عبور از تمام
این موانع کاریست سخت و دشوار، مضافاً " برای آنکه در طول مسیر کوچندگان هیچ مراکز بهداشتی
وجود ندارد. از سوی دیگر نوع تغذیه و رژیم غذایی آنها طوری نیست که بازندگی پر مشقت و سختی که
دارند توافق داشته باشد و انرژی لازم را در اختیار آنها بگذارد.

۳- عبور از رودخانه بازفت

رودخانه بازفت از مهمترین و پرآب ترین رودخانه های منطقه بختیاری است و آندسته از
عشایر بختیاری که باید از روی این رودخانه بگذرند یکی از سخت ترین و پرتلفات ترین مراحل کوچ را

طی می‌کنند با این وجود عشایر بختیاری بخاطر سوابق کوچ و تجارب و شناختی که از منطقه و موانع طبیعی دارند بدون دردسرو با کمترین خسارت از رودخانه می‌گذرند.

رود بازفت بخصوص در بهار که مناطق عشایری یخبندان و آب رودخانه دایما در حال طغیان است بغایت پر آب و فشار آب آن زیاد است و برای عشایر بختیاری عبور از هر نقطه آن امکان پذیر نیست مگر در قسمتهایی که مسیر رودخانه به دشت می‌رسد که در آن صورت عرض آن زیاد و عمق آن نسبتا کم و از فشار آن نیز کاسته می‌گردد و وضع قابل عبوری را ایجاد می‌کنند. در عبور از رودخانه بیشتر چهارپایان نقش دارند بخصوص محلی که رودخانه گسترده است و عمق آن زیاد نیست با وجود این چهارپایان در حالیکه بار و بنه و یا سرنشین در پشت دارند تاشکم در آب فرو می‌روند ولی اگر عمق آب زیاد باشد عبور چهارپایان با سرنشین ممکن نیست و در نتیجه عشایر بختیاری برای گذشتن از رودخانه وسایل خاصی را ابداع کرده‌اند که معمولی ترین آن کلنگ است که خود فن جالبی است. برای عبور دادن گله از آب وضع فرق می‌کند حیوانات را در دسته های ۱۰ تا ۲۰ رأس به آب می‌پارند، در دو طرف رودخانه چندین نفر با فاصله حدود ۲۰ تا ۵۰ متر ایستاده‌اند و چند نفر هم تاسینه داخل رودخانه قرار می‌گیرند، مواظب گله هستند اگر دامی از دست یکی بدر رفت نفر بعدی که در حاشیه رودخانه ایستاده است فرصت آن را دارد که خود را به آب بزند و دام را از آب بگیرد. عبور دام از رودخانه همیشه با همه توام است و دامداران با صداها و سوت های مخصوص که ایجاد می‌کنند دام ها را هدایت می‌کنند. معمولا تلفات و خسارات از سردسیر به گرمسیر کمتر از گرمسیر به سردسیر است.

راه های عشایری یا ایل راه ها باراه های شوسه ای که اخیراً " سازمان امور عشایری آنرا ساخته فرق دارد این راه ها و معمولاً " برای کوچ ماشینی است در بست در اختیار کامیون ها و وانت ها قرار دارند . بنابراین معمولاً " شرایط معمول راه سازی در آن مراعات نشده است می توان آنها را راه های بیابانی خواند . که شهری را به شهری مربوط نمی کند بلکه بیشتر فضاهای عشایری را بهم ربط می دهد و تسهیلاتی از نظر جابه جایی برای آنها دارد که در عین حال در این میان ممکن است ده شهری هم در سر راه این جاده باشد در این گونه راه ها که سر راه های عشایری معروف است هیچ گونه تابلوی راهنمایی و حتی تابلوهای کیلومتر شمار وجود ندارد . هیچ گونه قهوه خانی یا جایی که بتوان در آن - استراحت و یا بیتوته کرد یافت نمی شود . این راه ها گاه با ایل راه های اصلی مرتبط و یکی میشوند و گاه از آن جدا می شوند . وجود همین جاده ها و راه های سنگلاخ برای عشایری که سالیان سال از راه محروم بودند و اصولاً " هیچ ارتباطی با دنیای خارج نداشتند قابل بحث است . کار جهاد سازندگی در ایجاد جاده و پل ها و سایر تسهیلات ارتباطی چشم گیر بوده است . یکی از خصوصیات این جاده - این است که غالب این راه ها به راه های اصلی کشور ارتباط پیدا می کند و عشایر پس از طی مقداری راه به جاده های آسفالت می روند . در حال حاضر عشایر از تمامی امکانات جاده های شوسه و آسفالت و پل ها استفاده می کنند و از مسیرهای فرعی به سرزمین خود در بیلاق و قشلاق می رسند . راه های ساخته شده عمل کرد بسیار مفیدی دارند و پاره ای از آنها تا مقر جاورگه ها درجائی که مقر استقرار چادرها در کف دره ها است کشیده شده اند .

۵- اثرات راه های جدید

جاده های تازه احداث شده باعث شده که ارتباطات سرزمین عشایری راحت تر و مطمئن تر

انجام گیرد علاوه بر آن کوچ سریعتر و منظم تر انجام گیرد و عشایر بتوانند به موقع خود را به سرزمین بیلاق و قشلاق برسانند همین بدین وسیله عشایر می توانند از راه ها و شاهراه های کشور استفاده کنند. از سوی دیگر جاده ها باعث شدند که کوچ ماشینی عمومیت پیدا کنند علاوه بر آن ماهیت کوچ سنتی را تغییر داده و تماس با زندگی روستایی و شهری و تاثیر وسایل جدید زندگی و مشاهده زندگی های پیشرفته و رفاه نسبی که شامل حال روستاییان و شهریان بوده ناچیزی احتیاجات و سادگی اقتصادی آن را دگرگون کرده و آنها را به مدار مبادلات شهری قرار داده بطوریکه درپاره ای از طایفه ها و خانوارها حتی درزیر چادر محصولات تجملی مختلف دیده می شود.

۲-۳-۴- بررسی وضعیت کوچ

۳-۳-۴- کوچ در زمان حال

- تغییر زمان کوچ
- تاریخ جدید کوچ یا دولتی شدن تاریخ کوچ
- وضع کوچ در ایل راه ها
- تغییر در وضع کوچ و ایل راهها

کـوچ

تغییر زمان کوچ

از سال ۱۳۲۰ که عشایر کوچ رادوباره از سر گرفته ، حتی تاسه دهه پیش که عشایر دچار فروپاشی نشده بودند کوچ همچنان زمان منظم خود را داشت ، خان یا کلا نتر دستور حرکت ایل و یا طایفه را صادر می کرد و کوچ در زمان و وقت معین ادامه می یافت این امر حتی بعد از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۲ که بی تردید به زندگی عشایر صدماتی وارد آورد و با اسکان های اجباری و فشار در برهم زدن نظم زندگی عشایری همراه بود ادامه داشت . اما بعد از این دوران به خصوص بعد از انقلاب وضع تغییر کرد ایجاد سازمان امور عشایر با اینکه سبب تسهیلاتی در کوچ عشایر شد و بطور کلی رفاه نسبی عایدشان کرد ولی سبب دخالت مستقیم ارگانهای دولتی در زندگی عشایر گردید یکی از آن موارد تاخیر در کوچ عشایر از قشلاق به ییلاق است که زمان آن توسط دولت تعیین می شود در واقع زمان سنتی کوچ عشایر و دام شان برای حرکت به طرف ییلاق (سردسیر) که توسط ریش سفیدان عشایر تعیین می گردید ، زمان مناسبی تشخیص داده نشد زیرا علف قبل از تخم ریزی توسط دام بلع می شد و نیز سایر زیان های اکولوژیک ناشی از آن سبب شد که در زمان کوچ بهاره تجدیدنظر شود و تغییراتی در آن داده شود و از نظر اینکه کنترلی در کوچ انجام گیرد اجازه کوچ و تاریخ آن توسط دولت تعیین شود و علاوه بر آن کوچ توسط دولت سازماندهی شود تا از یک سونظام کوچ برهم نخورد و دسته های مختلف عشایری از زمان تعیین شده حرکت خود را تنظیم کنند و از سوی دیگر از تخریب مراتع جلوگیری شود بهمن تربیت بازیکی دیگر از وظایف خان و یار رئیس طایفه توسط دولت غصب شد و امروز زندگی عشایر کم کم رنگ دولتی پیدا کرد و تصمیم گیری بهادر مورد عشایر به دولت واگذار شد .

تاریخ جدید کوچ

یاد دلتی شدن کوچ

دولت زمان کوچ را برای حرکت عشایر و دام های شان از ۱۵ فروردین ماه به ۱۵ اردیبهشت ماه

تغییر داردولی باز هم درتاریخ کوچ تجدید نظر نموده و تاریخ کوچ را تا ۲۰ اردیبهشت به تاخیر انداخت اگر چه این کارزندگی را برای غالب عشایر ماکه محل قشلاق آنان درحوالی خوزستان و مناطق نفتی است مشکل می‌کهند ولی مشورت هایی بین سازمان امورعشایر و سران عشایر در این مورد انجام گرفت درابتدا برای عشایر مشکل بود که بتوانند خود را با این تغییرات و دگرگونی درتاریخ کوچ، توجیه کنند ولی بر اثر چندین بار تجربه و برخورد آنان با مراتع مرغوب و فراوان که با حدود ۱۵ تا ۲۰ روز تاخیر در کوچ حاصل شده بود رضایت آنان جلب شد با اینکه تاریخ کوچ با تمام سختی که دربردارد کمی به عقب بیافتد، البته این رضایت خاطر نزد همه عشایر عمومیت پیدا نکرد درواقع همه عشایر از به تاخیر افتادن زمان کوچ راضی نبودند. در این میان عواملی چند وجود داشت. اول اینکه عشایر معتقد بودند که این تاخیر در کوچ و در پی آن فرصت برای اینکه چمن مراتع رشد پیدا کنند به نفع اهالی روستاهایی که در جوار مراتع آنان قرار دارند تمام می‌شود به خصوص دهات ایلیاتی که هنوز دامداری در آن قویست و در غیبت عشایر در زمان تاخیر کوچ دام خود را در مراتع آنان به چرا می‌دارند و بدین ترتیب استفاده از مراتع عملاً " نصیب روستائیان می‌شود و دیگری اینکه با تاخیر کوچ زمان حرکت نوبتی گروه‌های عشایر بهم می‌خورد، و اتراق گاه‌ها در اشتغال دائم قرار می‌گیرد و نظم اتراق نوبتی بهم می‌خورد سه دیگر اینکه در این زمان روستائیان در حصار بندی ایل راه‌ها و ممانعت خود می‌افزایند چون در روزهای آخر اردیبهشت هر گونه خسارت وارده به مزارع جبران ناپذیر خواهد بود علاوه بر آن که مراتع را حق خود می‌دانند در نتیجه در آن پیشروی خواهند کرد و آنرا به محدوده روستای خود می‌افزایند.

وضع کوچ درایل راهها

معمولا^۱ عشایر در کوچ در زمان معین باید خود را به گرمسیر و یا سرد سیر به رسانند . گاه ایین وقت معین با چند روز اختلاف صورت می گیرد . وقت معین در واقع نوعی حدود زمانی و تاریخ معینی است که در آن تاریخ کوچ انجام می گیرد، این رفت و برگشت گرچه به نظر شبیه هم هستند ولی در عمل چنین نیست و تابع چرای دام است . مسیر کوچ هم در رفت و هم در برگشت (بیلا ق و قشلاق) همیشه یکسان نیست و یک امر قاطع و زمان قاطعی در این کار وجود ندارد گاه عشایر تشخیص می دهند که باید مسیر را مدتی طولانی تر کرد و گاه برای دسترسی به آب و علف چندین کیلو متر راه دورتر و یا نزدیکتر می کنند یا به عبارت بهتر وضع طبیعت طوری است که هیچوقت نمی توانند کوتاهترین فاصله را انتخاب کنند بلکه گاه برای پیدا کردن مکان مناسب و یا مرتع مناسب و آب کیلومترها به مسیر خود می افزایند علاوه بر آن مسیر کوچ هم یک نواخت نیست درپاره ای مناطق به علت موانع طبیعی و یا حریم روستاها باریک و تنگ و پرخطر و درپاره ای مناطق وسیع به طوریکه گاه این وسعت به چندین کیلو متر می رسد و در این نقاط است که غالبا^۲ "باراندازی صورت می گیرد . معمولا^۳ حرکت به سردسیر برای عشایر مطلوب تر از گرمسیر است ، آن شادمانی و پایکوبی که برای حرکت به سردسیر انجام می گیرد در حرکت به گرمسیر وجود ندارد دام دارای شیوه خاصی از زندگی را پیش پای آنان گذارده که حرکت و خانه بدوشی از ارکان آنست و مجبورند در دشت ها و ماهورها و در جوار مکان هایی که علف و مرتع و آب وجود دارد حرکت کنند در هنگام کوچ همه امور زندگی در حال حرکت و بر روی حیوانات باری انجام می گیرد . هنوز بهترین وسیله برای کوچ کردن ، اسب ، الاغ و قاطر است . دارا بودن اسب نشان دهنده این امر است که وضع مالی طایفه و یا مال خویش . طایفه ها و مال هایی که اسب دارند از منزلت اجتماعی بیشتری نسبت به طایفه ها و مال دیگر که فاقد آن هستند برخوردارند زنان و کودکان و طیور و همه حیواناتی که قادر به راهپیمایی نیستند و یا اداره آنان در حال حرکت

مشکل است سواره حمل می شوند . امورات خانوادگی و حرف های خصوصی و درد و دل ها حتی شیر دادن به بچه ها و تغذیه مختصر نیز در حال حرکت انجام می پذیرد .

محل باراندازی موقت راریش سفیدها تشخیص می دهند و باراندازی و استراحت افراد شروع می شود این مناطق معمولا " دارای مرتع و آب و تاحدودی ایمن است . البته تمام مناطق عشایرو قلمرو ایلی و مسیرها بعلت آمدوشو افراد ایل و مال ها تقریبا " زیر نظر است بخصوص در مواقع کوچ امنیت گذر گاه ها و اتراق گاهها توسط خود افراد ایل و مال ها کنترل می شود .

تغییر دروضع کوچ وایل راهها

درشرایط کنونی باقرارگرفتن روستاهای عشایری درمسیر کوچ ومانعت های دولت درکوچ وعوض شدن تاریخ کوچ توسط دولت که منجر به غیر اختیاری شدن کوچ شده است . دیگر آن آزادی درکوچ وحرکت درایل راهها دیده نمی شود. زیرا امروزه جهت احیاء مراتع ومسیر طبیعی رشد علف تل تخم ریزی وحفظ حداقل وضع فعلی مراتع ممانعت هایی درکوچ عشایر به عمل آمده وازکوچ زود رس وبی رویه جلوگیری شده است . علاوه برآن مشکلاتی که روستاهای واقع درمسیر کوچ عشایر به بوجود آورده اند نیز به آن اضافه شده است . به طوریکه گاه عرصه چنان بریک طایفه ویایک " مال درحال کوچ تنگ می شود که مجبور می شوند یک مسیر ۱۵ روزه راکه سربه بیش از ۱۰۰ کیلو متر می زند وچندین منزل (قرارگاه) رادربردارد ، درظرف ۲ یاسه روزطی کنند که این امرموجب تلفات ویاخستگی مفرط دام وکاهش وزن آنها می شود مضافا" براینکه افراد طایفه ویامال هم دچار خستگی مفرط می شوند . ترسیم یک روز ازنزدیکی کوچ عشایر درمواقع عادی نمایان گر این امراست که یک خانواده کوچنده برای طی راه ازیک منزل ورسیدن به منزل بعدی قبل ازطلوع آفتاب وطبیعت قرار قبلی حرکت می کند وسپس به قرارگاه می رسد وازآنجا که زمان کوچ بهم خورده ممکن است قرارگاه مذکور هنوز دراشغال گروه قبلی باشد ودرحالیکه باراندازی مشکل پیدا کرده ، افراد طایفه ویا " مال " تسنازه به قرارگاه رسیده به شدت خسته اند . وناچاردر درجوار قرارگاه وبافاصله ازآن باراندازی می کنند وتازه پسرازیاداندازی درنزدیک قرارگاه، زنان علیرغم خستگی ، تاآمله کردن وسایل استراحت و خواب ، کاریخت وپز ، دوشیدن شیر ، تهیه نان ورسیدگی به بچه ها وتغذیه خانواده حق استراحت ندارند. وپس ازمدت کمی دوباره افراد باید حرکت کنند درواقع تغییر دروضع کوچ بدون توجه به نظام حرکت عشایر کوچنده وضع را برای آنان مشکل می کنند .

۴-۳-۴: اقتصاد مال در بختیاری

- وضع اقتصاد
- زراعت
- تعداد دام
- دامداری

خانوارهای ایل بختیاری ۹/۶ درصد از کل "گوسفند، و بره، بز و بزغاله" جامعه عشايري رابه خود اختصاص داده است، که بطور متوسط هر خانوار عشايري در ایل بختیاری ۵۸ راس "گوسفند، بز و بزغاله" در اختیار دارد.

سهم گاو و گاو میش و بچه گاومیش عشاير بختیاری از کل عشاير ایران ۱۰/۲ درصد و سهم شترداری ۰/۲ درصد و سهم حیوانات باری مانند اسب و کره اسب، قاطر، الاغ و کره الاغ ۲۰ درصد دامهای جامعه عشايري کشور است.

دامداری

بخش اعظم فعالیت عشاير مصروف دامداری و بدست آوردن فرآوردههای دامی و استفاده از آن می باشد، اگرچه ایلات به کشاورزی هم دست می زنند ولی بازار تولید درزراعت وجود ندارد و در نتیجه سودی از این امر حاصل نمی شود و تنها جنبه خودکفایی دارد.

خانوارهای مالها دامهای خود رابه گله می سپارند ولی اگر کمتر از ۱۰ تا ۱۵ راس باشد چرای دام در حول و حوش سکونتگاه انجام می گیرد که معمولاً خانوارهای کوچنده بیش از این مقدار دام دارند دوشیدن شیردام در دو تعریف است و مشارکت و کارجمعی افراد خانواده را طلب می کنند که در این میان از نیروی انسانی کودکان ۲-۸ ساله پسر و دختر هم استفاده می شود. گله که از راه رسید هر خانوار دامهای خود را جدا می کنند و راهی جای خود می گرداند.

حاصل کار دامداری تولید محصولات زیر است:

- شیر و فرآوردههای شیری

- موی بز و پشم گوسفند جهت صنایع دستی (قالی و گلیم)

- پروار بندی (تولید گوشت)

۵-۳-۴ : جمعیت و مال در بختیاری

- جمعیت و خانوار ایل بختیاری
- خانوارهای کوچنده
- طایفه ها و مال ها

جمعیت و خانوار ایل بختیاری

جدول شماره (۷) خانوار و جمعیت ایل بختیاری را بر حسب کوچکترین رده ایلی (مال) و محل استقرار ییلاقی و قشلاقی نشان می دهد مطابق جدول عشایر کوچنده بختیاری به ۲۷۹۶۰ خانوار می رسد که بصورت ۴۸ طایفه و ۴۹۸۸ " مال " کوچ می کنند که جمعیت کوچنده ای حدود ۱۸۱۷۷۷ نفر مرد و زن را شامل می شود . از این تعداد جمعیت حدود

(جدول شماره ۷)
تعداد کوچکترین رده خانوار و جمعیت ایل بر حسب
طایفه و شهرستان محل استقرار

محل استقرار قشلاق					محل استقرار ییلاقی				
جمعیت			تعداد کوچکترین رده خانوار	تعداد کوچکترین رده	جمعیت			تعداد کوچکترین رده خانوار	تعداد کوچکترین رده
زن	مرد	مردو زن			زن	مرد	مردو زن		
۸۶۱۰۱	۹۵۶۷۶	۱۸۱۷۷۷	۲۷۹۶۰	۴۹۸۸	۸۶۱۰۱	۹۵۶۷۶	۱۸۱۷۷۷	۲۷۹۶۰	۴۹۸۸

۹۵۶۷۶ نفر را مردان و ۸۶۱۰۱ نفر را زنان تشکیل می دهند که مجموعاً ۱۵/۸ درصد از جمعیت عشایر کل کشور است . آنچه مربوط به مطالعه ما میشود این است که این خانوارها در ۴۹۸۸ مال شکل می گیرند و کوچ می کنند جدول نشان می دهد که تمام خانوارهای " مال " محل استقرار خود را از ییلاق به قشلاق و برعکس تغییر می دهند این جا بجایی جمعیت که تنها از یک ایل به حدود ۱۸۱۷۷۷ نفر می رسد چه در مقصد و چه در مبدا منطقه راتحت تاثیر قرار می دهد .

مرکز آمار ایران تقسیمات ایلی ایل بختیاری را برای هر يك از طایفه ها تا سطح مال در- نظر گرفته است . طبق نشریه مرکز آمار ایران ایل بختیاری از ۴۹۸۸ مال (کوچکترین رده کوچنده) و ۵۰ طایفه تشکیل شده است . این عشایر در قالب طایفه و مال در ۱۳ شهرستان و چهار استان پراکنده هستند در شهرستان فارسان محل استقرار بیلاقی بیشترین جمعیت ایل را بخود اختصاص داده است (۷۱۶۴۲ نفر) حدود ۳۰ درصد کل عشایر بختیاری ، در مقابل شهرستان شهرکرد کمترین جمعیت (۱۰۵۴ نفر) حدود ۰/۶ درصد را بخود اختصاص داده است . در محل استقرار قشلاقی ، شهرستان های مسجد سلیمان تعداد بیشتری از جمعیت (۷۵۵۷۹ نفر) حدود ۴۰ درصد و شهرستان شهرکرد کمترین تعداد از جمعیت ایل ۲۴ نفر را در خود جای داده است .

(جدول شماره ۶)

جمعیت ایل بختیاری بر حسب " مال " و خانوار

بیلاق و قشلاق		
شرح	تعداد	
کوچکترین رده ایلی "مال" خانوار	۴۹۸۸	
	۲۷۹۶۰	
<div> ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ </div>	مرد وزن	۱۸۱۷۷۷
	زن	۸۶۱۰۱
	مرد	۹۵۶۷۶

طایفه‌ها و مال‌ها

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که عشایر کوچنده در کوچکترین رده ایلی "مال" نزد عشایر بختیاری به ۴۹۸۸ "مال" می‌رسد که ۲۲ درصد کل رده کوچک عشایر کوچنده ایران را تشکیل می‌دهد و تعداد خانوارهایی که مال‌ها را تشکیل می‌دهند، ۲۷۹۶۰ خانوار است که نسبت به کل جمعیت آن حدود ۱۵/۵ درصد و جمعیت آن ۱۸۱۷۷۷ نفر که نسبت به کل جمعیت عشایر بختیاری رقمی حدود ۱۵/۸ درصد است.

(جدول شماره ۳)

نام طایفه‌ها و تعداد "مال" های هر طایفه *

نام طایفه‌ها	تعداد مال	درصد
جودی	۶۷۳	۱۳/۴
اورک	۵۷۵	۱۱/۵
باباری عالی انور	۴۸۵	۹/۸
بهداروند	۳۶۹	۷/۴
عمزایی	۳۶۶	۷/۴
محمود صالحی	۳۵۷	۷/۱
زراسوند	۳۱۴	۶/۳
گندعلی قندعلی	۳۱۰	۶/۲
سعید	۲۱۶	۴/۳
گورزی	۱۳۳	۱/۶
چهاربوری	۱۰۹	۲/۱
راکی	۱۰۶	۲/۱
بافدی بابا احمدی	۹۰	۱/۹
شارع	۸۹	۱/۹
زالکی زلفی	۸۹	۱/۹
کله	۸۸	۱/۸
حموله همونی	۸۵	۱/۷
۳۳ طایفه بین ۴۷ تا ۵۳۳ "مال" دارند	۵۳۳	۱۰/۷
جمع	۴۹۸۷	۱۰۰/۰

جدول شماره ۳۰ نشانگر این مطلب است که طایفه‌های متعدد بختیاری با حجم‌های مختلف جمعیتی دارای تفاوت‌هایی در تعداد " مال " های کوچنده هستند .

تفاوت در حجم جمعیتی و مال بسیار است ، بطوریکه طایفه‌هایی هستند که تنها يك مال کوچنده دارند بدین معنی که از آن طایفه تنها يك يا دو مال کوچ می‌کند و بقیه اسکان یافته‌اند مانند " مال " های عکاشه ، سادات ، دو درایی . در حالیکه طایفه موری ۶۲۳ مال کوچنده دارد که در قالب دو خانوارهای ۵ تا ۷ خانواری کوچ می‌کنند . جدول نشان می‌دهد که درایه‌ل بختیاری هنوز جمعیت وسیعی در قالب مال کوچ می‌کنند و وابستگی طایفه‌ای خود را حفظ کرده‌اند .

(جدول شماره ۴۰)
درصد "مال" های هر طایفه *

گروه بندی "مالها"	تعداد طایفه	درصد
کمتر از ۵۰ مال	۳۳	۶۶
۵۱ - ۱۰۰	۵	۱۰
۱۰۰ مال به بالا	۱۲	۲۴
جمع	۵۰	۱۰۰

(جدول شماره ۵)
درصد طایفه های هر "مال"

نام طایفه	تعداد مال	درصد
موری	۶۷۳	۱۷/۱
اورك	۵۷۵	۱۴
عالی انور	۴۸۵	۱۳
بهداروند	۳۶۹	۹/۲
عم زایی	۳۶۶	۹/۲
محمود صالح	۳۵۷	۸/۶
زرل سوند	۳۱۴	۷/۸
گندعلی - قندعلی	۳۱۰	۷/۷
سعید	۲۱۶	۵/۳
گورویی	۱۳۳	۳/۳
چهار بوری	۱۰۹	۲/۶
راکی	۱۰۶	۲/۳
جمع	۴۰۱۳	۱۰۰/۰۰

جدول (شماره ۴) نشان می‌دهد که ۳۳ طایفه حدود ۶۶ درصد کل طوایف بختیاری کمتر

از ۵۰ " مال " (= کوچکترین رده ایلی) دارند و ۵ طایفه حدود ۱۰ درصد بین ۵۱ تا

۱۰۰ " مال " و ۱۲ طایفه حدود ۲۴ درصد بیش از ۱۰۰ " مال " دارند .

جدول نشان می‌دهد که بیشترین طایفه‌ها (۶۶ درصد) کمترین مال‌ها را دارند

یا به عبارت بهتر از کمترین تشکیلات کوچکترین رده ایلی (= مال) برخوردارند و ۳۴ درصد

طوایف بیش از ۵۰ " مال " دارند . در نتیجه طوایف بیشتری دارای " مال " های کمتری

هستند در واقع وسعت طایفه رابطه غیر مستقیم با افزایش " مال " دارد .

مطالعه درباره ۱۲ طایفه‌ای که بیشتر از ۱۰۰ " مال " دارند (جدول شماره ۴)

نشانگر این مطلب است که طایفه " موری " با ۶۷۳ " مال " (۱۷ درصد) بیشترین

" مال " ها را دارد و طایفه " راکی " با ۱۰۶ مال و ۲/۳ درصد کمترین آنان را داراست .

می‌توان گفت که این ۱۲ طایفه از پرجمعیت‌ترین و معروف‌ترین و پر " مال " ترین

طوایف هستند .

۶-۳-۴: نمونه بررسی سکونتگاه مال در کوهرنگ بختیاری

- مسکن عشایر در کوهرنگ
- سکونت در کوهستانهای منطقه
- قلمرو زیستی

مسکن عشایر در کوهرنگ

در کوهرنگ بختیاری اسکان هایی که انجام پذیرفته است بصورت تجمع يك مال است و خانه های مسکونی شبیه به يك مال گردهم ساخته شده اند در واقع در سازماندهی خانه ها و یا به عبارت بهتر عناصر مسکونی ثابت ، طرح مال مشاهده می شود . خانه های مسکونی در پناه کوه ها و در شیب آنها با تاسیسات کشاورزی و دامداری استقرار دارند و در پناه های از قسمت ها مالکیت خصوصی دیده می شود از سوی دیگر منطقه دارای دو ترکیب سکونت است مال های در حال کوچ با همان وضع چادر نشینی و منتهی با يك مال يك قاش و خانه های مسکونی . در واقع مال های در حال اسکان که می روند مال مسکونی را بوجود آورند و يك ترکیب جدید مسکونی مال به بقیه مال ها بیافزایند . بهر حال يك اکوسیستم در يك محیط جغرافیایی سردسیر استقرار پیدا کرده که از طریق منابع طبیعی خود حمایت می شود . خانه ها و یا عناصر مسکونی (اطاق ها) و ضامیم خانه مانند طویله ، انباری در يك کل و در يك ترکیب قرار گرفته اند و شبیه يك ده است ، دهی که بدین ترتیب بوجود می آید شاید در نقشه از آن نامی برده نشده باشد ، این ده بیشتر يك ده ایلایاتی است . کشاورزی در آن ضعیف است و عوامل دامداری در آن قویست . در ترکیب خانه ها می توان عوامل زیر را در آنها برشمرد .

خانه ها از هم فاصله دارند کمتر خانه ای بخانه دیگر چسبیده است . در نتیجه خیابان مشخصی در آن بچشم نمی خورد . معمولا خیابان ها که از احداث يك ردیف خانه در کنار هم و در مقابل هم بوجود می آیند توسط زمین بعدی که خانه ای در آن ساخته شده قطع می شود . دیوار در اطراف خانه ها کم دیده می شود بطور کلی دیوار آن مفهوم شهر نشینی را که احاطه شدن مجموعه زندگی در پناه دیوار است را ندارد . اگر دیوار و یا تیغه ای آجری دیده می شود تنها نشانه مشخص کردن مالکیت و یا جمع کردن دام در پناه آن است . خانه ها غالبا يك طبقه ساخته شده اند و تنها

به اطاق و یا به يك سالن كه ضریبی از وسعت چادر است در آن دیده می‌شود. نحوه زندگی در آن به مانند نحوه زندگی در چادر است. خانه ها محصور در باغ ها و مزارع قرار دارند. این ترکیب خانه ها همراه با باغ ها و مزارع، دشت نسبتاً پهناور و مسطحی که از فاصله گرفتن کوهها بوجود آمده است را قطعه قطعه کرده و يك روستای ایلپاتی را بوجود می‌آورد که در آن مجموعه خانه ها در وسط و زمین های زراعی در اطراف قرار گرفته‌اند.

سکونت در کوهستانهای منطقه

کوهرننگ بختیاری دونهوه زندگی را در کنار هم دارد. آب و هوای کوهرننگ بختیاری بشدت متغیر است زمستان ها سخت تا ۱۵ درجه زیر صفر دارد و تابستانهای خنک و بیلایقی. عشایر کوچ گرتا کوهرننگ و حوالی آن کوچ می کنند و تعدادی از آنها در کوهرننگ ساکن شده اند و ده هایی را به وجود آورده اند و گاه نشانه های کوچ نیز در آنها دیده می شود ده ایلیاتی هیچ هویتی ندارد از اغلب آنها در نقشه نامی برده نشده است حتی خودشان نامهای عشایری روی آن نهاده اند کشاورزی در آن ضعیف است. سازماندهی خانه های به عبارت بهتر عناصر مسکونی در یک نقطه جمع شده اند و دور و اطراف آن کوههایی قرار دارند. باشیب ملایم، خانه های مسکونی در پناه کوه ها و در شیب آن ها بنا شده اند. تاسیساتی کشاورزی و دامداری استقرار دارند و در پاره ای از قسمت ها مالکیت خصوصی به چشم می خورد که تبدیل به درختکاری شده است در واقع یک اکوسیستم در یک محیط جغرافیائی سردسیر استقرار پیدا کرده که توسط منابع طبیعی اطراف خود حمایت می شود. خانه ها و یا عناصر مسکونی که در طبیعت ادغام شده اند بصورت یک اتاقی و یا چند اتاقی با ضامم خانه ها نظیر طویله و آغل در یک کل و ترکیب یکپارچه قرار گرفته اند. در ترکیب خانه ها می توان عوامل زیر را در آنها برشمرد:

خانه ها از هم فاصله دارند. خیابان مشخصی در آن به چشم نمی خورد معمولا " خیابان ها که از احداث یک ردیف خانه در کنار هم و در مقابل هم به وجود می آیند توسط زمین بعدی که خانه در آن ساخته شده قطع می شود، دیوار کشی در اطراف خانه ها کمتر دیده می شود. در اینجا دیوار آن مفهوم شهر نشینی احاطه شدن خانه توسط آن " و یا قرار گرفتن خانه در پناه آن " را ندارد. اگر دیواری و یا تینهای آجری مشاهده می شود تنها نشانه مشخص کردن حدود مالکیت و یا جمع کردن دام در پناه آن است.

خانه ها غالبا " یک طبقه هستند و به صورت یک اتاق و یا یک سالن که ضریبی از وسعت چادر است

احداث شده‌اند. استقرار در آن‌مانند استقرار در چادر است. رختخواب‌ها همچنان در يك ضلع

دیوار قرار دارند

قلمرو زیستی

درس‌زمین‌شناسی نشانه‌های زیست و آثار بسیاری دیده می‌شود که حکایت از يك زندگی ساده و اقتصاد ساده و موقتی دارد. این آثار را معمولاً "با سنگ به وجود می‌آورند. سنگ در زندگی عشایری نقش عمده‌ای دارد و سبیل معماری عشایری است. نحوه بکاربردن سنگ و طرح‌های مختلف سنگ‌چین در جایگاه‌های مختلف متفاوت است. این شکل‌های هندسی سنگ‌چین نشانگر نحوه زیست و کشاورزی و یا کار تولیدی است هر گروه از عشایر و یا هر "مالی" نشانه‌های خاص خود را در درس‌زمین محدوده خویش اعمال می‌کند. حدود و حریم چادرها مشخص است و چادرها در جای همیشگی خود نصب می‌شوند. آن‌ها که کشاورزی دارند تمام حدود زمین کشاورزی که چندان وسعتی ندارد را با سنگ مشخص می‌کنند. اگر چادرها تبدیل به خانه‌های آجری شوند همان سازمان وجود خواهند داشت و تفسیر کلی در نظام داده نمی‌شود منتهی در ساختن خانه‌ها وضع پنجره‌ها و سمت خانه‌ها در ارتباط با وضع زمین و دام است با همه این‌ها قطعات زمین کوچک است و نشانگر این مطلب است که کشاورزی چندان رونقی ندارد و مهم نیست. منابع طبیعی چون مرتع که مورد نظر عشایر دامدار قرار دارد در نظم طبیعت پراکنده‌اند و عشایر در عین حال که در يك مکان ساکن هستند برای دسترسی به مرتع حرکت مضاعف دارند. زیرا سرتاسر زمین‌های عشایری متعلق به طایفه‌های مختلف عشایری است و آثاری که در مناطق عشایری وجود دارد نشانگر این امر است که اگرچه قلمرو ایلی به نظر بسیار وسیع می‌آید ولی از آن‌جا که دامداری نیاز به سطح وسیعی از طبیعت دارد در نتیجه فضای خالی چندان‌نی یافت نمی‌شود.

سرزمین عشایری محدوده بسته‌ای مانند روستا و یا شهر نیست که حدود معینی داشته باشد بلکه —
فی المثل یک مال کیلومترها زمین را برای ادامه حیات خود دام لازم دارد • گوسفند تنها در یک
قطعه زمین پرورش نمی‌یابد یا به عبارت بهتر غذای گوسفند در سرزمین عشایری پراکنده است و در -
نتیجه چرا به نام محدودی انجامد و چوپان باید به همراه دام حرکت کند • بنابراین در سرزمین عشایری
با تمام وسعتش جای خالی یافت نمی‌شود • تصادفی نیست که در تمام سرزمین عشایری آثاری از حیات
و یا جای دست انسان، دیده می‌شود و انسان احساس تنهایی نمی‌کند • و اگر حادثه‌ای رخ دهد و یا در صحرا
سرگردان شویم پناهگاه‌های متعددی برای حفظ جان که از یافته‌های عشایری است وجود دارد •

۴-۴ - بررسی وضعیت مال در بویر احمد

۴-۴-۱: جمعیت عشایر کوچنده در بویر احمد

- جمعیت عشایر کوچنده بویر احمد

- آخرین رده ایلی

- خانوار و جمعیت کوچنده

جمعیت عشایر کوچنده بویر احمد علیا

مرکز آمار ایران تقسیمات ایلی ایل بویر احمد علیا را برای هر یک طایفه ها تا سطح اولاد - در نظر گرفته است . طبق نشریه مرکز آمار ایران ایل بویر احمد علیا از ۴۴۶ اولاد (کوچکترین رده

(جدول شماره ۸)

جمعیت ایل بویر احمد علیا بر حسب اولاد و خانوار

بیلاق و قشلاق		
شرح	تعداد	
کوچکترین رده ایلی (اولاد)	۴۴۶	
خانوار		
<div> ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ </div>	مرد وزن	۲۰۳۹۶
	زن	۱۰۵۷۵
	مرد	۹۸۲۱

کوچنده) و ۲۱ طایفه تشکیل شده است . این عشایر در قالب طایفه و اولاد در ۷ شهرستان و ۲ استان پراکنده هستند . شهرستان بویر احمد سردسیر در مقایسه با سایر شهرستان های محل استقرار بیلاقی تعداد بیشتری از جمعیت ایل (۱۸۶۴۱ نفر) ، حدود ۶/۱۰ درصد در مقابل ، شهرستان ممسنی کمترین تعداد جمعیت ایل (۲۱۱ نفر) حدود ۱٪ را در بیلاق پذیرا بوده است .

در محل استقرار قشلاقی ، شهرستان ممسنی تعداد بیشتری از جمعیت (۱۲۵۷۳ نفر) حدود ۱۱

درم و شهرستان کهگیلویه کمترین تعداد از جمعیت ایل (۵۵۰ نفر) حدود ۳٪ را در خود جای داده -

است .

جدول شماره ۹، نشان می‌دهد که عشایر کوچنده در کوچکترین رده ایللی اولاد نزد عشایر بویراحمد علیا به ۴۴۶ اولاد می‌رسد که ۱۰ درصد کل رده کوچک عشایر ایران را تشکیل می‌دهد که تعداد خانوارهایی که اولادها را تشکیل می‌دهند ۲۹۷۰ خانوار است که نسبت به کل جمعیت آن حدود ۱۱٪ و جمعیت آن ۲۰۳۹۶ نفر که نسبت به کل جمعیت عشایر بویراحمد علیا رقمی حدود ۱۱٪ را تشکیل می‌دهد.

نام طایفه ها و تعداد " اولاد " های هر طایفه

(جدول شماره ۹)

تعداد اولاد	طایفه		تعداد اولاد	طایفه
۱۴	سادات شاه مختار		۱۸	آقایی بابکانی
۷	سادات شاهزاده قاسم		۴۵	آقایی نرمابی
۱۷	سادات میر		۱	امیری
۲	شاه حسن سادات مهربان		۱۳	اولاد نبی
۱۶	سیدالی		۷	اولاد علی مومن
۱	عالی والی		۶۰	جلیل حسنی
۱۵	عمله		۱۹	جلیل حسینی
۳۱	قایدگیوی سپیدار		۲	حاتم
۱۵۵	قایدگیوی دشت روم		۷	حاجتی
۱	کا ولیخان		۹	سادات امام زاده علی
۳	محمد صادق		۳	سادات سید محمد
۲۶۲	جمع		۱۸۴	جمع

خانوار و جمعیت کوچنده

(جدول شماره ۱۰)

خانوار و جمعیت عشایر کوچنده استان در تیرماه ۱۳۶۶

دوره استقرار	تعداد ایلها	تعداد طایفه‌های مستقل	تعداد خانوار	جمعیت		
				مردوزن	مرد	زن
بی‌سَلاق	۱۰	—	۱۷۳۸۳	۱۱۱۷۶۸	۵۸۶۲۲	۵۳۱۴۶
قشلاقی	۹	—	۱۵۶۱۶	۱۰۰۶۸۰	۵۲۸۹۲	۴۷۷۸۸

(۱۰)

مطابق جدول بالا در استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۰ ایل در بی‌سَلاق و ۹ ایل در قشلاق بسر

می‌برند تعداد خانوار ۱۰ ایلی که در بی‌سَلاق بسر می‌برند ۱۷۳۸۳ خانوار است ، کل جمعیت آن ۱۱۱۷۶۸

نفر که ۵۸۶۲۲ نفر مرد و ۵۳۱۴۶ نفر زن است .

تعداد خانوار ۹ ایلی که در قشلاق بسر می‌برند ۱۵۶۱۶ خانوار است که کل جمعیت آن ۱۰۰۶۸۰

نفر که ۵۲۸۹۲ نفر مرد و ۴۷۷۸۸ نفر زن است .

(جدول شماره ۱۱)

تعداد خانوار و جمعیت ایل‌ها و طایفه‌های مستقل استان به تفکیک

محل استقرار بی‌سَلاق و قشلاقی

ایل و طایفه	کل		بیلاقی				قشلاقی			
	خانوار	جمعیت	این استان		استانهای دیگر		این استان		استانهای دیگر	
			خانوار	جمعیت	خانوار	جمعیت	خانوار	جمعیت	خانوار	جمعیت
بویراحمد علیا	۲۹۷۰	۲۰۳۹۶	۲۷۳۸	۱۸۶۴۱	۲۳۲	۱۷۵۵	۱۰۶۳	۷۷۵۴	۱۹۰۷	۱۲۶۴۲
ایل بهمئی	۳۰۴۱	۲۰۲۸۶	۲۳۱۲	۱۵۵۵۵	۲۷۹	۴۷۳۱	۲۰۸۴	۱۴۰۳۵	۹۵۷	۶۲۵۱
ایل دشمن‌زیاری	۱۵۷۵	۹۷۴۵	۱۵۷۵	۹۷۴۵	—	—	۱۵۷۵	۹۷۴۵	—	—

جدول (۱۱) لا نشان می دهد در ایلات مختلف که هر يك مكان و یا محدوده جغرافیایی خاصی دارند جابجایی جمعیت به استان دیگر انجام می گیرد در پاره ای از ایلات این چنین جابجائی جمعیت انجام می گیرد مثل ایل بویر احمد علیا، ایل بهمئی و در پاره ای مانند ایل دشمن زیاری این امر انجام نمی گیرد. جدول نشانگر این امر است که میزان خانوارها و بالطبع جمعیت کمتری در استان موطن اقامت دارند یا به عبارت بهتر خانوارهایی کمتر خارج از استان خود قرار می گیرند. با وجود این جدول نشان می دهد که خانوارهایی که خارج از استان اقامت دارند چه دریلاق و چه در قشلاق خانوارهای کمی هستند.

۲-۴-۲: عشایر بوییر احمد

- ساخت اجتماعی درایل بوییر احمد
- رده‌های قدرت درایل بوییر احمد
- فروپاشی عشایر و سازمان امور عشایری

ساخت اجتماعی درایل بویر احمد

در ساخت اجتماعی ایل بویر احمد "مال" جزء رود مراتب ایلی نیست، در پنج رده‌های که در ساخت ایل بویر احمد مانند ایل تیره طایفه اولاد خانوار وجود دارند مال غیر مستقیم بارده ساختی در ارتباط است و خود به خانوار ختم می‌شود و رئیس "مال (سر مال)" رئیس خانوار، هر دو لقب "کا" رابه همراه دارند.

رویه مراتب قدرت درایل بویر احمد قبل از سال ۱۳۴۲ به ترتیب عبارت بود از ایلخان (خان) کلانتر کدخدا ریش سفید رئیس خانواده. در رده قدرت ایلخان (خان) برای ایل، کلانتر، برای تیره و کدخدا برای طایفه در نظر گرفته شده بود و برای اولاد و رئیس خانوار، ریش سفید و رئیس خانوار معمول بود. همچنین در رده قدرت روسای ایل، تیره و طایفه هریک لقب (کی) رابا خود داشتند و برای اولاد و رئیس خانوار که از عوام تشکیل می‌شد لقب "کا" در نظر گرفته شده بود. اما "کی" ها در رده‌های مختلف ایلی یا هم تفاوت داشتند بطوریکه "کی" ایلی (شاه) و "کی" تیره (امیر) و "کی" طایفه (ملک) معنی می‌داد و لقب "کی" در سه رده ایلی و لقب "کا" در دودوره دیگر موروثی بود.

این ساخت سنتی بعد از سال ۱۳۴۲ که عشایر سیر فروپاشی بخود گرفتند خصمزا "بعد از انقلاب اسلام" می‌ایران که مسئله اسکان و توسعه عشایر مطرح شد به تدریج از بین رفت بدین ترتیب از ساخت اجتماعی عشایر چه از رده‌های ساختی و چه از رده‌های قدرت چیزی هرجای نماند و تنها "مال" که همیشه همراه سلسله مراتب ایلی بوده ولی جدا از آن عمل ناکرده است توانسته بماند یا به عبارت بهتر ایل به مال‌های متعدد تقسیم شده و از عشایر کوچنده تنها مال است که بیلاق و قشلاق می‌کنند

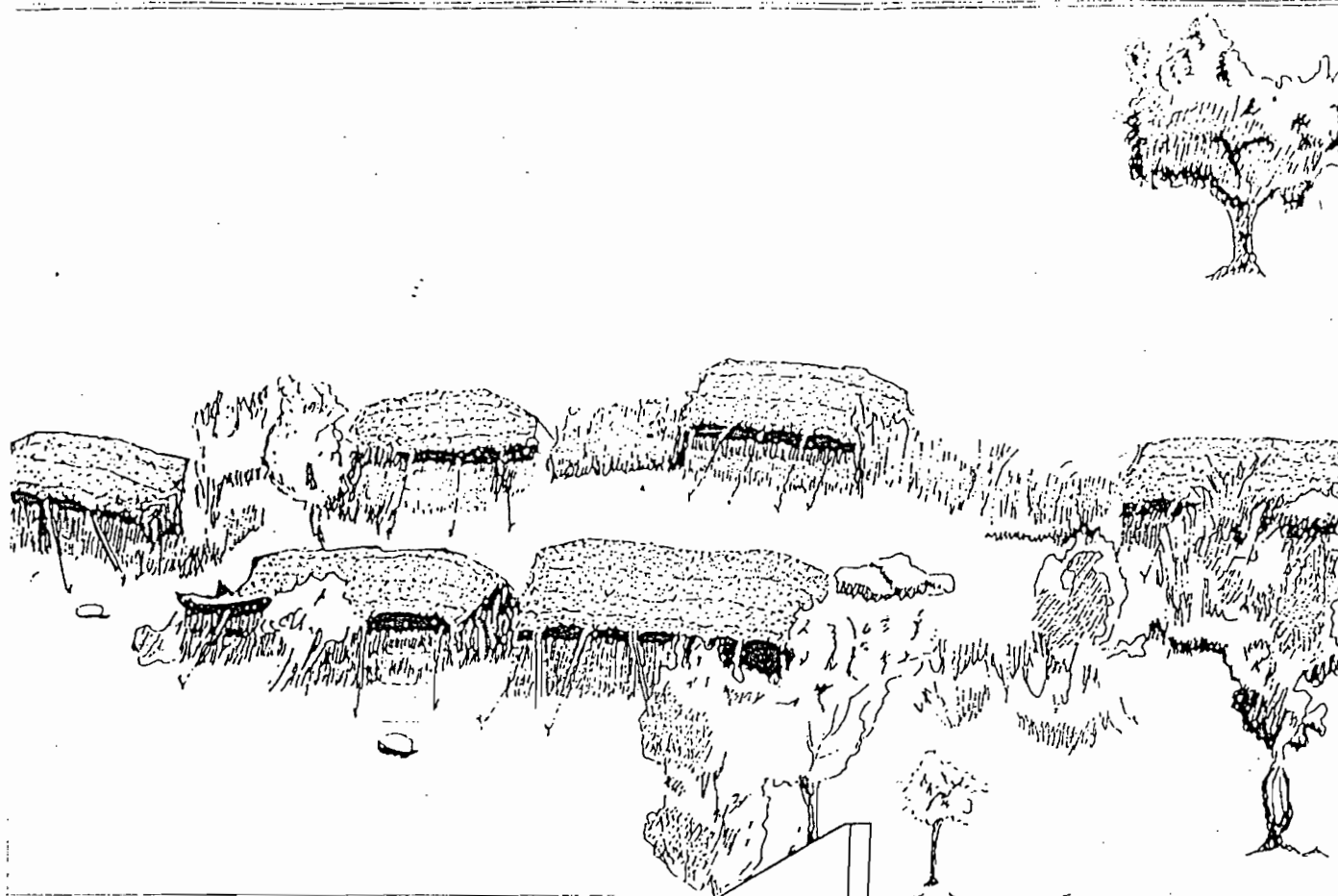
(جدول شماره ۱۳)

ساخت اجتماعی در ایل بوییر احمد قبل از سال ۱۳۴۲ ش *

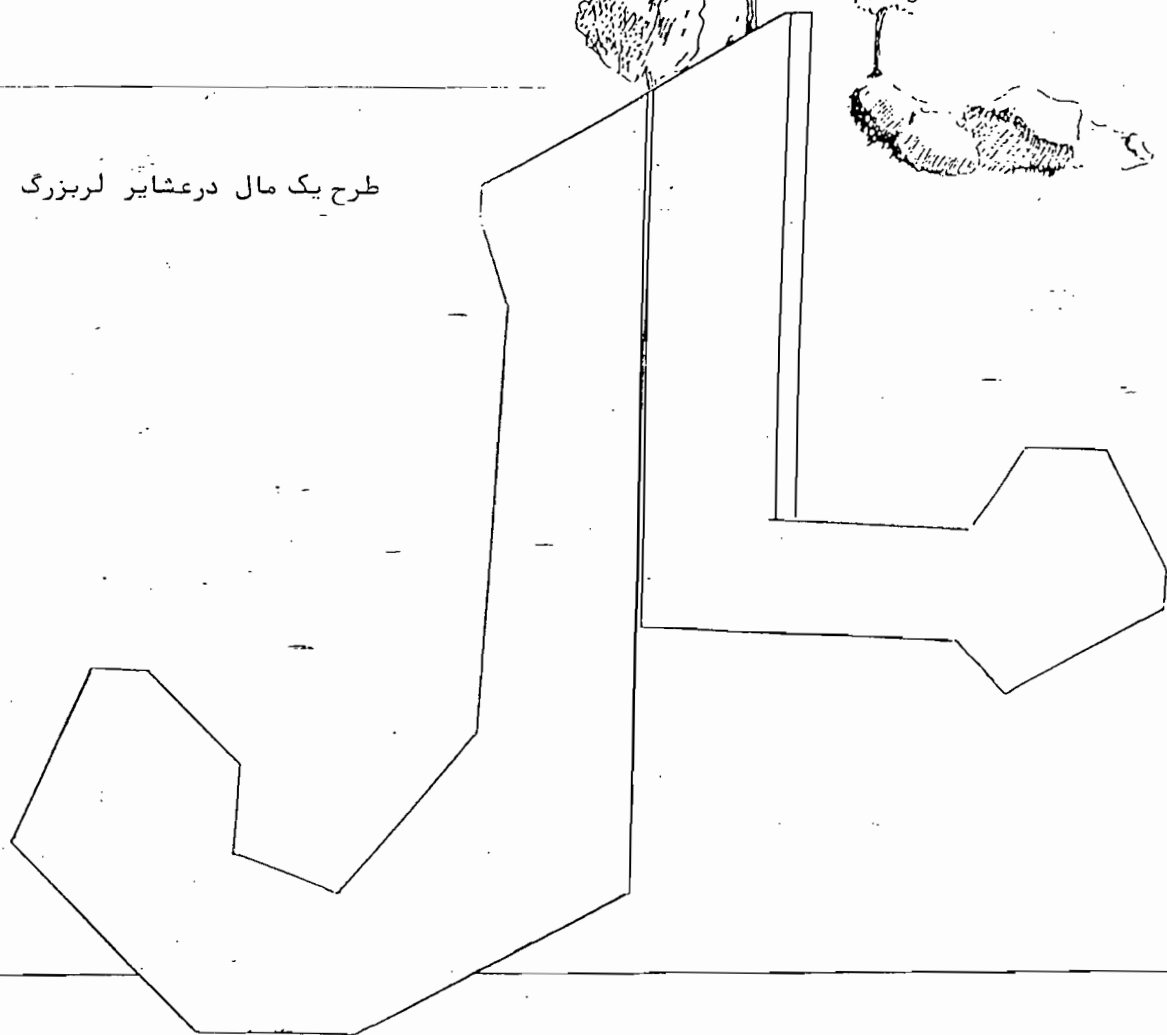
پیشوند نام رده های قدرت (موروثی شکل کهن تاریخی		رده های قدرت	رده های ساختی
شاه منصور دیلگانی (کی منصور	کی (شاه)	ایلخان ،خان	آیل
کی خورشید کی گیوی	کی (امیر)	کلا نتر	تیره
کی سالار طاس احمدی	کی (ملک)	کد خدا	طایفه
کاد هراب	کا -	ریش سفید	اولاد
کا ایمر	کا -	رئیس خانوار	خانوار
کافیروز	سر مال	سرمال	مال
کابهرام	کا	رئیس خانوار	خانوار

* نقل از صفی نژاد ، جواد - مدیریت در بازسازی ساخت اجتماعی کوچ و مرتع در عشایر لر بزرگ با

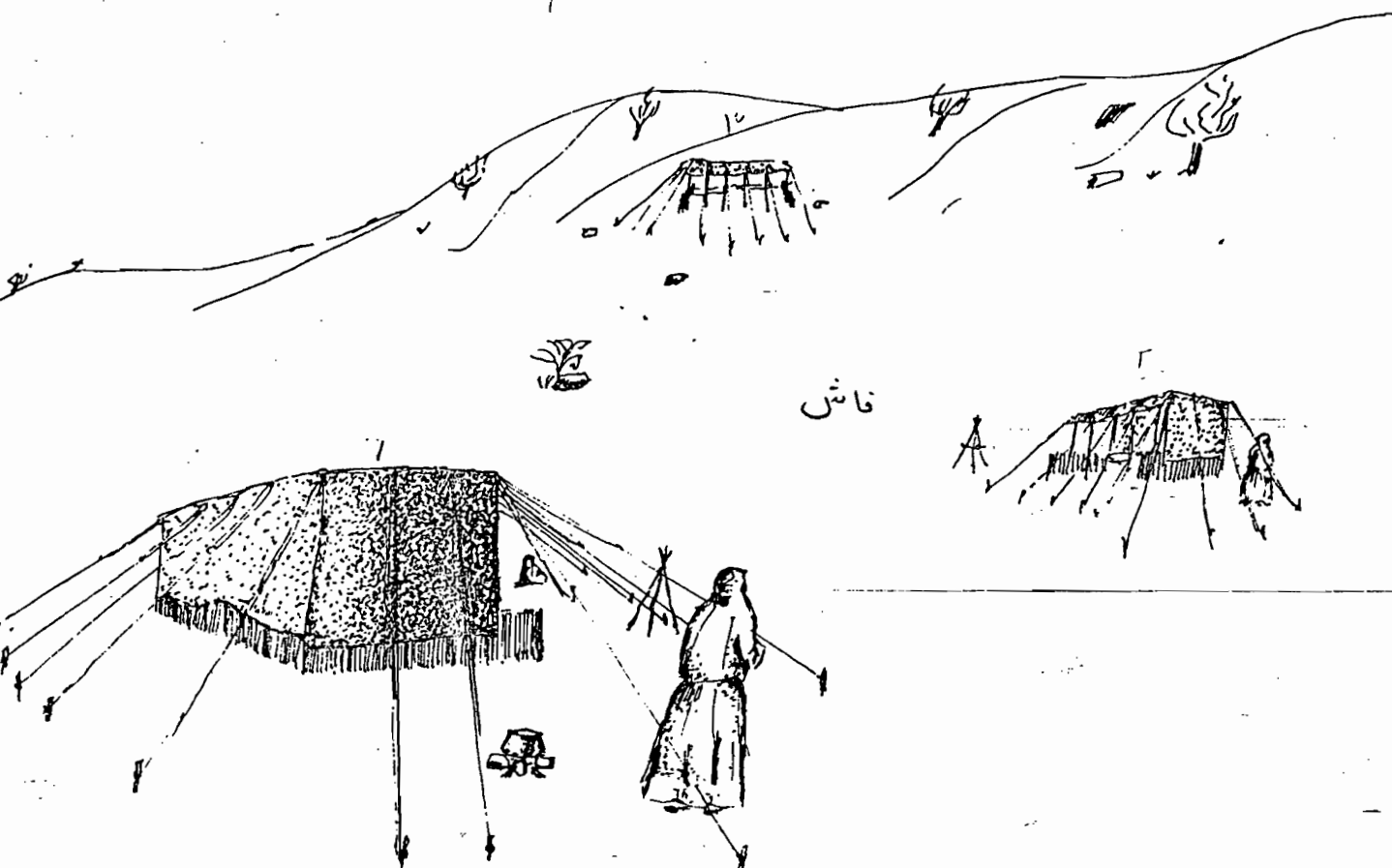
تکیه بر عشایر نگین تاج بوییر احمد .



طرح یک مال در عشایر لر بزرگ



وضع رب ماں بصره قرار گرفتن چادرها و تاش



رده‌های قدرت در ایل بویراحمد

رده‌های قدرت در ایل بویراحمد در ارتباط با سرزمین موروثی و وسعت قلمرو ایل در سال ۱۳۴۲ - نمایان گر این امر است که ایل بویراحمد طبق چه تقسیمات قدرت افراد ایل و همچنین سرزمین موروثی را اداره می‌کنند. کل وسعت قلمرو ایل ۷۱۰۰ کیلو متر مربع است که طبق تقسیمات ایل بویراحمد یا تقسیمات منطقه ای ایل بویراحمد در سه منطقه بویراحمد علیا و سفلی بویراحمد گرمسیر تقسیم، شوند قسمت سردسیر بویراحمد که شامل بویراحمد علیا و سفلی است مجموعاً حدود ۵۸۰۰ کیلو متر مربع وسعت دارد که بهترین قسمت بویراحمد است و بیشتر کوهستانی است در حالیکه سرزمین گرمسیر بویراحمد گرمسیر ۱/۳۰۰ کیلو متر مربع وسعت دارد. کل خانوار ایل که در این سرزمین زندگی می‌کنند حدود ۲۰۰۰۰ خانوار است که حدود ۱۱/۶۰۰ خانوار آن تنها در بویراحمد سفلی زندگی می‌کنند کل خانوار که کوچه ایل ۱۱/۴۰۰ خانوار است که ۸۶۰۰ خانوار آن در سردسیر (بویراحمد سفلی) زندگی می‌کنند در این تقسیمات جغرافیایی و جمعیتی بویراحمد روزهای قدرت به ترتیب عبارتند از یک ایلخان، که فرمانداری کل ایل محسوب می‌شود که در رأس ایل قرار دارد و سه فرمانده قسمت که بانمایند قدرت، خان هستند بالقب "کی" و سپس ۱۱ نفر فرماندهان تیزه کلا نترهای انتصابی، ۷۶ نفر فرماندهان طایفه (کدخداهای انتصابی) ۴۱۱ نفر و فرماندهان اولاد (ریش سفیدانی انتخابی) باید توجه داشت که در سه رده قدرت کلا نتران و کدخداها انتصابی هستند در حالیکه تنها وریش سفیدانی اولادها انتخابی است. فرماندهان مال (سرملان) به تعداد مال (هر مال بطور متوسط ۵ خانوار) انتخاب می‌شوند که مجموعاً "در کل ایل تعداد آنها به ۲۲۸۰ نفر می‌رسد. محل استقرار ایلخان در بویراحمد سفلی است و بعد از وی بیشتر روسای ایل حدود ۹۲٪ در بویراحمد علیا و سفلی اقامت دارند همین وضع در مورد سرملان نیز صدق می‌کند در واقع تمام مال ها و سرمل ها در بویراحمد علیا و سفلی زندگی می‌کنند.

(جدول شماره ۱۴)

رده‌های قدرت در ایل بویراحمد ۱۳۴۲

بویر احمد	بویر احمد سفل	بویر احمد گرمسیر	بویر احمد	رده‌های قدرت
۷/۱۰۰	۱/۳۰۰	۳/۹۰۰	۱/۹۰۰	وسعت قلمرو (کیلو متر مربع)
۲۰/۰۰۰	۱/۴۰۰	۱۱/۶۰۰	۷/۰۰۰	کل خانوارهای ایل
۱۱/۴۰۰ ٪۵۷	اسکان	۸/۶۰۰ ٪۷۴	۲/۸۰۰ ٪۴۱	خانوارهای کوچنده
۱ کی	—	۱	—	فرمانروای کل ایل ایلخان
۳ کی	۱	۱	۱	فرمانده هر قسمت (نماینده قدرت ، خان)
۱۱ (۳۰)	—	۶	۵	فرماندهان تیره (کلانترها انتصابی)
۷۶ (۳۱)	۱۳	۳۷	۲۶	فرماندهان طایفه (کدخداها (انتصابی)
۴۱۱	۲۵	۲۸۲	۱۰۴	فرماندهان اولاد (ریش سفیدان انتخابی)
۲۲۸۰	—	۱۷۲۰	۵۶۰	سرمالان (فرماندهان مال)
۲۲۸۰ (۳۲)	—	۱۷۲۰	۵۶۰	تعداد مال (هر مال ۵ خانوار)

۴-۴-۲- بررسی وضعیت دو مال از ایل بوییر احمد علیا

۴-۳-۲- بررسی وضعیت دو مال از ایل بویر احمد علیا

زمانیکه از شهر دوگنبدان خارج شده و در مسیر جاده شیراز تا سه راهی بامیدان سفید - می‌کنیم در منطقه گرمسیری بسیاری از طوایف ایل بویر احمد علیا ، کشکولی ها و دره شوری های قشقای طوایف ممسنی ، ایلات باشت با ~~بوچی~~ ، چرام و بعضی طوایف بویر احمد سفلی قرار میگیریم گروه تحقیق ما ، در سفر به منطقه و مراجعه به سازمان امور عشایری ، پس از جمع آوری اطلاعات کلی و مصاحبه با مسئولین به لحاظ آشنائی قبلی و داشتن اطلاعات بیشتر درباره ایل بویر احمد علیا به سه مال انتخاب شده از این ایل مراجعه نمود که اطلاعات مربوط به دو مال یعنی "آبادی الیاس" و "مال زمانی" از دیدگاه های مختلف مورد بررسی و جمع آوری قرار گرفت ، مال سوم در راه - بازگشت به سردسیر و با توجه به محدودیتی که از نظر زمان برای کوچ وجود داشت در زمینه های گرمسیری و روستاهای بین راه پراکنده و بعضاً "جهت انجام پاره ای امور به شهرها رفته بودند . دو مال انتخاب و بررسی شده از نظر ارتباط طایفه ای ایلی هردو از ایل بویر احمد علیا هستند ، اما یکی از طایفه ، آقائی های زمانی و دیگری از محمد صادقی های نگین تاجی . منطقه سردسیری هردو "مال" در حوالی یاسوج بویر احمد است . پیش از آنکه وضعیت این دو مال را بررسی کنیم می بایستی مقدماً "به شکل امروزی" مال ها ، تفاوت های در مال های بختیاری و بویر احمد و تعریفی کلی از مال پرداخت .

امروزه پس از فروپاشی سازمانهای سلسله مراتبی قدرت و رهبری در ایلات ، زندگی عشایر کوچنده تابع رهبری و دستورات آن سازمانها نبوده و تجمع عشایر حتی بصورت طایفه ای نیز از میان رفته و چنانچه گفتیم ، تنها اولادها در قلمروهای سنتی خود بصورت يك یا چند مال ، همراه با دیگران (افراد هم طایفه یا غیر آن) تجمع های سکونتی یا "مال" ها را تشکیل می دهند . این مال ها ، کوچ خود را خارج از نظم سنتی و هماهنگ با مال های دیگر ایل ، و تنها با مشاوری و ره

هماهنگی سازمانهای دولتی ذیربط، زمان بندی وتنظیم می نمایند، ثبات وعضویت دراین مال ها بسیار شکننده. و ممکن است تنها به يك بار اقامت درسردسیر یا گرمسیر منحصر گردد. همچنین باتوجه به امانتیت بوجود آمده در حال حاضر، توسعه وافزایش علاقمندی بهزراعت وعدم تبعیت کامل از رهبری ایلی یابزرگان طایفه واولاد، فواصل چادرها از یکدیگر، روابط متعاون وهمیاری در تولید را، از شکل سنتی خارج نموده واین امور اغلب بصورت تك خانواری درآمده است.

در مورد معرفی مال ها، آخرین تعریفی که از آنان می توان ارائه وباتکیه بر آن به بررسی مال ها پرداخت، تعریف زیر می باشد:

تعریف:

مال - تجمع چند خانوار عشایری در يك گروه متعاون تولیدی است،

این تجمع برای کار وبهره برداری از آب وزمین وحفظ امنیت

خانوارها وگله های آنان تشکیل می گردد وهدف اقتصادی آن تولید و

پرورش دام ها وفرآورده های لبنی است.

مدیریت وسرپرستی مال باریش سفید یا صاحب مال است که معمولاً " از اعضای ساده و

معمولی ایل وطایفه است. مال ها باتوجه به وابستگی ایلی صاحب مال بهر محدود قلمرو

(مرتع مشترك) اولاد وطایفه مربوطه تشکیل می شوند، پاره ای مال ها از نظر تعداد خانوار

وسرمال در گرمسیر - کوچ - سردسیر ثابت ودائمی هستند، اغلب دیگر مال ها نه در فصول

مختلف ونه از نظر ترکیب وتعداد خانوارها ثابت ودائمی نیستند. پاره ای از مال ها

دارای ترکیب ثابت از نظر خانوارهای عضو يك اولاد وطایفه اند و اغلب دیگر مال ها

ترکیبی از افراد و خانوارهای متفاوتی از نظر وابستگی اولاد وطایفه ای هستند که تنها

سرمال عضو اولاد مربوط می باشد.

آخرین نکته ضروری، پاره‌ای تفاوتها در شکل ظاهری، فضاها، سکونت و روابط خویشاوندی میان مال‌های بختیاری و بویراحمدی است. بویراحمدیها در منطقه مرتعی خود (اغلب در سردسیر) برای برپا داشتن چادرها و مال‌آیادی خود بیشتر به مناسبت بودن محل مال از نظر مسطح بودن اردوگاه دارا بودن امنیت از نظر طبیعی مانند شیب کوه، ورودخانه و ۰۰۰۰ دقت می‌کنند و مهم‌تر آنکه پس از هر چند هفته اقامت، به دودلیل محل مال را تا فاصله یک کیلومتر تغییر می‌دهند که دلیل اول، بهداشتی بودن مسئله، پس از یک اقامت طولانی است و دلیل دوم تقویت زمین و مرتع است. پس از آنکه چندین گله مدتی شبها را در محوطه قاش و مال بسر می‌برند، از راه کود دادن مستقیم به زمین، آنرا "چاق" می‌کنند، بنابراین برای استفاده آتی و سالهای بعد، این محل ترك و محل دیگری به همین ترتیب مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما در بختیاری با وجود مشترك بودن مراتع محل استقرار "مال‌ها" ثابت است و هر زمان با مراجعه به منطقه آنان می‌توان محل اردوگاه را بر راحتی پیدانمود. دلیل فیزیکی این امر در سنت سنگ‌چین نمودن محل‌های استقرار چادر، نگهداری بره (کوله بره)، اجاق و دیوارهای سنگی در اردوگاه است. و دلیل اجتماعی آن بخاطر ثابت بودن (بطور نسبی) اعضاء ثابت مال است که اغلب دارای روابط خویشاوندی در سطح "تش" و "اولاد" می‌باشند، نمونه، مال علی قنبر در کوهرنگ بختیاری یا مال ملافرامرز محمودی، بود که طی سفر تحقیقاتی در اردیبهشت ۱۳۷۱ با آنکه هنوز این مال‌ها در گرمسیر بودند، محل سردسیری آنان کاملاً مشخص بود و مورد عکسبرداری قرار گرفت.

اینک به بررسی روابط و معرفی مال زمانی و آبادی الیاس می‌پردازیم:

۱-۲-۴-۴-آبادی (مال) ایلاس رحیمی .

در گرمسیر

۰۱۳۲۱

اردیبهشت



آقای رحیمی گپ مال - محمد صادقی نگین تاجی
گرمسیر بویراحمد علیا - دشت گز علیا

ف ۶ ، ش ۲۵ ، ۷۱/۲/۱۴



نفرست راست آقای الیاس رحیمی (ازطایفه محمد صادقی ،نگین تاجی ،بویراحمد علیا)
گپ مال - در زیر چادر خود به همراه آقای الهی ازطایفه جلیل بویراحمد راهنمای گروه
تحقیق وازمطلعین محلی درسازمان امورعشایری کهگیلویه .

۴-۳-۲- آبادی (مال) الیاس

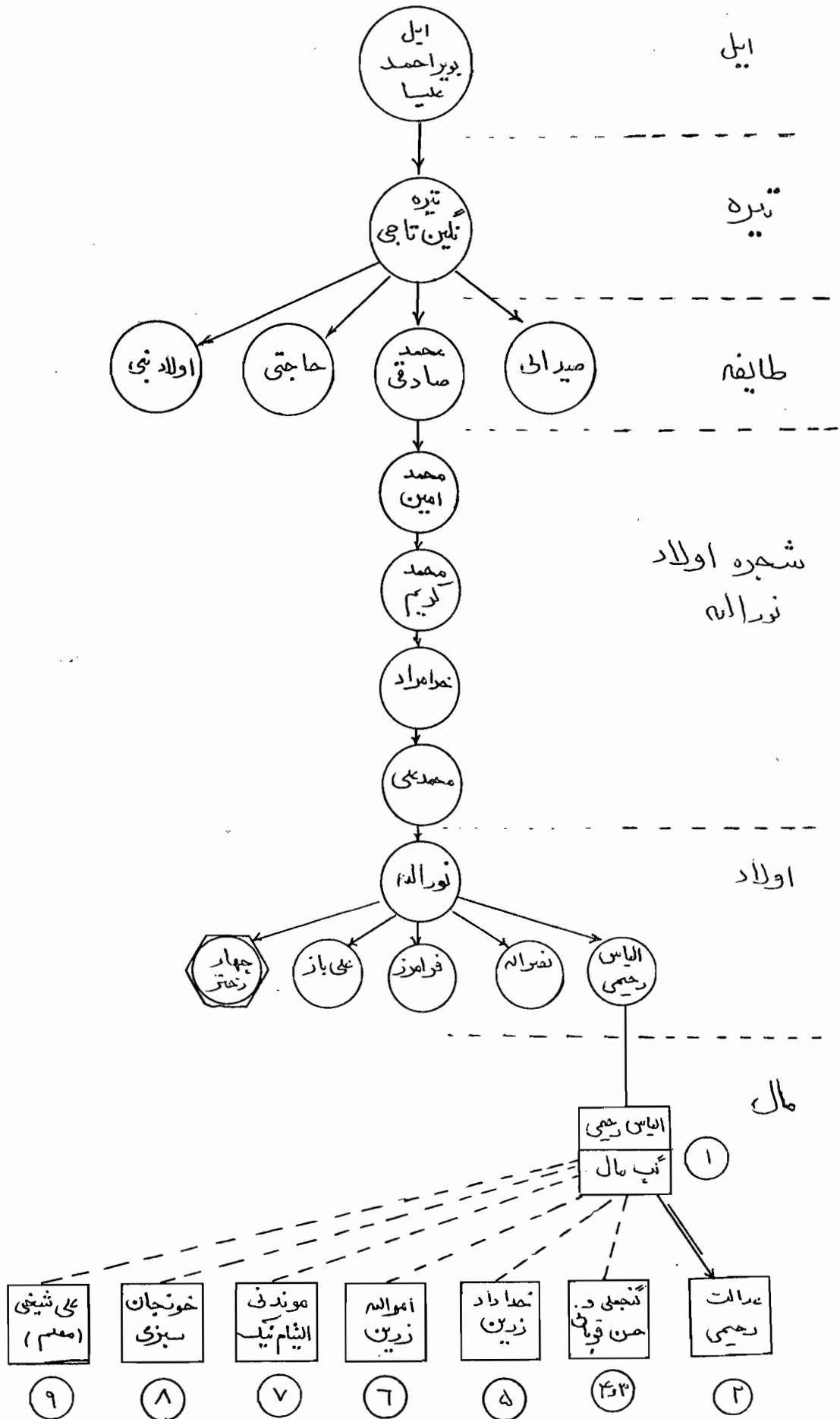
این مال ۹ خانواری بنام آقای الیاس رحیمی از عشایر کوچنده طایفه مصادقی (محمد صادقی) تیره نگین تاجی ایل بویراحمد علیا، آبادی الیاس نامیده می‌شود، مال و آبادی در بین بویراحمدیه‌ها دارای معنای واحدی است و برای تجمع‌های عینی سکونتی آنان بکار می‌رود. این مال در محل گرمسیری خود و در زمان مطالعه (۷۱/۲/۱۱) با توجه به پایان زمان سنتی اقامت گرمسیری خود در منطقه در انتظار دستور رسمی (دولتی) برای آغاز کوچ به سردسیر خود در "آب نه‌ر" حوالی یاسوج بود. محل استقرار مال در دشت گز علیا، نزدیک ده‌باشت در منطقه گرمسیری بویراحمد علیا قرار داشته. ترکیب استقرار چادرها مطابق تصویر صفحه بعد بود. بایستی توجه داشت که برخلاف نظم سنتی در استقرار هرچادر و خانوار در مال و به صورت کاملاً "مجمع و نزدیک بهم"، امروزه فواصل چادرها از یکدیگر افزایش یافته و در این میان این نه خانوار بجز معلوم عشایری که از طایفه شیخ ممو، ایل‌باشت بابوئی بود، دیگران همگی از طایفه محمد صادقی بودند که به روابط خویشاوندی آنان خواهیم پرداخت.

۱- ترکیب اجتماعی

در میان عشایر بویراحمد هم "مال" یا تجمع‌های سکونتی همه ساله دریلاق و قشلاق و کوچ تشکیل می‌شوند. مرکز آمار ایران در سرشماری عشایر کوچنده سال ۱۳۶۶، کوچکترین واحد کوچنده در بختیاری را، مال معرفی می‌کند که پس از اولادها وجود دارند اما در بویراحمد اولاد را بعنوان آخرین رده کوچنده معرفی نموده است، با توجه به تعاریف بنظر می‌رسد که اولاد برای منظور سرشماری فوق صحیح‌تر باشد، زیرا در آن سرشماری، هدف، تعیین کوچکترین رده خویشاوند همبسته در میان هرایل بوده است و نه تجمع‌های سکونتی (۱).

۱- مرکز آمار ایران، مقدمه، نتایج تفصیلی کل کشور، سرشماری عشایر کوچنده ۱۳۶۶.

وضع يك مال در بوير احمد عليا



درآبادی الیاس ، بجز معلم عشایری که دريك سفید چادر گرد دولتی کلاسهای خود را تشکیل می‌دهد و دريك سفید چادر دیگر با اعضاء خانواده خود زندگی می‌کند . بقیه افراد و خانوارها از طایفه محمد صادقی نگین تاجی هستند و روابط خویشاوندی دور و نزدیکی با " کپ مال" ^(۱) دارند " کپ مال" آقای الیاس رحیمی يك سیاه چادر نسبتاً " بزرگ دارند که با خانواده خود در آن زندگی می‌کنند و روابط خویشاوندی خانوارهای مال به شرح زیر است :

۱- الیاس رحیمی بزرگ وریش سفید و کپ مال

۲- عدالت رحیمی پسر الیاس

۳ و ۴- گنجعلی و حسن قربانی ، برادران همسر الیاس و ضمناً " پسرعموهای او .

۵ و ۶- خداداد و امرالله زرین ، عمه زاده و عمو زاده الیاس .

۷- موندنی التیام نیک ، نوه عمه و ضمناً " داماد الیاس .

۸- خونجان سبزی ، پسرعمه الیاس .

۹- علی شیخی ، معلم عشایری ، بدون رابطه فامیلی و طایفه‌ای ، ضمناً " ایشان از طایفه شیخ م‌نمور .

(شیخ محمد) از ایل باشت و بابویی می‌باشد .

اعضاء مال همگی عضو يك اولاد نمی باشند و از فرزندان الیاس نیز تنها يك دختر و يك

پسر او به کوچ روی (بهراه او) ادامه داده بقیه به مشاغل دیگر روی آورده‌اند . مدیریت مال با

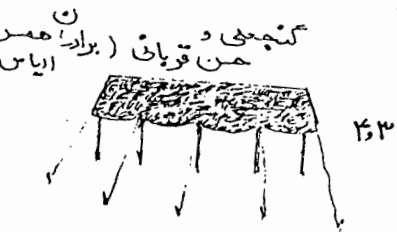
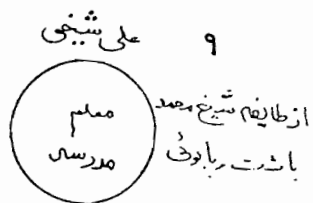
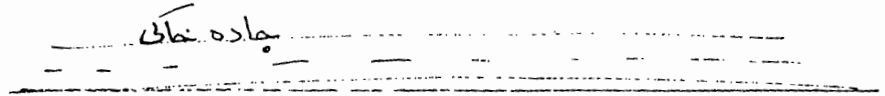
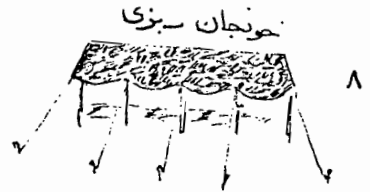
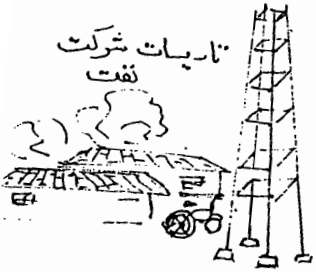
الیاس رحیمی ست که در امور مهم با دیگر اعضاء مال بصورت شورائی و مشورتی اقدام و عمل

می‌نمایند .

۱- مقصود از کپ GAP هن بزرگ یا ریش سفید است .

سازماندهی چادرها در مال
(بویر احمد علیا)

آغل و انبار



در مال‌های بوییر احمد و بطور کلی در ایل بوییر احمد پاره‌ای از خانوارها دام دارند و زمین ندارند. پاره‌ای هم دارند و هم زمین، مجموع دام‌های منطقه (بره - بزغاله، گوساله، گاو شیری، گاو نر، بز نر، قوچ، بز و میش) بالغ بر ۱۰۰ هزار راس است. از کل جمعیت بالغ بر ۳۹۲۵۰ خانوار (۸۵ درصد) بطور کلی رمه داری هم می‌کنند.

متوسط تعداد دام برای هر خانوار دام دار ۲۲/۱ راس است و متوسط تعداد دام برای خانوار دام دار و زمین دار ۲۴ راس. متوسط تعداد دام برای خانوارهایی که در عین زراعت و رمه داری کوچگری نیز می‌کنند ۳۷ راس و متوسط این تعداد برای خانوارهای رومه دار و زمین داری که اسکان پذیرفته‌اند ۱۹ درصد است.

در ایل بوییر احمد دامداری و زراعت در کنار هم جریان دارد و تولیدات آن بیشتر جنبه خودمصرفی دارد. بنابراین در جامعه عشایری کوچنده، جامعه مجبور است که تا سرحد امکان احتیاجات خود را تامین کند چون هیچگونه مراکز کمک‌رسانی برای این گروه در حال حرکت و کوچ وجود ندارد و اینکه عشایر می‌توانند خود گردان باشند و در این نوع زندگی دوام آورند پیش از همه به فن چادر نشینی ارتباط دارد که یک فرد ایل یا تنی از آن بهره‌مند است.

بطور کلی امروز در مال‌ها یابه عبارت بهتر در یک مال سه خانواری حداقل تا ۹۰۰ گوسفند نگهداری می‌شوند، تعداد دام ریش سفید یا رئیس مال گاهی اوقات بیشتر از بقیه است.

سیاه چادر آقای رحیمی و سفید چادر مدرسه عشایری

ف ۶، ش ۱۷، ۷۱/۲/۱۴



مدرسه عشایری و بهون معلم عشایری آقای علی شیخی، آبادی الیاس ۷۱/۲/۱۴

وسائل و دکل‌های حفاری نفتی در نزدیکی محل آبادی در عکس دیده می‌شوند.

میخ‌های چوبی کوبیده شده در نزدیکی سفیدچادر (مدرسه عشایری) حاکی از

جابجا نمودن محل سفیدچادر بخاطر وجود رطوبت در آن محل است.

دربویر احمدعلیا " مال " با آبادی دریک ردیف قرار دارد و یک مفهوم از آن استنباط می شود بطوریکه اگر افراد " مال ها " از چادرها خارج شوند و در ساختمان سکونت کنند همان ترکیب مال در تجمع سکونتی آن ها مشاهده می شود " مال ها " ترکیب های سکونتی سازمان یافته ای هستند که روابط اجتماعی در آن ها قویست . خویشاوند و غیرخویشاوند دارای روابط اجتماعی مشخص هستند و تقسیم کار در آن روشن و حساب شده است تا امنیت و بقاء مال حفظ شود " مال " الیاس رحیمی از ۸ چادر (بهون " یک چادر برزنتی (سفید چادر) و یک سیاه چادر ، انبار و یک آغل (مندال) برای بزغاله ها تشکیل یافته است . زیر هر چادر یک خانوار زندگی می کند که مجموعا تعداد آن ها به ۴۰ نفر می رسد . پراکندگی چادرها طوریست که در وهله اول به نظر می رسد ارتباطی بین آنها وجود ندارد در حالیکه میزان دام و حدود وسعت اتراق گاه این پراکندگی را ایجاب می کند و اگر خانوارها (چادرها) از هم فاصله دارند برای حفظ سرزمین است ولی در عین حال نظارت و کنترل چادرها همچنان حفظ شده باقی می ماند . در واقع با اینکه خانوارهای غیرخویشاوند در مال دیده می شود ولی این مجموعه چند خویشاوندی با هم مجموعه همبسته ای را ایجاد می کند بطوریکه امور مال بگذرد و کارکرد " مال " حفظ شود . با این وجود تجمع این مال بر اساس ترکیب نسبی و سببی است . اما آنچه مسلم است " گپ مال " و خانواده او اهمیت " مال " را تعیین می کند و " مال " بنام وی شهرت دارد . " گپ مال " از وضع " مال " خبر دارد و روابط را می شناسد و بی لاق و قشلاق تعیین وقت کوچ را اومعین می کند و تمام جنبه حقوقی و اختلافات با نظر وی حل و فصل می شود . از سوی دیگر روابط اجتماعی خارج از " مال " و مسایل اداری با اوست . اوست که با سازمان امور عشایری ارتباط دارد و اوست که سهمیه های " مال " را دریافت می کند

و مسائل اقتصادی و اجتماعی " مال " را بررسی می‌کند و مسئولیت " مال " را بعهده دارد.

۴-۳-۴-۴. موقعیت مکانی

۸ چادر " مال " الیاس رحیمی در دشت وسیعی در منطقه گرمسیر قرار دارند فاصله چادرها در رابطه با نوع خویشاوندی دارای فاصله‌های متفاوت هستند . وضع جغرافیایی " مال " طوریست که فضای سنتی مال با فضای منعی " تاسیسات شرکت نفت) ترکیب یافته است . بدین معنی که تاسیسات نفتی در کنار آنها احداث شده و می‌توان حدس زد که در آینده توسعه صنعت نفت مکان قشلاقی آنان را اشغال کند . راه‌های متعددی جهت تاسیسات نفتی در منطقه ایجاد شده که عشایر می‌توانند از آن استفاده کنند با همه این‌ها " مال " ها فضای عشایری خود را حفظ کرده‌اند و تا وقتی که شرکت نفت فضای بیشتری را اشغال نکرده همچنان در سرزمین خود در فضای " مال " زندگی می‌کنند . در کنار " مال " چند واحد مستراح و یک حمام ساخته شده که بدون استفاده مانده‌اند و عشایر ترجیح می‌دهند که آنرا تبدیل به آغل گوسفندان کنند تا اینکه از آن استفاده‌های بهداشتی ببرند . از سوی دیگر بعثت به تاخیر افتادن کوچ اقامت در گرمسیر بیش از حد به طول انجامیده بطوریکه گرما به حد آزار دهنده رسیده و انتظار دستور دولت برای حرکت به طرف سردسیر وضع آنان را که عادت به توقف غیر معمول و بیش از حد در گرمسیر ندارند بخاطر انداخته است . آنان هر وقت موقعیت را مناسب می‌دانستند اقدام به کوچ می‌کردند ولی در حال حاضر کوچ هم دولتی شده و عشایر رفته رفته همه چیزشان وابسته به دولت شده است . چادر برزنتی مدرسه با فاصله از فضای " مال " قرار دارد بطوریکه می‌توان توسط آن غنم را اداره آموزش و پرورش را در مال تشخیص داد و از آنجا که معلم مدرسه از طایفه دیگری است عضومال بشمار نمی‌آید اما ایشان نیز تعداد اندکی میش و بز دارند که به همراه گله‌های الیاس به چارابهرده می‌شوند، و به گفته الیاس رحیمی ، آقای شیخی ، همسر و تنها فرزند خردسال او میهمان مال محسوب می‌شوند و از همیاری و خدمات دیگر اعضای مال برخوردارند، البته برنامه کاری این

معلم به شکلی است که پیش از کوچ بهاره ، کارتدریس و امتحانات شاگردان را به پایان می‌رساند و هم زمان با کوچ بهاره او به همراه خانواده به سردسیر طایفه خود درایل باشت بازمی‌گردد تا در سال تحصیلی بعد در گرمسیر دوباره کار خود را از سر گیرد، تعداد شاگردان شانزده نفر است که در کلاسهای اول تا چهارم به تحصیل اشتغال داشته و همگی در یک کلاس جمع می‌شوند و روزهای آفتابی در هوای - آزاد تشکیل کلاس درس می‌دهند و روزهای بارانی و سرد در زیر سفید چادر .

۴-۳-۵- وضعیت اقتصادی در مللیال

بعضی افراد و خانوارهای عضو آبادی الیاس دارای زمینهای دیم سردسیری و گرمسیری هستند اما معاش آنان عمدتاً " متکی به دامداری است . برخلاف گذشته که یک مال سنتی دارای فضای باز بنام قاش محصور شده در میان سیاه چادر ها بود و گله ها را شبانه در آنجا نگهداری و - شیر دوشی می‌کردند . اینک با فاصله گرفتن خانوارهای مال از یکدیگر حدود پنج قاش مجزا اما نزدیک بهم مشاهده می‌گردد . آقای الیاس رحیمی تعداد دام مال را حدود هزار و پانصد راس اظهار می‌نمود که حدود یک ششم آنها را (۲۵۰ راس) بز و بقیه شامل میش میگردید . بایستی توجه داشت که عشایر در ارائه آمار دام خود جانب احتیاط را نگاهداشته معمولاً " رقم اظهار شده آنان بسیار پائین تر از رقم واقعی است ، همینجا می‌توان با محاسبه تعداد بره و کهره ها (بزغاله ها) که اظهار نگردیده به رقم مطمئن ۳۰۰۰ راس تکیه کرد .

نیروی کاری که صرف نگهداری این گله‌ها می‌شود ، حدود ۴۰ نفر از هشت خانوار مال است که بانوعی تقسیم کار سنتی و همیاری زنان و مردان ، صرف نظر از اینکه هر راس دام متعلق به کیست به امور دام و دامداری خود سر و سامان می‌دهند . اما از شیروهره که محکم ترین شیوه همیاری سنتی در امر دامداری عشایر بوده ، در سالهای اخیر کمتر سراغ داریم و در این مال نیز این شیوه مورد استفاده نبود . عدم

استقبال از شیروهره پس از قرن ها رواج آن ، بیشتر به فاصله گرفتن سیاه چادیرها از یکدیگر و تقسیم اراضی مرتعی توسط ممیزی مراتع باز می گردد . علل دیگر را می بایستی در فرصتی دیگر مطالعه و بررسی نمود . بهر حال افزایش مالکیت خصوصی و شرایط جدیدی که اسکان عشایر را ایجاب نمود . و حذف قدرت سلسله مراتبی ایلی ، باعث سست شدن سنتهای همیاری گردیده است و می توان گفت که حتی توان اقتصادی جایگزین شیوه های ریش سفیدی شده است .

در عین حال ، افرادی که دارای دام کمتری (مثلاً ۳۰-۴۰ رأس) هستند ترجیح می دهند که اداره دام خود را به دیگری بسپارند و خود در زمینه های فرعی و دیگری ، در مال فعال باشند . بطوریکه می توان گفت تعدادی از دام های مال در مالکیت خصوصی افراد است و تعدادی نیز برای دیگران ، بهر علت نگهداری می شود . از سوی دیگر توزیع دام در مال ها نیکسان نیست . بطوریکه گفته شد ، هر چه تعداد دام خانوارها کمتر باشد به ناچار به سمت نگهداری دام دیگران کشیده می شوند .

مهمترین و معتبرترین راه تامین نیروی لازم جهت رفع نیازهای دامداری در کوچ درگروی همیاری تمامی اعضاء خانوار است . و با حفظ تعادلی میان زراعت دیمکاری و دامداری ، ایمن نیروی کار خانوارها بدرستی مورد استفاده قرار می گیرند . بطوریکه از نیروی کار مزدوری ، امروزه کمتر اثری در مال ها به چشم می خورد .

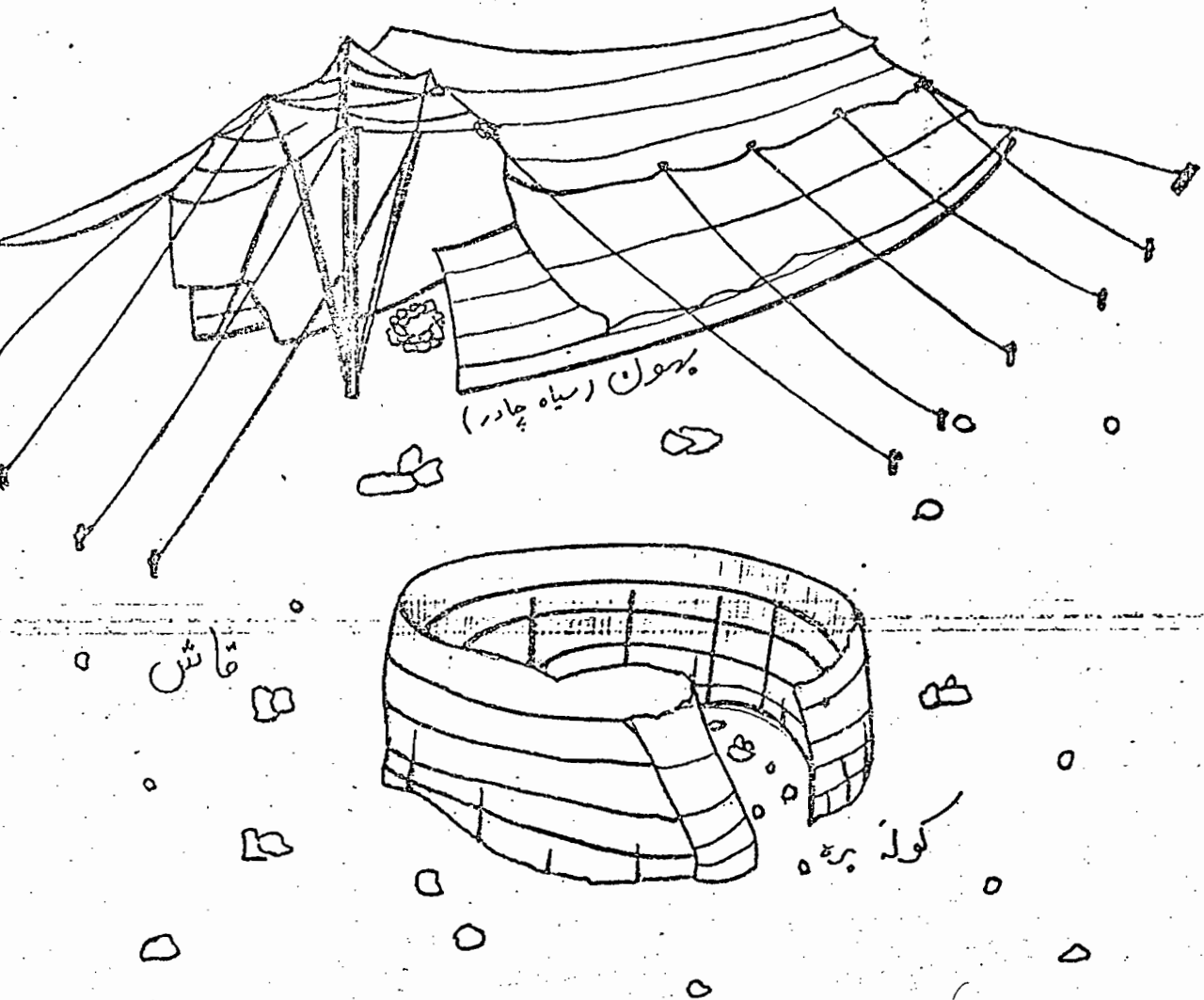
(جدول شماره ۱۲)
تعداد دام‌های شیرده و غیر شیرده
در بویبر احمد علیا

طایفه	گوسفند و بز و بزغاله	گاو و گوسفند گاو میش بچه گاو میش	شتر و بچه شتر	اسب و کره اسب - قاطر الاغ
کل کشور	۱۶,۹۶۱,۶۰۱	۱۹۲,۳۰۸	۲۹,۶۹۰	۲۷۲,۲۲۹
ایل بویبر احمد علیا - سردسیر	۲۰۴,۴۰۸	۳,۶۹۲	۱۴	۴,۹۱۵
طایفه قاعدگیوی دشت روم	۴۸,۶۳۵	۱,۳۰۸	۱۰	۱,۰۱۶
" آقای نرمابی	۴۶,۴۰۵	۲۱۴	—	۷۴۶
" جلیل حسنی	۱۵,۵۷۰	۳۵۲	۱	۵۷۹
" میدالی	۱۱,۸۲۰	۱۰۳	۲	۲۱۶
" حاجتی	۱۰,۷۲۹	۵۰	—	۳۴۷
" عمله	۹,۴۴۷	۱۳۱	—	۱۷۸
" تهران آقای بایکانی	۸,۵۲۰	۱۵۹	—	۳۹۱
" قاعدگیوی سپیدار	۶,۹۴۳	۳۷۱	۱	۲۶۴
" سادات شاه مختار	۶,۶۲۹	۲۷	—	۱۰۰
" محمد صادقی *	۵,۷۲۵	۶۸	—	۵
" سادات سید محمد	۵,۲۲۰	۱	—	۷۴
" اولاد نبی	۴,۹۶۱	۸	—	۱۲۱
" اولاد علی مومن	۳,۹۲۰	۳۶	—	۶۱
" سادات امیر	۳,۷۳۳	۴۲۹	—	۱۷۰
" سادات شاهزاده قاسم	۲,۱۸۰	۱۸	—	۲۷
" : امیری، حاتم، شاه حسن ، سادات مهربان - کاو لیخان عالی والی، سادات امامزاده علی	۳,۸۴۰	۹۱	—	۶۰

x الیاس رحیمی از طایفه محمد صادقی نگین تاجی *

کوله بره

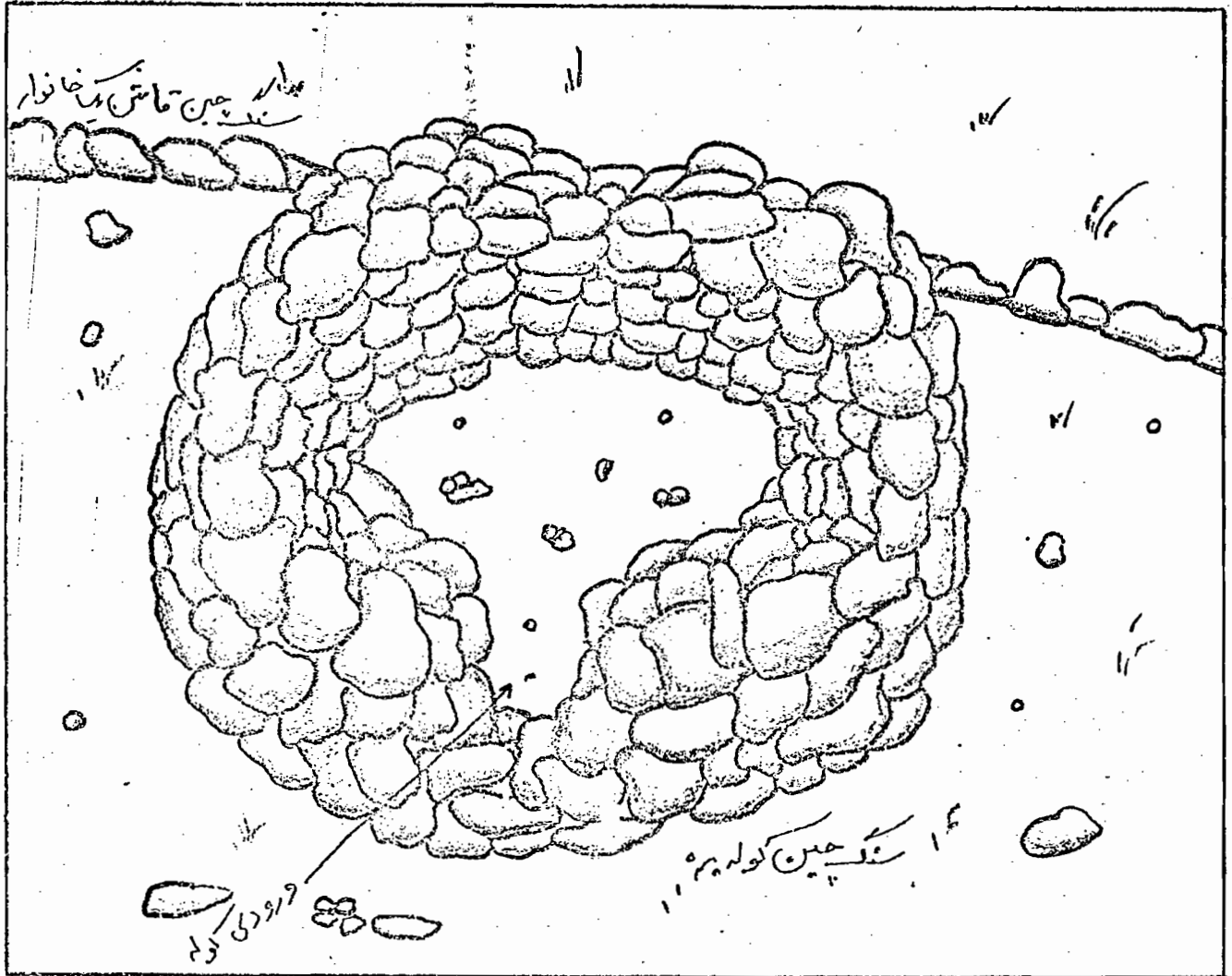
کوله بره (KULLA BARA) از چپخ (حصیر)، محل زمستانی عشایر بویراحمد علیا، اردیبهشت ۱۳۷۱ نزدیک شهرک باشت، بویراحمدها به دلایل بهداشتی و تقویت زمین اغلب از طریق کسود دادن مستقیم گله ها، محل سیاه چادرها و مالهای خود را به تناوب در طول مدت اقامت در گرمسیر یا سردسیر، تغییر می دهند و به همین دلیل مرزهای سنگ چین شده برای سیاه چادرها ندارند.



کوله بره، محل نگهداری بره ها و بزغالها و نوزاد را محصور می کنند و اصطلاحاً "کوله KULLA" محلی است که با لنت های سیاه چادر یا حصیر یا سنگ چین محصور شده باشد، در فصول بره زائی، کوله ها بیشتر در محل قاش ها و نزدیک هر سیاه چادر حضور دارند.

کوله بره

سنگ چین، کوله بره KULA BARA، محل نگهداری بره هادر سردسیر مال ملافرامرز محمودی بایادی، بختیاری، اردی بهشت ۱۳۷۱ کنار جاده "کوهرنگ بازفت" چهارمحال بختیاری ۱۰ اغلب بختیاریه‌ها دارای محل های ثابت و سنگ چین شده جهت سیاه چادرها و مالهای خود هستند.



عشایر بختیاری، چادر، قاش و کوله بره را با سنگ چین محصور می کنند، بنابراین در فضولی که خود حضور ندارند و در گرمسیر بسر می برند می توان محل ترك شده چادر و مال هرکسی را به راحتی یافته و فضای آنرا مجسم نمود کوله بره در مواقع یشم چینی گوسفندان نیز کاربرد داشته و محصور بودن آن هم از قرار گوسفند جلوگیری می کند و هم مانع از فشاریادها و برهم زدن موهای چیده شده است.

۴-۳-۵ مونوگرافی چادرهای مال

چادر یا بهون گرچه به نظر بسیار ساده و بی اهمیت جلوه می‌کنند ولی نزد عشایر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چادر برای عشایر نقش يك خانه را بازی می‌کند که خانواده عشایری را در خود جای می‌دهد و عشایر يك عمری را در زیر آن بسر می‌برند بنابراین چادر به عنوان يك وسیله زیست و يك صنعت دستی که خارج از تولید خانواده نیست قابل مطالعه است . در هر چادر چند مسئله نهفته است نخست اینکه چادر از چه قسمت هائی تشکیل شده است دودیکر اینکه چادر چقدر قابل انطباق با کوچ است سه دیگر اینکه نحوه زندگی در زیر آن چگونه است چهارم اینکه عشایر یا خانواده عشایری چه برخوردی با آن دارند و از آن چگونه استفاده می‌کنند .

چادرها غیر از چهار مسئله ذکر شده با لادرا ارتباط بانحوه خویشاوندی در کنار هم استقرار می‌یابند و از آنجا که عوامل غیر خویشاوندی در مال وجود دارد خانوارهای خویشاوند بهم نزدیک تر چادر می‌زنند و گپ مال یا بزرگ مال با خویشاوندان خود هسته مرکزی مال را تشکیل می‌دهند . در واقع در فضای مال غلبه با خانوارهای خویشاوند است و عوامل غیر خویشاوند تا حد ممکن دورتر، چادر خود را برپا می‌کنند .

هر مال در رابطه با شرایط جغرافیائی و دام چادرها را برپا می‌کنند در واقع شرایط جغرافیائی را در نحوه استقرار چادرها در نظر می‌گیرند تا بتوانند در رابطه با آن در امنیت محیط، چادر بزنند و دام را محافظت کنند . علاوه بر آن راه از عواملی است که عشایر بشدت به آن وابسته‌اند بنابراین مال‌ها علاوه بر اینکه سعی دارند که از عوامل جغرافیائی برای امنیت مال استفاده کنند خود را تا حد ممکن به منابع آب و جاده نزدیک می‌کنند چادرها گاه در دشت و یا تکیه به عوامل طبیعی مانند تپه، و درخت و گاه در دامنه کوه و در کف دره ها برپا می‌شوند و هرچه گرما بیشتر فشار آورد به کف دره بیشتر نزدیک می‌شوند ولی در عین حال ارتباط خود را نسبت به راه و جاده حفظ می‌کنند و در استقرار چادرها حتمنا "

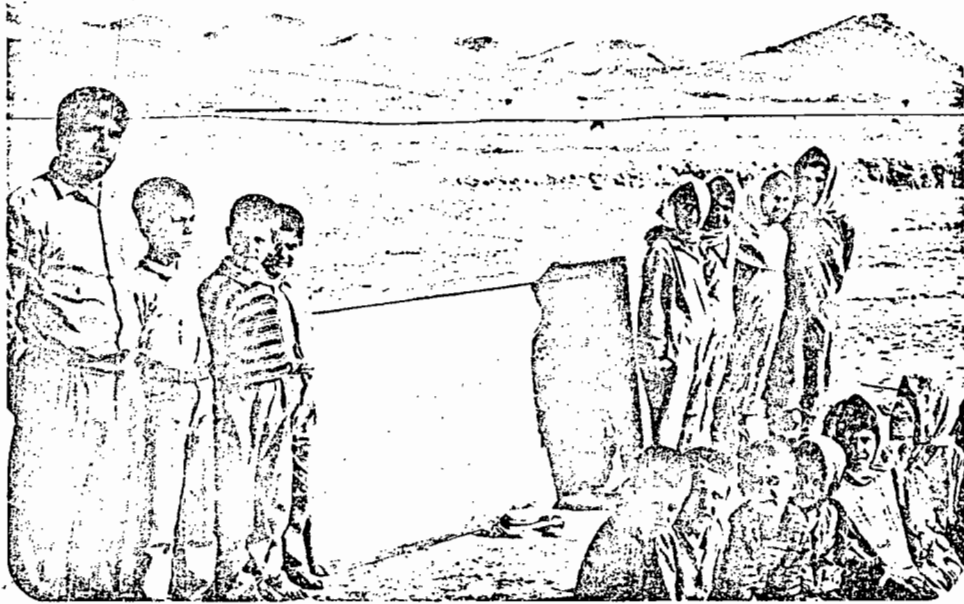
يك عامل طبيعى مانند درخت و بوته و يادامنه شيب داردخالت دارد. درواقع موقعيت همه چادرها
 حكايت از نوعى حفاظت چادرها در پناه عوامل طبيعى دارد كه اصل مهمى در زندگى چادر نشيني است ،
 فى المثل درخت پناهگاه خوبى براى استفاده از سايه آن براى خنك نگاهداشتن داخل چادر و نيز برپا
 كردن آشپزخانه (تلاز) در زير آن است . هر چادرى كه زير ، درختى برپا مى شود از شاخه هاى آن و بوته
 بوته هاى اطرافش در بستن طناب هاى چادر استفاده بهينه مى شود .

آشپزخانه

آشپزخانه هم سطح چادر و با فاصله نزيك به آن قرار دارد . آشپزخانه هميشه با نام "تلاز"
 مشخص مى شود . و در فضاى باز در كنار چادر از پايه هاىى چوبى كه در زمين فرو شده و چوبهاى افقى كه
 بآن كلاف شده تشكيل شده است اين مجموعه حدود ۱/۲۰ متر از زمين فاصله دارد .
 در بيشتر مواقع يك طرف تلاز به درخت تكيه دارد و از تنه درخت به عنوان پايه آن استفاده
 مى شود . روى آن را حصارى از نى مى اندازند و سپس ظروف شسته را روى آن مى گذارند كه خشك شوند .
 زير آن را سنگ چين مى كنند و چليك هاى آب را روى سنگها قرار مى دهند و سايه اى قسمت بالاى تلاز
 روى قسمت زيرين مى اندازد آب جليك ها خنك مى ماند . از آنجا كه آشپزخانه (تلاز) نيز مانند چادر
 در سايه درخت قرار دارد زنان براحتى مى توانند در آن به پخت و پز مشغول شوند گاه فاصله بين آشپزخانه
 (تلاز) و چادر را فرش مى كنند و در آن بيهكپ زدن و خياطى و كاردستى مى پردازند . كودكان خردسال
 در مواقعى كه مادرانشان به پخت و پز مشغولند در اين محل نگهدارى مى شوند و به بازى مى پردازند .
 در آبادى الياس بطوريكه در تموير صفحه بعد مى بينيم ، فواصل چادرها و سايه چادرها بسيار زيادتر
 از حد معمول سنتى است و داراى هيچگونه تركيب كارآبى قبلى و سنتى مال ها نيست . فاصله ها
 چنانكه پيشتر گفتيم بين پنجاه تا يكصد و پنجاه متر است كه در شكل سنتى اين فاصله ها بين سه تا
 هشت متر مى بود . در اينجا هفت سايه چادر ، هشت خانوار را در خود جاى داد ، يك سفيد چادر ، محل

معلم عشایری، آبادی الیاس، به همراه فرزندان فرزندان عشایر

ف ۶، ش ۱۲، ۷۱/۲/۱۴



آقای علی شیخی معلم عشایری به همراه فرزندان عشایر عضو آبادی الیاس •

در صورت مناسب بودن اوضاع جوی کلاس درس را در فضای باز تشکیل می دهند •

بچه ها در کلاس های مختلف اول تا چهارم مشغول سوادآموزی هستند •

روی تابلو به زبان محلی نوشته اند: شکار جالبی در میان درختان است کجاست

سوار تیرانداز قبايلي که بزند و خونس را بریزد • ۷۱/۲/۱۴ دشت گز - گرمسیر

بویراحمد علیا، آبادی الیاس •

زندگی خانواده معلم عشایری است و يك سیاه چادر كوچك تر نیز بعنوان انبار و آغل منسندال (بزغال‌های نوزاد) در کنار چادر موندنی التیام نيك، قرارداد دارد. يك چاده خاکی روستائی- نفتی نیز از میان - مال میگذرد. ضمناً " حمام نیمه سازوبی وسائل كه قبلاً" توسط سازمان امور عشایری ساخته شده، در کنار مال به چشم می‌خورد و بجای يك قاش مشترك و عمومی، پنج قاش خصوصی در اطراف چادرها ایجاد شده است. وجود این قاشها بزرگترین نشانه حذف شیروهره و بعضی همیاریهای دیگر سنتی در مال‌هاست. با توجه به آماده شدن آبادی الیاس برای کوچ بهاره و به تعویق افتادن - آن، شكل و فضای ظاهری مال، كمی متفاوت از روزهای باثبات زمستانی بوده است.

۴-۳-۴-۶- وضع چادرها در مال

- چادرها در حالیکه نسبت به هم و نسبت به موانع طبیعی كه در پناه آن قرار می‌گیرند دارای فاصله معینی هستند و هر يك از چادرها ممكن است در سمت خاصی برپا شوند ولی در صورت جهت آنها طوریست كه قاش و یا محل دیگری كه گوسفندان را در آن جمع می‌كنند كه معمولاً " بین چادر و موانع طبیعی مانند كوه و تپه است را در نظر می‌گیرند در واقع وضع استقرار چادرها در مال رابطه مستقیم دارد با بهترین شرایط محافظت از دام در شب در حالیکه سگ نیز بعنوان عامل تكمیل كننده محافظت در اطراف گله قرار دارند.

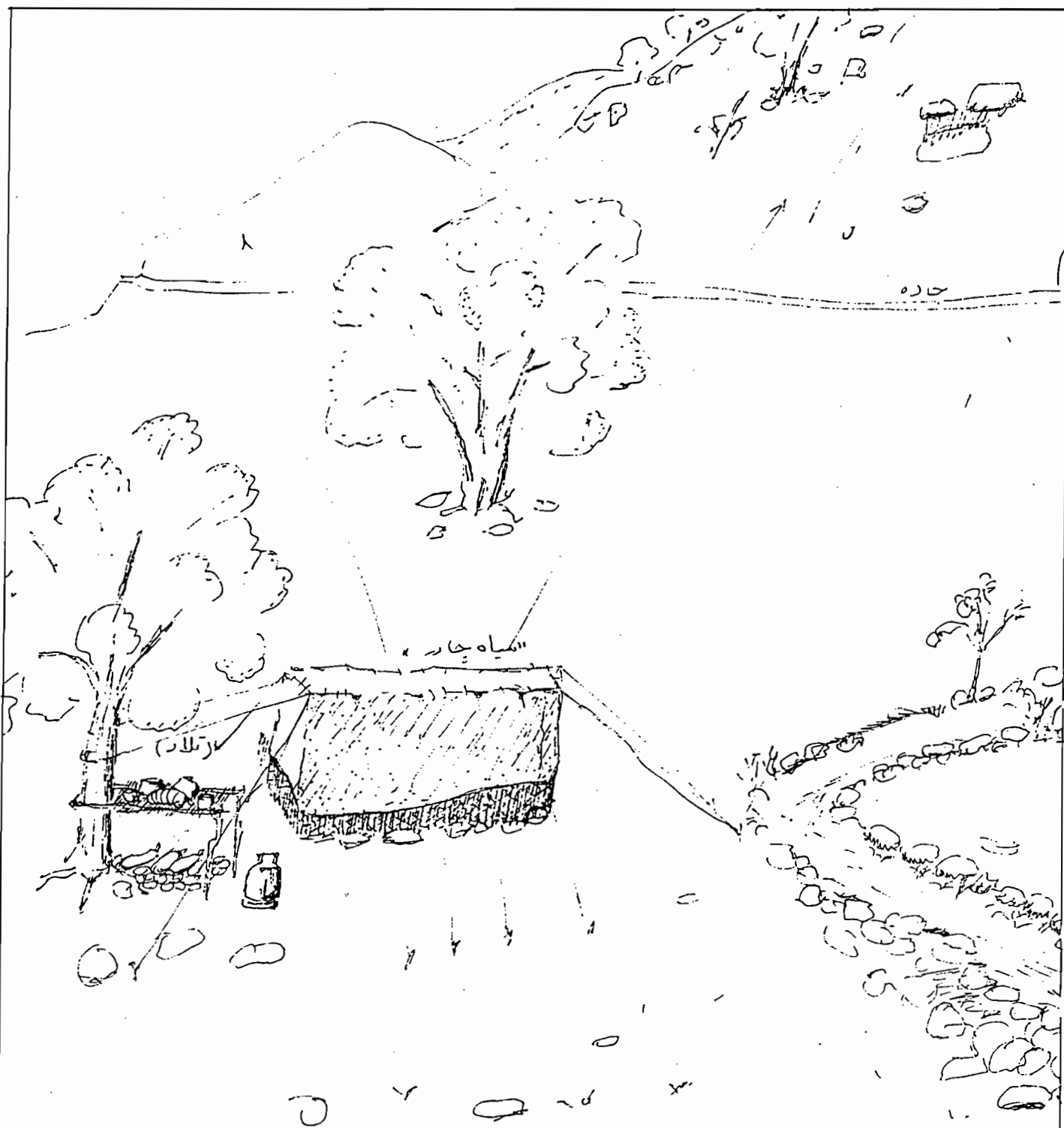
فاصله چادرها از هم علاوه بر اینکه با خویشاوندی در ارتباط است بانگهداری گله بصورت فردی و یا مشترك نیز در رابطه است در نتیجه کسانیكه گله‌هایشان درهم ادغام است چادرهایشان بهم نزدیكتر است تا در صورت عدم امنیت و یا خطر قرار گرفتن گله زودتر بتوانند به كمك هم بیایند ولی غالباً " چادر گپ مال و یا رئیس مال فاصله بیشتری از سایر چادرها دارد ولی در عین حال مسلط بر آنها به طور یگه ریاست اجتماعی صاحب چادر را از روی مكان چادر و در رابطه با چادرهای دیگر می‌توان تشخیص داد. اگر هیچ يك از این شاخص در كار نباشد چادرها دوه دو در کنار هم استقرار

می یابند و هیچ چادری بصورت منفرد و منزوی قرار نمی گیرد.

وسعت چادرها هرچقدر باشد در هر صورت قسمتی از آن بخصوص در مواقع سرمایهدام تعلق می گیرد در چادرها به غیر از قسمت مندا که يك سوم وسعت چادر را به خود اختصاص می دهد قسمت جلوی آن که روبه قاش (محل نگهداری گوسفندان) است جای نشیمن اهالی چادر قرار داده اند این قسمت برای يك چادر معمولی ظرفیت ۱۲ نفر را دارد.

فضای زیر چادرها در پارهای از مال در رابطه بادام تغییر می کند و قسمتی از آن به مندا اختصاص داده می شود. چادر نشینان توزادان دام را در جوار خود نگهداری می کنند و برای این کار يك سوم چادر را بانی محصور می کنند و بره ها را در آن جای می دهند. در پارهای از چادرها برای استقرار رختخواب از سنگ یابه عبارت بهتر از چل استفاده نمی کنند بلکه یاتیرکهای به ارتفاع ۱ متر که ۲۰ سانتیمتر آن در زمین فرو شده تخت ثابتی به وجود می آورند و رختخواب ها را بر روی آن می گذار می گذارند به طوریکه مندا در پشت این مجموعه رختخواب ها قرار می گیرد. بدین ترتیب فضای نشیمن و فضای دام از هم جدا می شود بدور از رختخواب ها و در دهانه اجاق قرار دارد و وسایل پخت و پز و چای در صورتیکه هوامناسب باشد افراد از زیر چادر خارج می شوند و در فضای باز کنار چادر به فراغت مشغول می شوند.

وضع قاش : قاش در ارتباط با چادر یا چادرها وضع مناسبی دارد بطوریکه دام در جوار چادرها کاملاً در امنیت قرار دارد قاش در هر صورت به ترتیبی در محاصره چادرها و یاتکیه به موانع طبیعی برای محصور شدن دارد معمولاً " چادری که بیش از حد به قاش نزدیک است قاش به آن چادر تعلق دارد. هر چادری که قاش داشته باشد درش حتماً " به طرف قاش باز می شود تا دیدکلی بر روی قاش یا سهولت انجام گیرد.



بلندترین قسمت کوه نسبت به چادر در حالیکه چادر در محاط
کوه حائز قرار دارد. سمت چادر به طرف کوه است و در آنجا
به سمت بالا امعان پذیر است. (زمان) از نیمه رخ

زنان در اجتماع عشایری فعالیت های گوناگون دارند بطوری که هرچادر (هونه) بدون زن وضع نابسامانی پیدا می کند و گاه از هم پاشیده می شود. در زندگی عشایری ابتکار زندگی چادر - نشینی با زن است بنابراین زن دارای اهمیت ویژه ای است و از جنبه های مختلف قابل مطالعه می باشد. يك زن عشایری از ابتدای کودکی با وضع و کار و موقعیت خود در عشایر آشنا می شود این توجیه بودن باز زندگی چادر نشینی و خود را در برابر مشکلات و ناملایمات حفظ کردن کاریک عمر است و زن این نحوه زندگی را از نسل ماقبل خود می آموزد و دوش به دوش مردان عشایری به زندگی ادامه می دهد. يك زن عشایری در حالیکه همسر يك مرد عشایری می شود مسئولیت مضاعف پیدا می کند. دريك چادر مربوط به يك " مال " زن کارهای زیر را انجام می دهد. مراقبت از چادر، نظم و ترتیب آشپزخانه، شیردوشی، مراقبت از دام، مراقبت از فرزندان، غذاپختن، میهمان داری نخ ریزی، صنایع دستی، جمر کردن چوب، آوردن آب، نان پختن، کمک به همسایه و پرداختن به امور خانه، ترمیم لباس های پاره و گاه خیاطی... در واقع همه کارها با اوست علاوه بر آن در - اقتصاد خانواده نقش دارد این وضع در اوایل ازدواج که فرزندی در کار نیست و یا اگر هست كوچك است بسیار سنگین است ولی کم کم در طول سال بر اثر تجربه و یا بزرگ شدن فرزندان سبك می شود. علاوه بر آن در غیبت مرد خانواده کارهای او را هم به عهده می گیرد. دريك توقف سه ساعته دريكی از چادرهای بویرا احمد و نظاره بر کار زن، مشاهده شده است که زن دريك خانه در تمام مدت بدون وقفه در حال کار کردن است در واقع زن عشایری هیچ آرامشی رانمی شناسد و اگر کمی در انجام کارها سستی کند امور چادر متوقف می شود و یا اینکه حجم کار به چندین برابر می رسد چون در پی کار فعلی کار بعدی در پیش است. زن عشایری با اینکه با ساعت آشنائی ندارد ولی زمان را می فهمد کارهای خانه را با نظم سنتی و یا نظمی که خودتنها آنرا ابداع کرده است انجام می دهد و در تمام

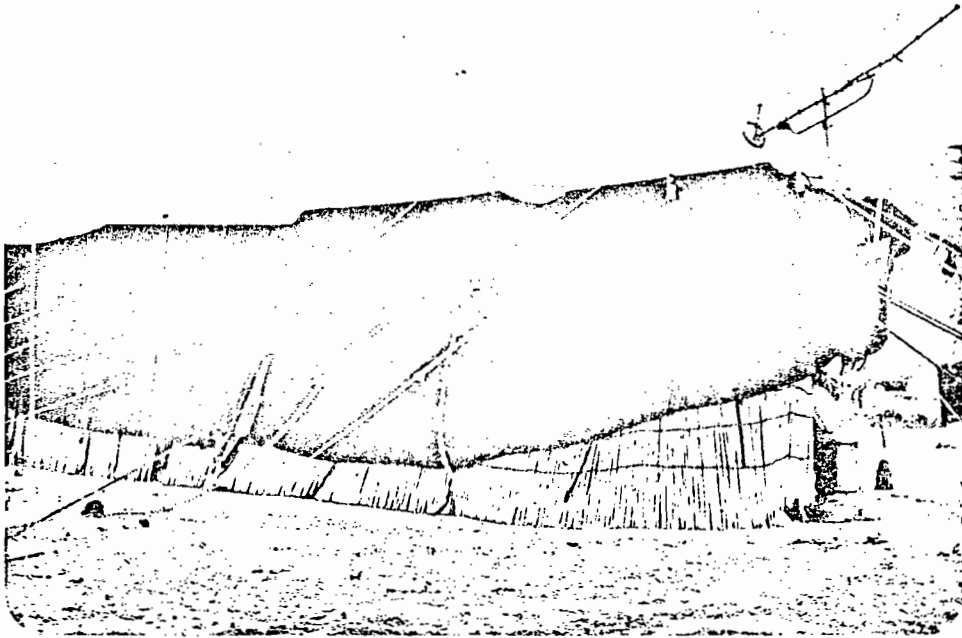
مذت زیر دست شوهرش نیز کار انجام می‌دهد و فرمانبرداری می‌کند. این فعالیت شدید را کسی
باو دیکته نمی‌کند بلکه زندگی چادر نشینی چنین فعالیت شدیدی را ایجاب می‌کنند علاوه بر آن
اوبه غریزه این کارها را جزو وظایف قانونی و همیشگی خود می‌داند.

۴-آبادی (مال) زمانی

درگرمسیر

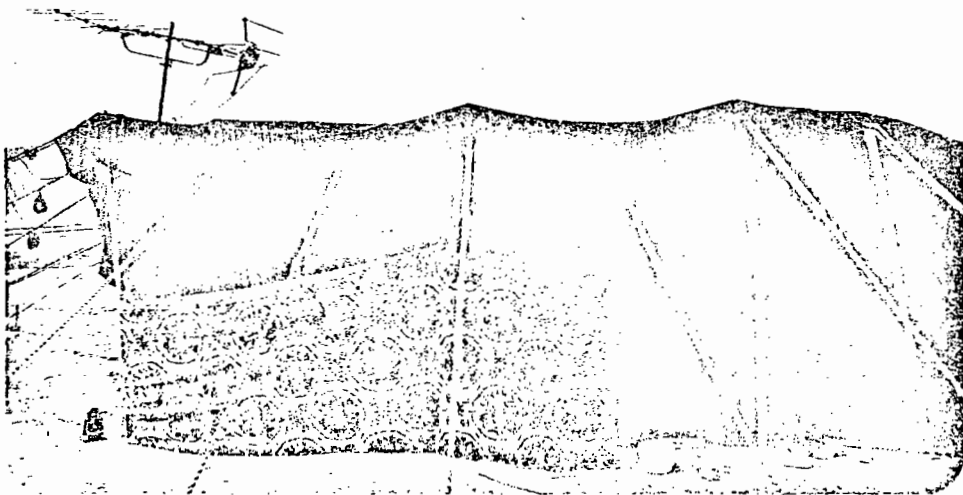
۱۳۷۱

اردیبهشت



وجود آنتن تلویزیون بر فراز بهون بویراحمدی ، تنها یک فانتزی و استثنا ، نیست ، بلکه گویای نیاز شدید جامعه عشایری به توسعه فرهنگی و برخورداری از همه خدمات توسعه ای می باشد .
گچساران ، دره لا ، تنگ پازنان ، گرمسیر بویراحمده علیا ، چادر آقای خداخواست زمانی ،
اردیبهشت ۱۳۷۱ . عکس از شاهرخ ترغیبی

ف ۷ - ش ۹



تلویزیون موجود در چادر آقای زمانی ، نیروی الکتریک خود را از یک ژنراتور بنزینی کسب می کند
که ضمناً " چندین لامپ روشنائی را نیز تغذیه می نماید " ش . م . ت .

۴-۵-۱ آبادی زمانی (آقائی)

گرمسیر (چهاردهم اردیبهشت ۷۱)

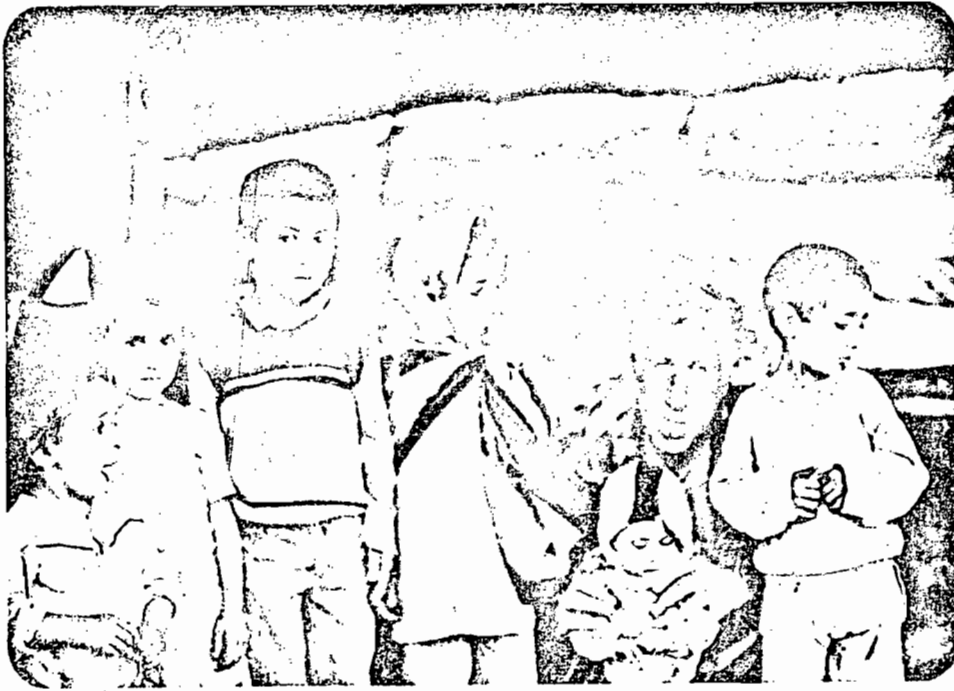
آقای زمانی سر مال آبادی از بویر احمد علیا هستند

بویر احمد علیا — آقائی ^{نر بابی} — اولاد ابول — خانه آقابلی — زمانی
تعداد خانوارهای مال زمانی در گرمسیر و سردسیر کاملاً متفاوت است بطوریکه در پایان اقامت
گرمسیری که آماده کوچ به سردسیر میشدند ۱۴ خانوار با ۱۱۶ نفر بودند حال آنکه در سردسیر در سه
منطقه پراکنده می شوند فقط ۴ خانوار از مال در کنار هم حضور داشتند، آقای زمانی خود در ده پنهان^{هی}
نزدیک به گردنه ماه پرویز به امور زراعتی خود مشغول می شوند.

خانوارهای مال زمانی در گرمسیر در " دره لا " همراهی پازنان نزدیک به دژ سلیمان در
محوطه وسیعی پراکنده اند اندازه فرضی مال چیزی حدود ۲۶۲ کیلومتر است فاصله هر یک از اینها دو
خانوار هم جوار با خانوار دیگر حدود پانصد متر و دژ سلیمان در منطقه نفتی گچساران مابین
باشت - دوگنبدان واقع است.

خانوار های مال

- | | |
|------------------------------------|-------|
| ۱- خانه آقای زمانی (دوزنی می باشد) | ۴ نفر |
| ۲- " " " شیروان مهدوی | ۱۱ " |
| ۳- " " " یداله حمدی | ۸ " |
| ۴- " " " شهباز مکرم | ۱۲ " |
| ۵- " " " رهام مکرم | ۷ " |
| ۶- " " " زمان فرزاد میان زاده | ۳ " |



خداخواست زمانی (گپ مال) که سرپرستی يك آبادی چهارده خانواری رابعهده دارد، شخصی مهربان، با سیاست و فعال در امور زراعت و دامداری است، دارای دو همسر می باشد که در زمان مطالعه یکی از همسران ایشان در منطقه سردسیری در روستای تنگ سرخ نزدیک یاسوج اقامت داشتند. ش. م.



عقاید و سنت های فرهنگی و قومی هنوز در میان عشایر کوچ رو پابرجاست بنابه درخواست خود آقای زمانی و تاکید او عکسی از پسر هشت ساله ایشان در حالیکه قطار فشنگ بسته و تفنگی در دست دارد ، تهیه شد. ش. م.

۴ نفر	۷- خونه آقای کهیار صفائی
" ۶	۸- " " قهرمان صفائی
" ۱۲	۹- " " موسی زمانی
" ۵	۱۰- " " خداداد زمانی
" ۸	۱۱- " " عبدالعلی فروزانی
" ۱۲	۱۲- " " سلیمان اخلاق خوب
" ۷	۱۳- " " عبدالرحیم اخلاق خوب
این خانوارها از خونه آقابلی نیستند.	۱۴- خونه سرخاب زارع + چادر مدرسه عشایری
از طایفه جاوید ممسنی	۷

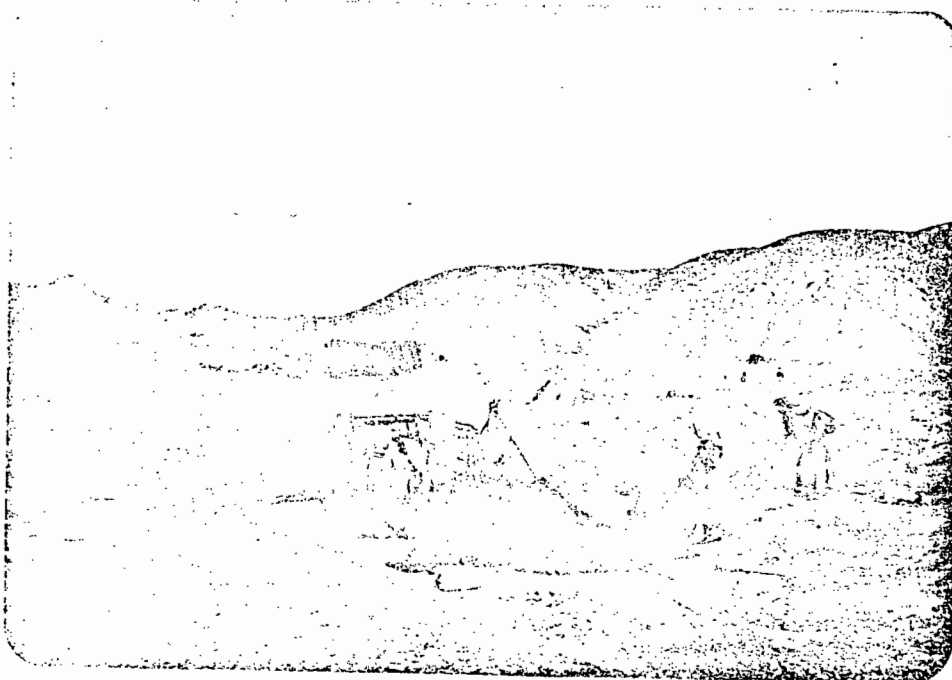
۱۴ خانوار - ۲۵ چادر - جمع ۱۱۶ نفر

پراکندگی خانوارهای مال به شکلی است که نمی توان در یک پلان ترکیب آنها را طراحی نمود، محل استقرار گرمسیری آنان در دره لا دارای چند تپه کوتاه است که یک جاده نفتی از میان آنان می گذرد در انتهای شمالی محل استقرار سیاه چادر آقای زمانی قرار گرفته که چادر برزنتی بعنوان انبار در نزدیکی آن وقاش در جلوی چادر است در محلی محصور با حصار (چیخ) بنفاصله بیست متری چادر اصلی محل آشپزخانه و در فاصله مشابهی منابع آلومینیومی آب قرار دارد. آقلای زمانی که در سردسیر و گرمسیر دارای زراعت نیمه مکانیزه می باشد، ضمناً دارای تراکتور نیز هستند، یکی از همسران ایشان در تنگ سرخ، در روستا ساکن و همسر دیگر، به همراه ایشان کوچ می کند. خونه آقابلی، آخرین رده ماقبل خانوار است که اغلب اعضاء این آبادی وابسته به آن هستند، "آقا" پیشوند نام اعضاء طایفه آقائی است که دوشاخه اصلی این طایفه آقائی ها بآبکانی و آقائی های زمانی

هستند



رها کردن سنت ها ، ابزارهای سنتی کوچ ، و بهره برداری از وسائل مدرن به مرور صورت می گیرد ، بنا
آنکه تانکر آب آشامیدنی در کنار سیاه چادر آقای زمانی تعبیه شده ، با اینحال حمل آب از
تانکر تا آشپزخانه توسط مشگد و بر پشت زنان انجام می شود . ش . ت .



از قطعات پارچه ای و نی بافت حصیری بهون ، در نیازهای دیگر مانند محصور نمودن کبوله بره ها
و محل آشپزی زنان نیز استفاده می گردد . ش . ت .

هستند.

خونه آقابلی از اولادهای آقائی های زمانی است که آخرین آمار سرشماری (۲۰۱۱) ارقام زیر را در باره آنان ارائه می کند:

ایل بویراحمد علیا (سردسیر)	۲۲ طایفه	۴۴۶ اولاد آ (آخرین رده کوچنده)	
۲۹۷۰ خانوار	۲۰۳۹۶ نفر	۱۰۵۷۵ نفر مرد	۹۸۲۱ نفر زن
طایفه آقائی زمانی	۴۵ اولاد		
۲۷۷ خانوار	۲۰۸۰ نفر	۱۰۴۶ نفر مرد	۱۰۱۶ نفر زن
آمار دام :	۲۶۴۹۸ راس گوسفند وبره	۱۹۹۰۷ راس بز و بزغاله	۳۱۳ راس گاو و گوساله

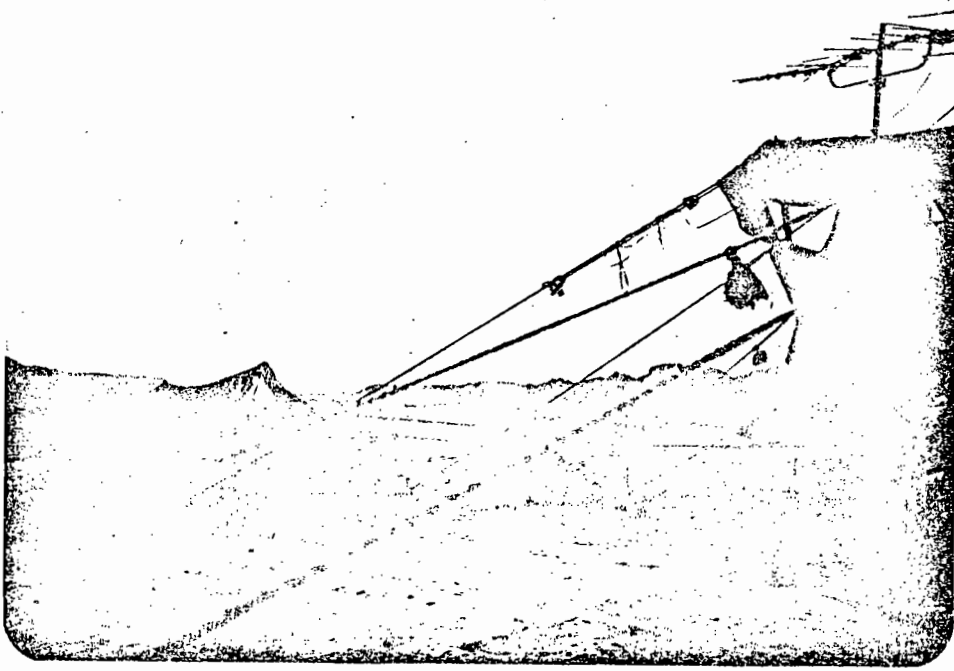
از تعداد مال ها و تجمع های عشایری آقائی های زمانی آماری در دست نیست اما ظاهرا "از اولاد - آقابلی ، خانوارهای کوچنده به همراه چند خانوار دیگر در مال زمانی مجتمع هستند . پراکنده و دور از هم بودن چادرها (خانوارها) از یکدیگر در منطقه گرمسیری ترکیبی جدید از فضای مال را نمایان می دهد ، مهمترین عامل این تفرقه وجود امنیت نسبی خانوار و گله هادر سالهای اخیر می باشد که بلافاصله می بایستی عامل تثبیت مالکیت و تلاش برای این تثبیت را بر اراضی و مراتع سنتی قلمرو

۱- مرکز آمار ایران سرشماری عشایر کوچنده کل کشور ، نتایج تفصیلی ایل بویراحمد علیا ، شماره ۰۰ ص ۱۳۶۶ ، ۰۰۰۰ شمسی .

۲- مرکز آمار ایران سرشماری عشایر کوچنده کل کشور ، فرهنگ عشایری ، شماره ۲-۶ ص ۲ ، ۱۳۶۶ شمسی

فواصل چادرها در آبادی زمانی

ف ۷ ش ۱۲



فاصله چادر آقای زمانی با چادری که بعنوان انبار ویانگهداری بره های نوزاد استفاده میگردد، در عکس مشخص گردیده است . ش ۰ ت ۰

۱۳۷۱/۲/۱۴

ف ۷ ش ۲۳



برخلاف گذشته ای نه چندان دور، چادر هر خانوار بیش از یک کیلومتر از سیاه چادر دیگران فاصله گرفته است . اما بهر حال این عکس که از کنار چادر آقای زمانی برداشته شده نشان دهنده، اشراف گپ مال به دیگر سیاه چادرهاست .

طایفه افزود. در شرایطی که ممیزی مراتع، سهمیه هر خانوار را بصورت فردی تعیین می نماید و عشایر ترجیح می دهند که از اراضی وسیع تری برخوردار شوند این تفرقه الزامی است. در اثر وجود فواصل میان چادرهاست که اداره گله ها بیشتر جنبه خانوادگی یافته و در نتیجه همیاریهای سنتی در زمینه اداره دام، شیر دوشی و شیر و هره به مقدار زیادی کاهش یافته است. در آبادی زمانی چند سالی است که شیر و هره میان هیچکدام از خانوارها صورت نمی گیرد، گله به گله بسیار کم است، بخاطر تجمع دام در خانوار و کمبود نیروی انسانی شیر دوشی روزانه بسیار محدود است در نتیجه بره ها و بزغالها از شیر کافی و به مدت طولانی برخوردارند، در ترکیب گله ها تعداد گوسفند نسبت به بز افزایش داشته و بالاخره زراعت گرمسیری و سردسیری توسط نیروی انسانی آزاد شده از دامداری سنتی، مورد توجه بیشتری واقع میگردد.

روزی که وارد آبادی زمانی شدیم می خواستیم به چادریکی از بزرگان آبادی برویم که آقای زمانی پیغام دادند به چادر خودشان وارد شویم، به محل چادر ایشان رفتیم، پس از ورود ما آقای زمانی با تراکتور از کار زراعت برگشتند، بزای اولین بار در طول تحقیقات میدانی خود در میان عشایر ایران، آنتن تلویزیون را برفراز چادر ایشان دیدیم، سپس دستگاه گیرنده و به تبع آن ژنراتور برق را شبانه بادی لامپ فضای داخل چادر را روشن کردند و سریال تلویزیون را تماشا کردیم، دو منبع آلومینیومی مخصوص آب و سوخت تراکتور و ژنراتور نزدیک به چادر اصلی قرار داشت اما زنان خانه برای آشپزی مشک های آب را از منبع آلومینیومی پرمی کردند و به شکل سنتی تا محل آشپزخانه بر پشت حمل می نمودند.

کوچکترین پسر آقای زمانی

ف ۷ - ش ۲



۷۱/۲/۱۵

آبادی زمانی - طایفه آقائی - گرمسیر - دره لا - سه راهی پازنان

آقای خدا خواست زمانی با کوچکترین پسر خود از همسر دوم

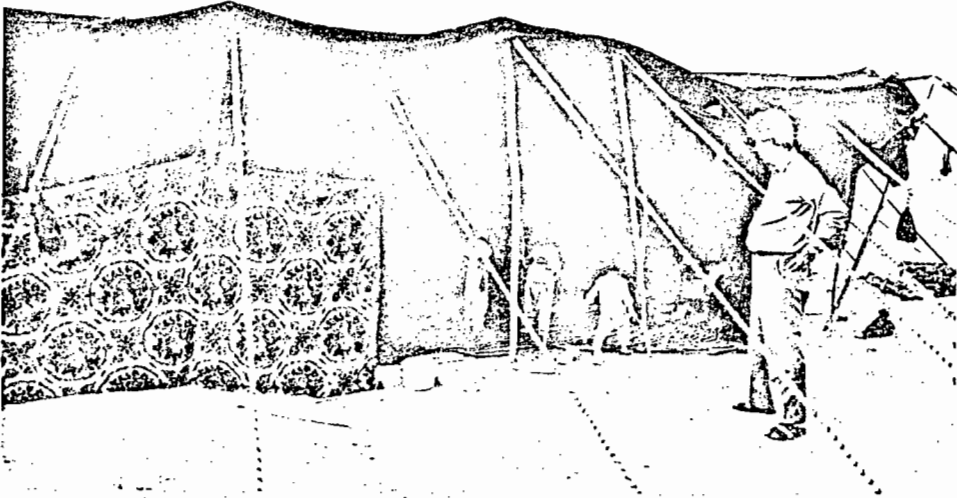
ف ۷ - ش ۴



۷۱/۲/۱۵

آبادی زمانی - طایفه آقائی - گرمسیر - دره لا - سه راهی پازنان

اهمیت این فرزند (آخرین بچه زمانی) خویشاوندی پدر تبار طایفه ای بعلت پسر بودن است .



۷۱/۲/۱۵

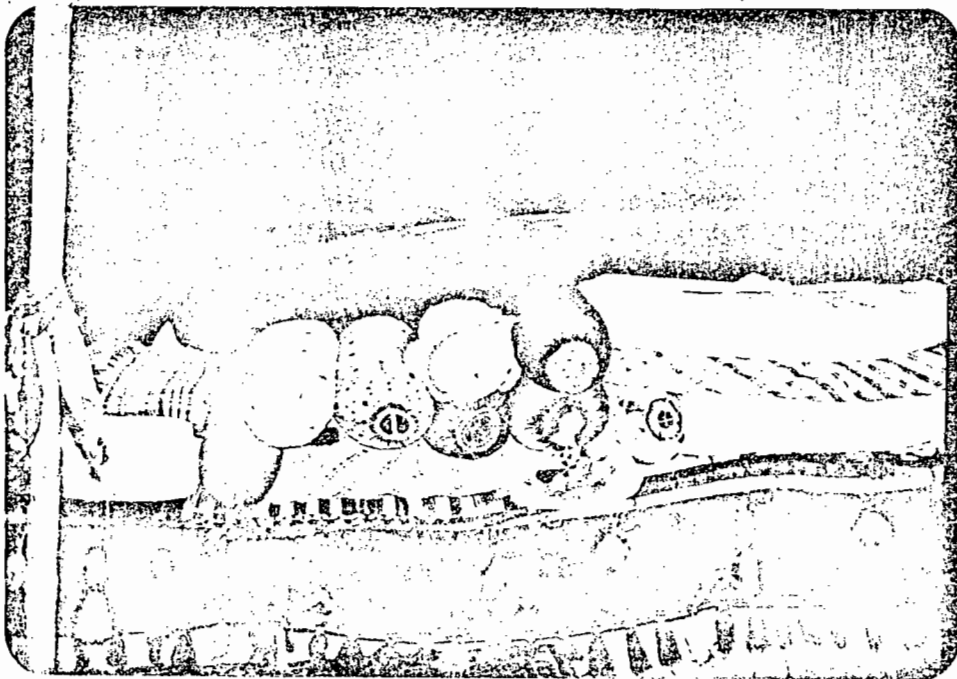
دره لا - سه راهی پازنان

آبادی زمانی - طایفه آقائی - گرمسیر

با اینکه این چادر مربوط به آقائیهای بویراحمد علیاست بدلیل ثروت خانوار بنظر می‌رسد که از چادر

کدخدایان قشقائی الگوبرداری شده است .

عکس شماره ۱۵ وسائل داخل چادر



ف ۷ ش ۱۴

۷۱/۲/۱۵

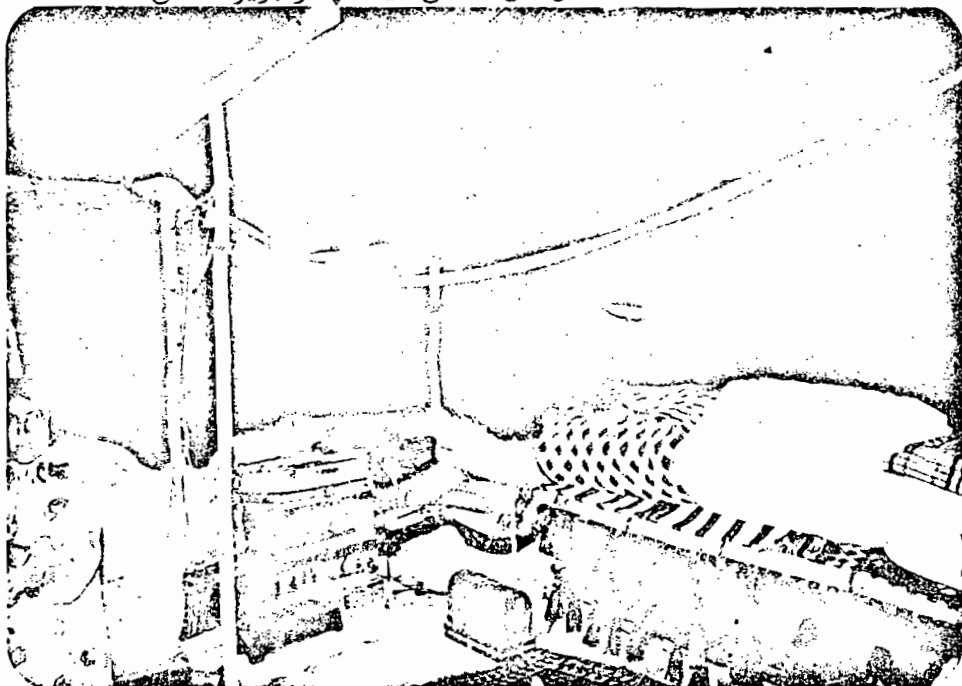
دره لا - سه راهی پازنان

آبادی زمانی - طایفه آقائی - گرمسیر

بالشها معمولاً "درجه‌بیزیه دختران عشایری است" گپه‌ها دست باف زنان خانواده است .

آرایش داخلی سیاه چادر بویراحمدی

ف-۷ ش ۱۴



۷۱/۲/۱۵

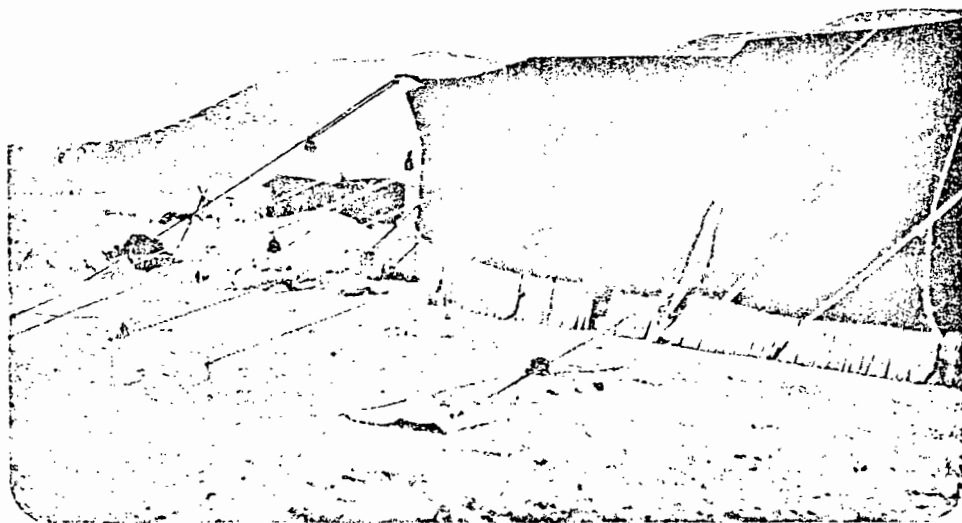
دره لا - سمرای پازنان

آبادی زمانی - طایفه آقائی - گرمسیر

رختخواب پیچها و وسایل زندگی کوچ

ف-۷ ش ۱۹ عکس شماره ۱۷

قسمت پشتی سیاه چادر زمانی در آخرین روزهای اقامت در گرمسیر



فاصله چادر زمانی تا محل آشپزی و چادر همسایه

ف ۷- ش ۲۰



آبادی زمانی - طایفه آقائی - گرمسیر دره لا - سهراهی پازنان - ۷۱/۲/۱۵

محل آشپزی زنان

عکس شماره ۱۹

بازدید و اندازه گیری سیاه چادر توسط همکارم آقای افسر کشمیری

ف ۷- ش ۲۱



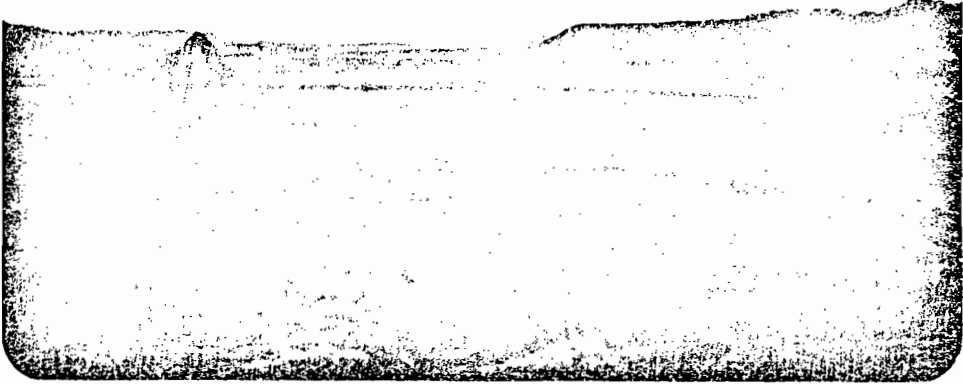
آبادی زمانی - طایفه آقائی - گرمسیر

۷۱/۲/۱۵

دره لا - سهراهی پازنان

محل گرمسیری آبادی زمانی و اراضی وسیعی که می‌توانند با برنامه ریزی صحیح محل اسکان

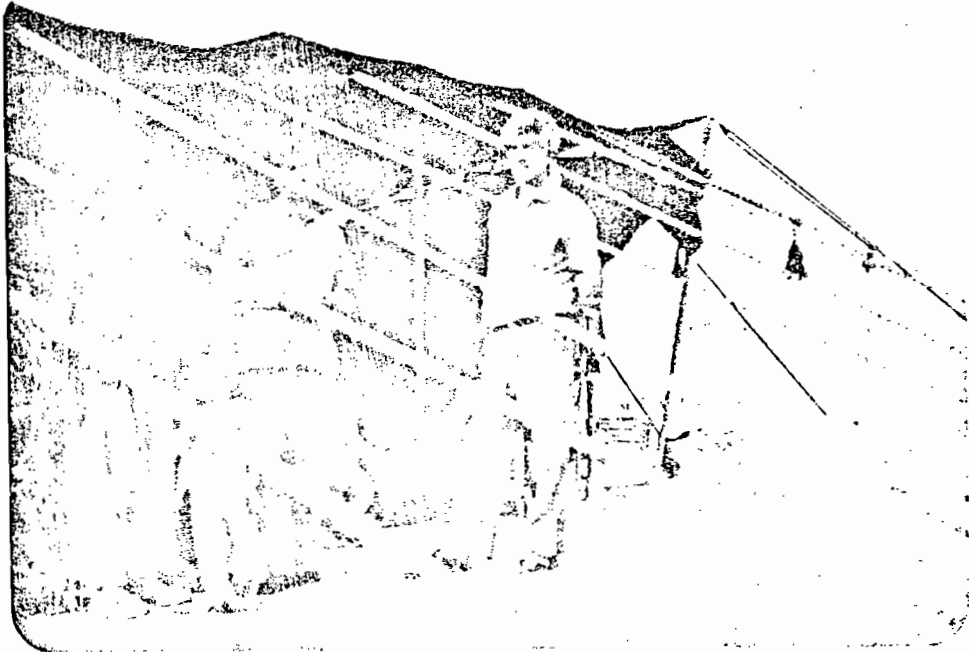
ف. ۲۴ - ش ۲۴ دو جا مکانی باشند.



آبادی زمانی - طایفه آقائی - گرمسیر دوگنبدان

۷۱/۲/۱۵

دره لا - همراهی پازنان



۵۔ نتیجہ گیری

۵- نتیجه گیری

بررسی و مطالعه مال‌های موردنظر و عمدتاً " مال و آبادی های منطقه استان کهگیلویه و بویراحمد ، چندنتیجه گیری بدست می‌دهد که می‌تواند در برنامه ریزی های توسعه زندگی عشایر کوچنده ایران نقش مهمی را ایفا کند . برنامه ریزان جهت اجرای اهداف خود برای توسعه و آینده جامعه عشایری در درجه نخست نیاز به شناخت سازمان ها و ساز و کارهای اقتصادی و اجتماعی درون جوامع شبانی باریشه قبیله‌ای دارند . در میان عشایر کوچنده کهگیلویه و بویراحمد ، این فضای فرهنگی و اقتصادی هنوز هم بصورت وسیعی در میان جامعه موجو داست بدین معنی که باتوجه به فرو پاشی سازمانهای قدرتی ایلی و کوچ ، بازهم اعتقاد و باورهای فرهنگی به روابط ایلی و لزوم کوچ و در نتیجه مجتمع شدن در " مال " ها بصورت زنده و فعال به چشم می‌خورد .

ضرورت های تولیدی و اقتصادی خاص دامداری متحرك و چند جا مکانی ، عوامل چندی را در کنار هم قرار می‌دهد که براساس آن ها مال تشکیل می‌شود و کوچ ادامه می‌یابد . این عوامل عبارتند از : باقیمانده های آنچه مرتع مشترك گفته‌ایم و می‌شناسیم این سرزمینهای متعلق به کل طایفه ها که در اثر عوامل متعددی بصورت كوچك و محدود درآمده‌اند امکان مشاركت افراد بی زمین طایفه را در متشكل شدن در " تجمع‌های سکونتی " بوجود می‌آورد . دوم نیروی کار آزمدانسانی در زمینه رمة داری و رمة گردانی ست که با دوام كم و محدود در مجموعه بزرگ و متعاونی مانند مال ، موفق به خودگردانی خانوار كم درآمدی شود و از مهاجرت این نیروی کار اضافی جلوگیری می‌نماید ، سوم حفظ امنیت اردوگاه و گله ها در كوچ و در محل استقرار است که مایه دلگرمی و احساس امنیت از در جمع بودن است ، کما اینکه در هر منطقه که ضریب امنیت بطور نسبی بالا باشد ، عشایر بصورت تك خانواری زندگی و کوچ می‌کنند . تعاون و همیاری که بخش عمده فرهنگ عشایر را می‌سازد ، مهمترین عامل تشویق کننده خانوارهای دامدار عشایر در مجتمع شدن است زیرا تمامی مراحل

اصلی و فرعی این شیوه تولید درگروی همیاری‌هاست ، از رمه‌گردانی ، مبارزه بادزدی ازگله ها ، - شیردوشی ، پشم چینی ، نگهداری بره ها در محل استقرار و در کوچ ، همگی بصورت جمعی و کارتقسیم شده به شكل يك سنت و فرهنگ جا افتاده است .

با اینکه سازمان های قدرت و رهبری ایلات ، مدت‌هاست از همه پاشیده گردیده است ،

ضرورت کوچ و ادامه حیات در این شیوه معیشت یعنی دایممداری متحرک ، سازمانهای دیگری را جایگزین نموده است که گاه موفق و بسیاری اوقات نیز به شکل بی تجربه و ناموفق عمی می‌نمایند . بطور مثال برنامه زمان بندی کوچ امروزه باکوچه به امکانات جاده‌ای ، آب و هوایی و وسائل نقلیه موتوری ، شروع کلاسهای درسی مدارس و مسائل با اهمیت منطقه‌ای ، توسط نمایندگان طوایف ، سازمان امور عشایری و نمایندگان استانداری ها ، تنظیم و اجرا می‌گردد . بدین ترتیب از بسیاری زبانهای حاصل از کوچ سنتی که با وجود سازمانهای قدرتمند ایلی ، کار ساز بودند امروزه جلوگیری می‌گردد . این حرکت موفق گهگاه کارشناسان برنامه ریزی را به هوس انجام تغییرات دیگری در زندگی عشایر می‌اندازد که به سادگی قابل اجرا و مقرون به موفقیت نیست ، بطور مثال ممیزی مراتع که در يك منطقه ایلی می‌تواند از هدر رفتن مراتع جلوگیری نماید ، در منطقه‌ای دیگر باعث از هم پاشیدگی کوچ و مال‌ها می‌شود .

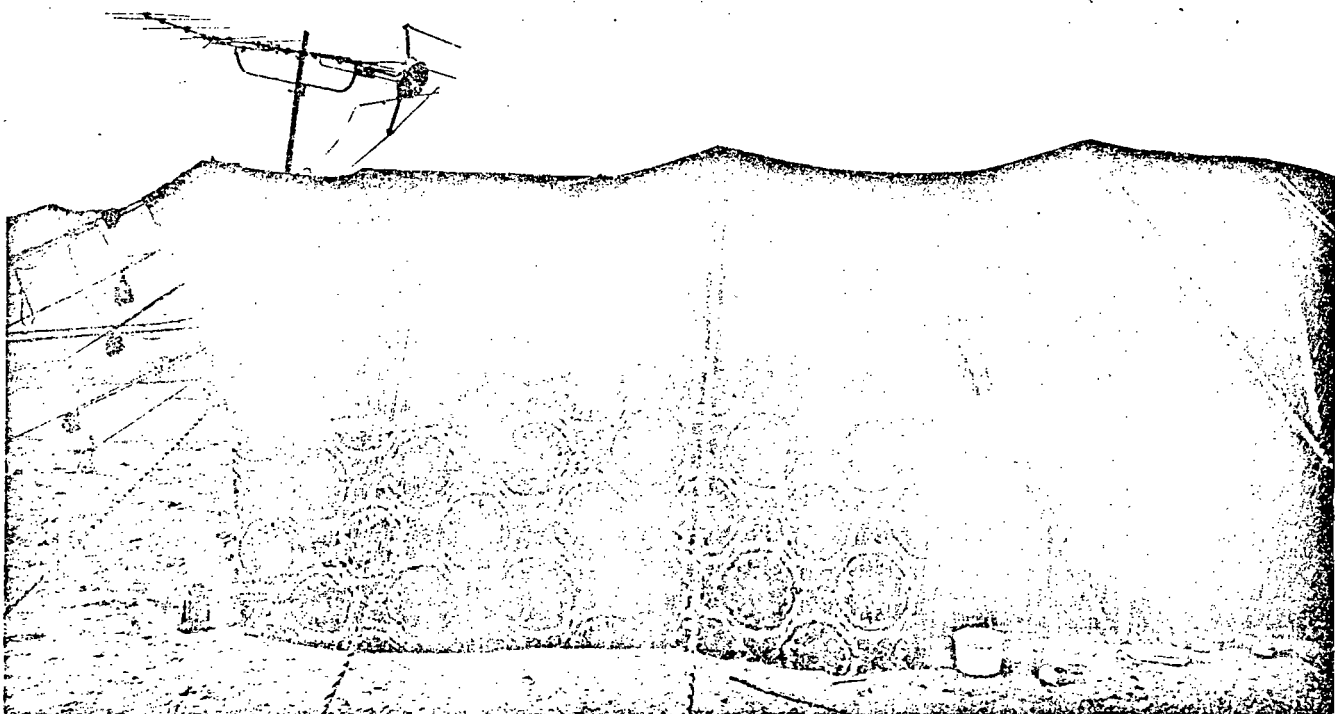
ای مثال مورد بحث ، منطقه ایست که بدون توجه به ریشه های ایلی و طایفه‌ای ، و تنها بر اساس بخشنامه که می‌گوید " مرتع به خانوار کوچنده واگذار می‌شود تا همه ساله در فصول مناسب در آنها رمه‌گردانی نماید و چنانچه یکسال کوچ صورت نگیرد زمین مرتع از آن خانوار به خانوار دیگر منتقل می‌گردد ۲۰ در نتیجه خانوارهای متعلق به دو ایل و چندین طایفه متضار در يك منطقه گرد آمده‌اند که این ظرز تجمع با از هم پاشیدن شیوه سنتی ، باعث از دست رفتن امنیت گله ها و خانوارها می‌گردد . پس با توجه به ضرورت توسعه و آینده نگری در زندگی عشایر کوچنده (بهتر بگوئیم

آنچه از عشایر کوچنده باقی مانده است) می بایستی به آخرین شکل تجمع های سکونتی آنان نظر انداخت ، کارکردهای مال ، فشرده ایست از تمامی سوابق سنتی و فرهنگی و تولیدی و تعاون رایج در میان ایلات قدیم ، حذف و از میان رفتن سازمان های قدرت و کارکردهای نظامی و قضائی و مدیریت آنان بوسیله سازمان های دولتی و از جمله سازمان امور عشایری جایگزین گردیده است ، تجربیات تحقیقاتی گروه های مختلف از جمله گروه تحقیقات عشایری موسسه در سالهای پس از انقلاب اسلامی نشانگر پیشرفت و تجربه هائی است که این سازمان و افراد آن در اداره و کمک رسانی به عشایر بدست آورده اند بنابراین دونکته بسیار اساسی اینک وجود دارد : ۱- ایجاد و اداره يك برنامه دقیق و منطقی اسکان که بصورت منطقه ای و متنوع (از نظر جغرافیائی) باشد . جلوگیری از برنامه های پراکنده و دوباره کاری و سردرگمی کارشناسان و برنامه ریزان ، در جهت رسیدن به این دوهدف ، مطالعه "مال" انجام گردید ، زیرا بنظر می رسد که مال ها بصورت آخرین تجمع های سکونتی عشایر ، زمینه مناسبی برای تثبیت بصورت روستاهای دوخامکانی عشایری هستند و می بایستی هرچه زودتر با توجه به آنان از فروپاشی این شیوه و نظام مفید و کارآ یعنی دامداری متحرک عشایر جلوگیری بعمل آید .

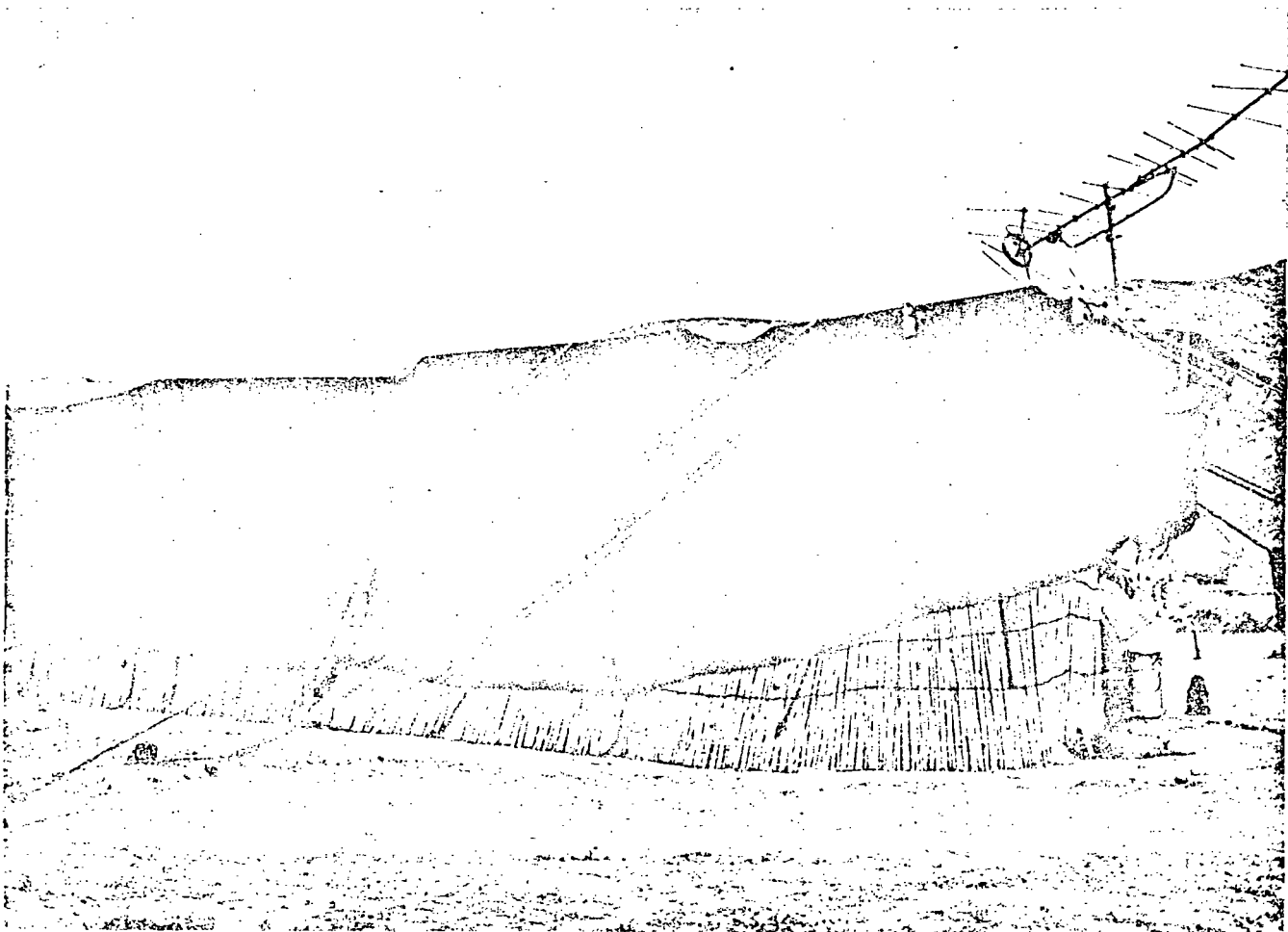
در مطالعات گروه تحقیق طرح " مال " و مصاحبه با عشایر و دست اندرکاران امور عشایر به نوعی دلسردی و عدم اعتماد به آینده برخورد نموده ایم ، یکی از علل مهم این دلسردی ، سرعت از هم پاشیدگی این شیوه سنتی در مقابل نظام های قدرتمند صنعتی و اقتصادی شهری و روستائی است . علت دیگر عدم وجود يك برنامه منظم برای جلوگیری از علت قبلی است . در حالیکه سازمان امور عشایری و استانداریها و وزارت خانه ها مرتباً " دست به خدمت رسانی و اجرای برنامه های کوتاه مدت و میان مدت آموزشی ، بهداشتی و غیره می زنند و علیرغم سمینارهای مختلفی که بنابر وزن و کیفیت بالائی درباره عشایر برگزار می گردد ، با اینحال ، هنوز هم پاسخ و منطق روشنی همراه با يك برنامه منسجم دراز مدت که برای فرد عشایری اقتاع کننده باشد به چشم نمی خورد .

بنابراین آنچه از خلال مطالعات این تحقیق بدست آمده است ، بنظر می‌رسد که یکی از
چاره های کار، تثبیت تجمع های سکونتی عشایر بصورت روستاهای دوجامگانی و تثبیت زمینهای
مرتعی و مزروعی عشایر بر اساس قلمروهای سنتی طوایف و بدنبال آن ایجاد کنگر و توسعه کیفیت
تولیدات عشایری و استفاده بهینه از فرآیندهای آن باشد.

۶- پیشنهادی جهت اسکان دو جامکانی



شرح کامل این دو تصویر در فصل مالهای نمونه (مال زمانی) آمده است.



..... این تصور که ایران سرمایه داری خود را می خورد، خیال باطلی نیست ، کشاورزی

کم بار و ر به خصوص از این جهت جای این ثروت غیر قابل جانشینی را می گیرد که مسئله اسکان ایلی ، از این جهت مورد بحث قرار نگرفته است که دامداری لازم برای تغذیه کشور را ، چه کسی و چگونه باید انجام دهد . اسکان ایل ها به شکل حاضر و بدون يك چادر نشینی صحیح برای جانشینی ، بنیاد متروك فعلی ، مانند این است که طفل را ، بی ملاحظه در حوض پرت کنیم ص ۱۲۸

..... اما وضع نومید کننده نیست و ایلها ثابت کرده اند که بنیاد قابل انعطافی دارند

اگر به آنها كمك شود که با اوضاع متغیر انطباق یابند می توان از آن ها به نحو موثر استفاده کرد و یا با استفاده از روشهای غیر عقلایی منهدم و در ملت ایران منحل خواهند شد ص ۱۲۹

فرانسیسکو بنت ، نامه علوم اجتماعی

شور ۱ ، شماره ۱ ، پائیز ۱۳۴۷

مال : توسعه ، پیشنهاد

واقعیت آنست که زندگی عشایر کوچ رو ایران کاملاً " متحول شده است سازمان های قدرت ورهبری ازهم پاشیده ^(۱) ترکیب گله وعوامل اقتصادی دراین ترکیب عوض گردیده ^(۲)، مرتع مشترک به تبع ازهم پاشیدگی سازمانهای طایفه ای ایلی در بسیاری نقاط جای خود را به مراتع تقسیم شده خانوادگی داده ^(۳) رده های باقیمانده گاه فراتر از اولاد نمی رود ^(۴) ومال های موردنظر مادران مطالعه نیز با پراکنده شدن سیاه چادر خانوارها شکل وترکیب سنتی خود-تجمع هنای سکونت عشایر- را از دست داده اند ^(۵) بنابراین آنچه گفته شد، کوچ، روال سازمان یافته ورهبری شده خود را به شکل سنتی نداشته، عوامل ماشینی وحمل ونقل در آن دخالت یافته اند، خانوارها اغلب بصورت انفرادی ودر حالیکه بخشی از خانوار همراه رمه هاهستند گرمسیر- سردسیر- گرمسیر مینمایند ^(۶) ایلراه ها به دلائل مختلف از میان رفته اند و اراضی ایلزاهی تبدیل به کشاورزی و - خانه سازی روستائیان واسکان یافتگان شده اند، ^(۷) همبستگی های طایفه ای واقتصادی در مال ها که به شکل همیاری وتعاونی های سنتی متجلی می شدند کارکردهای خود را از دست داده اند، بطور خلاصه فرهنگ مادی، سیاسی وهمبستگی ایلی وروحیه سلحشوری ونظامی عشایر از میان رفته و فرهنگ معنوی، مذهبی وباورهای بومی بجا مانده اند، روشهای اقتصادی سنتی در تولید کشاورزی و دامداری، شیوه های فنی، تکنولوژیکی ساده وسنتی در زندگی وكوچ در میان عشایر كوچ رو، -

۱- فروپاشی نظام ایلی در ایران- رضا کازرونی- جواد زاهدی- ۵۳ صفحه، وزارت کشاورزی، مرکز تحقیقات روستائی .

۲- یادداشت های سفرهای مطالعاتی طرح " مال " اردیبهشت وشهریور ۱۳۷۱، شاهرخ ترغیبی .

۳- یادداشت های شخصی ومسئله ممیزی مراتع در سمینار عشایری ۱۳۶۹ .

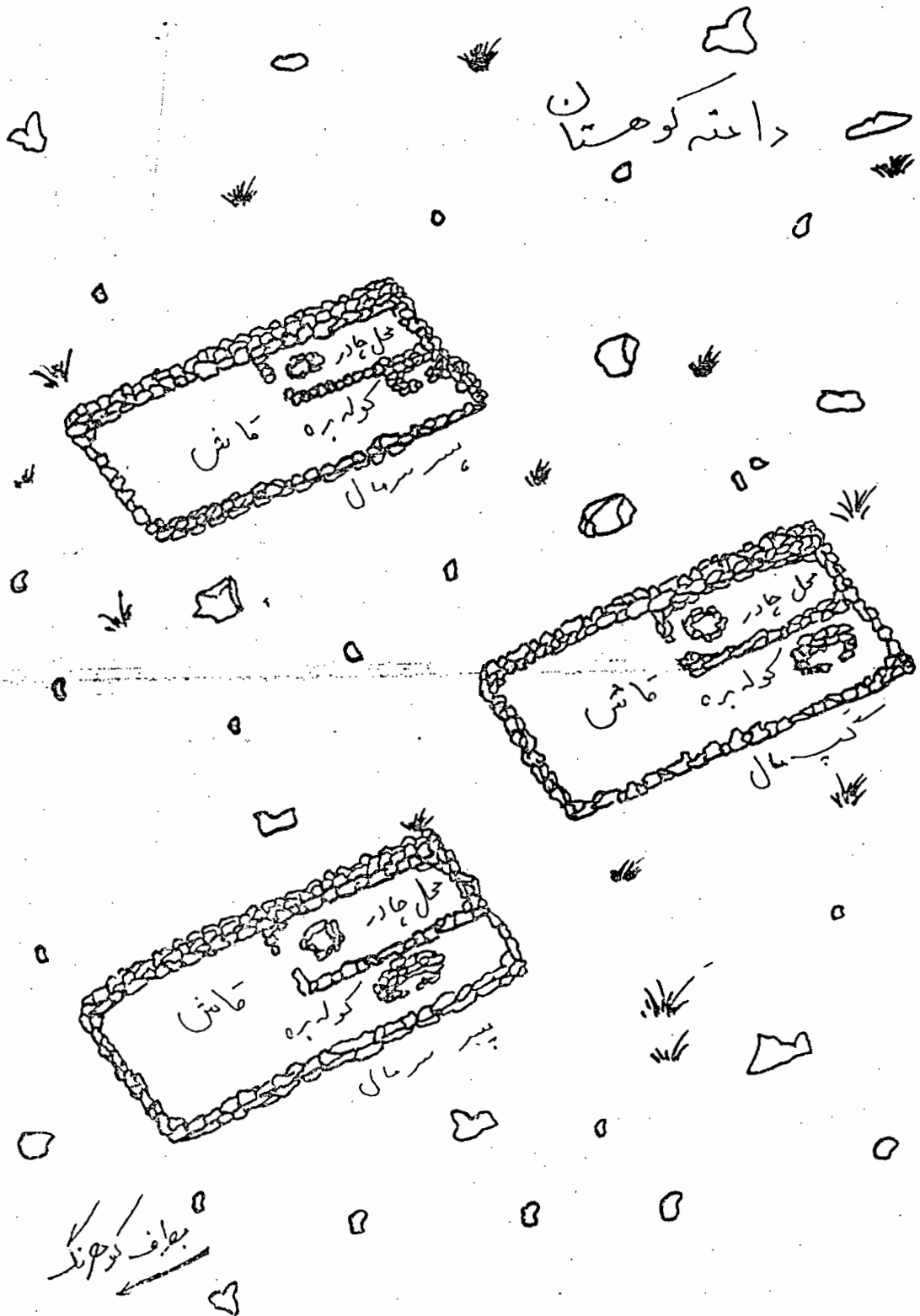
۴- یادداشت های شخصی، گزارش های دیگر وهم چنین گزارش های سرشماری مرکز آمار ایران ۱۳۶۶ .

۵- یادداشت های شخصی وكزارش های سفر مطالعاتی طرح " مال " .

۶- یادداشت های شخصی وكتاب سیه چادرها، نوشته منوچهر کیانی ص ۱۳۳- ۱۳۷۱ شمسی .

۷- یادداشت های شخصی وسفر میدانی طرح " مال " وص ۱۳۶ کتاب سیه چادرها، منوچهر کیانی .

محل تابستانی مال علی قنبر- بابادی بختیاری اردیبهشت ۱۳۷۱-، تپه های شمال کوهرن—
چهارمحل بختیاری، سه خانوار این مال هرکدام محل سیاه چادر وقاش (محل نگهداری شبانه
کله ها) خود را با سنگ چین مشخص نموده اند فواصل میان خانوارها بیش از پانصد متر می باشد، محل
چاله آتش در چادرها و "کوله بره ها" در کنار چادرها با سنگ چین مشخص گردیده است .



است .

واقعیت دیگر و مهم تر در باره این عشایر متحول شده آنست که می بایستی درباره فزندگی آنان نیز چاره جوئی و برنامه ریزی نمود چنانکه نه تنها بادیگر آحاد ملت ایران در بهره وری از خدمات و برنامه ها و ثروتهای ملی همگون شوند بلکه با تحول و تغییر و پیشرفتهای زندگی در سطح جهانی نیز متناسب گردند (۱) .

ساده ترین و ساده انگارانه ترین نوع برنامه ریزی و تفکر در باره آینده این جمعیت و جامعه سیوم در ایران ، نوشتن و پیچیدن يك نسخه توسعه به شرایط اسکان است . امروزه هرتلاش و حرکتی در جهت برنامه ریزی کوتاه مدت برای عشایر کوچنده در آینده بانیست توسعه و با حکم به اسکان همراه است ، و مانده منکر تلاش اینهمه متفکر و ایثارگر و محقق ارزشمند هستیم ، نه منکر نیاز به توسعه در کلیه سطوح و نه منکر اسکان ، بلکه با جمع بندی صدها مقاله و سخنرانی و گزارش و تجزیه و تحلیل آنها می پرسیم : چگونه توسعه ای ، چگونه اسکانی ؟ هزاران سال زندگی عشایر با وجود سازمان های خویشاوندی هم بسته و روشهای سنتی در اداره اقتصاد ایلی و تولید دامداری غیر یکجا نشینی ، به زمان حال رسیده است (۲) نزدیک به صدها سال قدم به قدم و تحت شرایط کشوری و جهانی اعم از سیاسی و اقتصادی و صنعتی تحول و تغییر ، این جامعه سنتی را به شکل فعلی در زمان اخیر دگرگون نموده است (۳) ، حال ، مگر ممکن است که بایک برنامه خیالی ، جنجالی یا يك مطالعه محدود منطقه ای کلیه عشایر و طوایف گوناگون کشور را به آینده ای مطمئن و به سطح ارزنده و قابل قبولی که هم طراز دیگر اقشار مملکت باشد ، رهنمون شد .

۱- جمع بندی گزارشهای سمینار عشایر و توسعه ، شیزاز ۱۳۶۹ مقاله فرانسیسکو بنت ، نامه علوم - اجتماعی - دوره ۱ - شماره ۱ .

۲- کتاب عشایری مرکزی نوشته جواد صفی نژاد و گزارشهای تحقیقی دیگران .

۳- کتب تاریخی و هم چنین مونوگرافی های ایلات که کیلویه و بویر احمد ، کار محققین بخش عشایری موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۴۷ شمسی .

توسعه به معنایی حذف سنت ها و کارکرد فنون سنتی و جا افتاده کوچ روها در مرمر گردانی و زراعت و کوچ نیست ، توسعه به معنای حذف مرتع مشترك و تقسیم قلمرو ، مشترك طایفه ای میان خانوارها و ایجاد بهانه ای جهت تبدیل منابع طبیعی و اراضی مرتعی و جنگلی به زراعت های كوچك ، محدود و بی فایده نیست ، که تنها تقویت روحیه مالکیت شخصی بر زمین و ازدست دادن گله های سرشار است . اسکان برای عشایر کوچ رو نمی بایستی تنها به معنای جمع آوری و سکونت داد جمعی آواره در زیر چادرها یا مجتمع های مسکونی باشد ، تفاوت های اسکان عشایر با ایجاد خانه و سرپناه برای اجبار به نشینان شهری می بایست دریافته گردد . گرمسیر و سردسیر رفتن ، مال زیر مال بالا بردن ، بیلاق و قشلاق و کوچ برای عشایر قرن ها ، یک ضرورت جهت حفظ گله ها و یافتن مراتع مناسب و گریز از سرما و گرما بوده (۱) ، حال جمع آوری و اسکان آنان در یک محل سردسیری چه کمکی به آینده آنان و حفظ شیوه های دامداری آنان می کند ؟

بنابراین درک تاریخ و سنت های زندگی عشایر ، چگونگی ضرورتها و نیازهای آنان و پاسخ ها که در طول قرن ها یافته اند ، درک چگونگی تحول و تغییر آنان در زمان حال و آگاهی به چگونگی های توسعه و برنامه ریزی برای آینده در کل کشور ، می تواند راهگشا باشد هماهنگی کامل میان نهادها ، تصمیم گیری و برنامه ریزی و خدمات رسانی ، همراه با شناخت دقیق عشایر و تفاوت های اقتصادی ، مذهبی فرهنگی جغرافیائی میان آنان ، لازمه هر نوع برنامه توسعه ای است . آنگاه هراسکانی بصورت محدود و منطقه ای و متناسب با نیازهای طوایف ، بخشی از یک برنامه توسعه خواهد بود .

ما ، نوعی از تجمع های سکونتی عشایر را که بطور سنتی نام مال (۲) را دارد ، پیشنهاد

۱- جهت آشنائی بیشتر با مسئله کوچ مراجعه شود به کتاب شیرزاد از شوتاوری ، نوشته کی عطا - طاهری بوبراحمدی ۱۳۵۶ شمسی ، عشایر مرکزی ایران ، جواد صفی نژاد ۱۳۶۸ شمسی و ساختارهای اجتماعی ایل بوبراحمد ، هیبت الله غفاری ۱۳۶۸ .

۲- صفحات مختلف همین گزارش و مقاله مال - بهون ، نوشته ژان پیر دیگار - اصغر کریمی ، عشایر مرکزی ، جواد صفی نژاد ، کوچ نشینی در ایران سکندرامان الهی ، کوچ مال کا ابراهیم ، رضا کازرونی - کتاب آگاه ، روزنامه کوچ ، رضا کازرونی ، مرکز تحقیقات روستائی .

می‌کنم که در آن، حفظ ساختارهای طایفه‌ای^(۱)، اراضی مشترک طایفه‌ای^(۲) دآمداری سنتی، نظم‌امام ریش سفیدی^(۳) زراعت جمعی و اسکان دوجامکانی دژ-گرمسیر و سردسیر، رعایت گردد. این تجمع مانند یک روستای دوجامکانی بر روی نقشه سیاسی کشور دنازی هویت خواهد بود، ثباتی را که دستگاه‌های اداری و خدماتی جهت مراجعه و دسترسی دائم و برنامه ریزی صحیح توقع دارند، این نوع روستا ایجاد خواهد نمود پیشنهاد می‌کنم جهت ارائه خدمات فرهنگی آموزشی، درمانی، صنعتی، کشاورزی، دآمداری و اداری قطب‌هایی مشتمل بر چند مال یا روستا عشایر که به وسیله جاده‌های روستائی به هر مال متصل هستند تشکیل گردند که به منزله یک بخش در تقسیمات کشوری، عمل نمایند. اینگونه اسکان نه تنها مخارج فوق العاده‌ای را طلب نمی‌کند، بلکه نظم و نسقی را که برنامه ریزان و نهادهای خدمات رسانی نیازمندند بر طرف می‌سازند، پس از چندی مسئولین کشوری نیز آمار و نقشه دقیقی از اسکان عشایر در دست خواهند داشت که روستاهای آنان را در کنار روستاها و بخش‌های دیگر مشخص و متمایز می‌نماید^(۴) با داشتن و در نظر داشتن نکات ضعیف که در این پیشنهاد وجود دارد، نکات مثبت و روشنی را نیز شامل می‌گردد که مهمترین آنان وجوه بالقوه این تجمع ها و نقاط اسکان آنان در حال حاضر است، با آنکه بسیاری از مناطق ایلی و اراضی مشترک مرتعی طوایف از میان رفته و یا تبدیل به اراضی زراعی گردیده‌اند، اما واقعیت اینست که از سوی دیگر مازاد جمعیت عشایر کوچ رونیز از کوچ روی دست برداشته و به روستا و به روستاها و شهرها رفته‌اند. بنظر ما هنوز هم بازمانده سنت‌ها^(۵) و قلمروهای ایلی، اجازه چنین پیشنهادی را می‌دهد.

- ۱- جهت آشنائی بیشتر مراجعه شود به مقاله سازمان ایلات ۰۰۰۰، ت فیروزان کتاب آگاه ۱۳۶۲.
- ۲- مقدمه گزارش، جمعیت و شناسنامه ایلات که کیلویه، نادرافشار نادری، جواد صفی نژاد- موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۴۶.
- ۳- کتاب‌های عشایر مرکزی، شیرزاد تاشوتاور، ساختارهای اجتماعی ایل بویراحمد.
- ۴- پس از انقلاب اسلامی تلاش شده بود که بخش‌ها و شهرستانهای عشایری در تقسیمات کشوری - بوجود آید که از نتایج آن بی اطلاع ش. ت.
- ۵- مراجعه شود به گزارش مفصل تعاونی‌های عشایری سررود، بویراحمد علیا، صفی نژاد- جواد- ترغیبی. شاهرخ- غفاری، هیبت الله. موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۶۲.

ماتنها باتکیه بر شناخت وتجربه طولانی در تحقیقات ومطالعات عشایری آنهم محدود به عشایر مرکزی ایران وتاحدودی عشایر شاهسون آذربایجان شرقی ، آنچه را که تحت نام " اسکان دوجامکانی وتشکیل تجمع های جدید سکونتی عشایر " مورد مطالعه قرار داده ام ، بعنوان يك الگوی توسعه ارائه مینمایم ، شاید که مسئولیت خود را در باره آنچه آموخته ایم والبتہ از خود افراد شریف عشایری آموخته ایم، تاحد اندکی ، انجام داده باشیم

اسکان دوجامکانی عبارتست از استفاده بهینه از باقی مانده قلمروهای گرمسیری وسردسیری سرزمین های عشایر مختلف در زمینه کشاورزی و آنچه دامداری سنتی مینمایم .

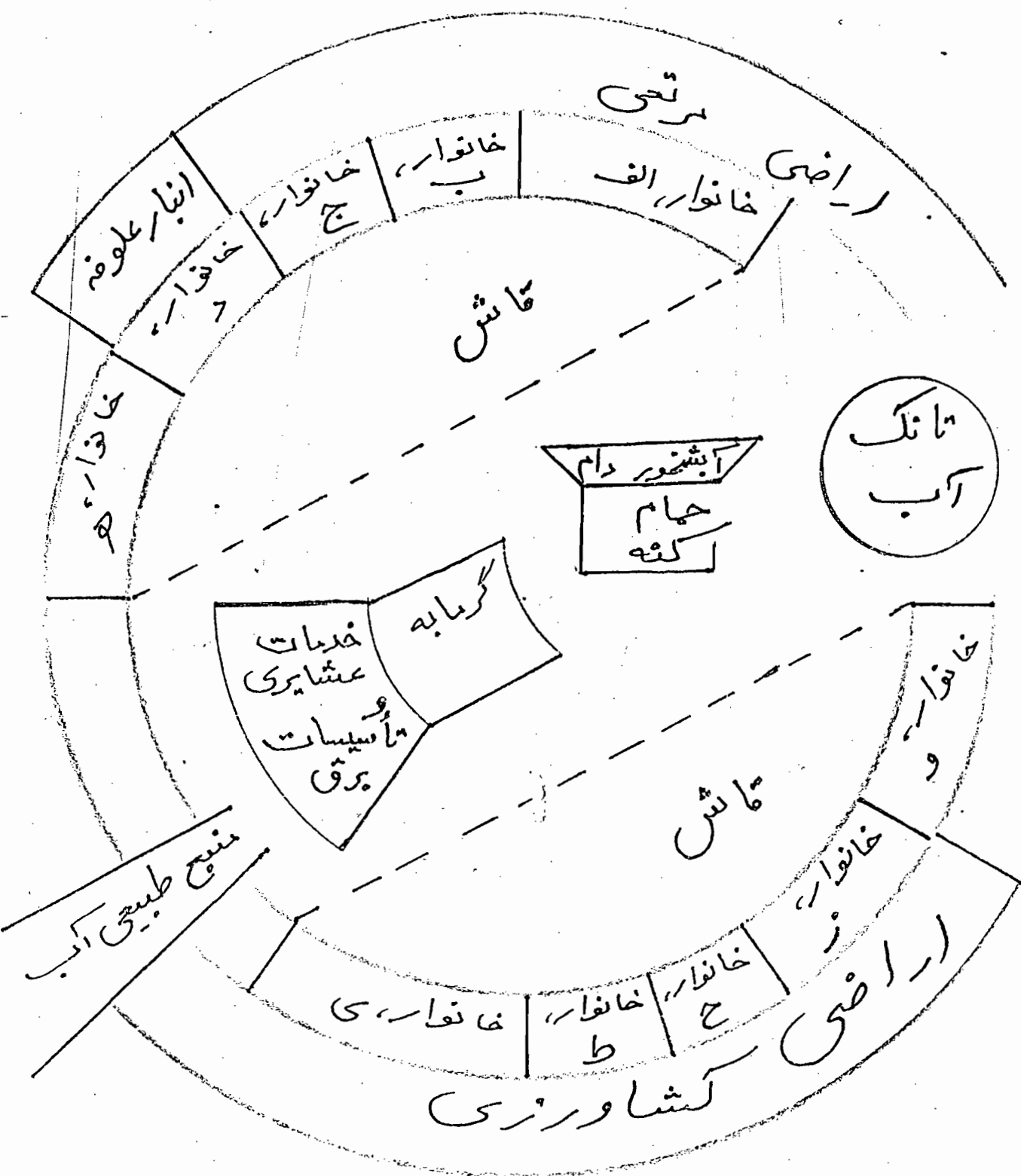
در این نوع اسکان استفاده از سنت های همیاری ومديريت ریش سفیدان در نحوه بهره برداری از زمین ، ابزاری ست جهت هماهنگی زندگی عشایر کوچ روبا آهنگ توسعه جوامع روستائی وشهری برای ورود به قرن بیست ویکم ، که ذیلا " به ایرادهای وارده بر آن پاسخ خواهیم گفت .

اسکان دوجامکانی به معنای ایجاد روستاهای عشایری منظم وتعیین هویت رسمی این روستاها در نقشه سیاسی کشور است .

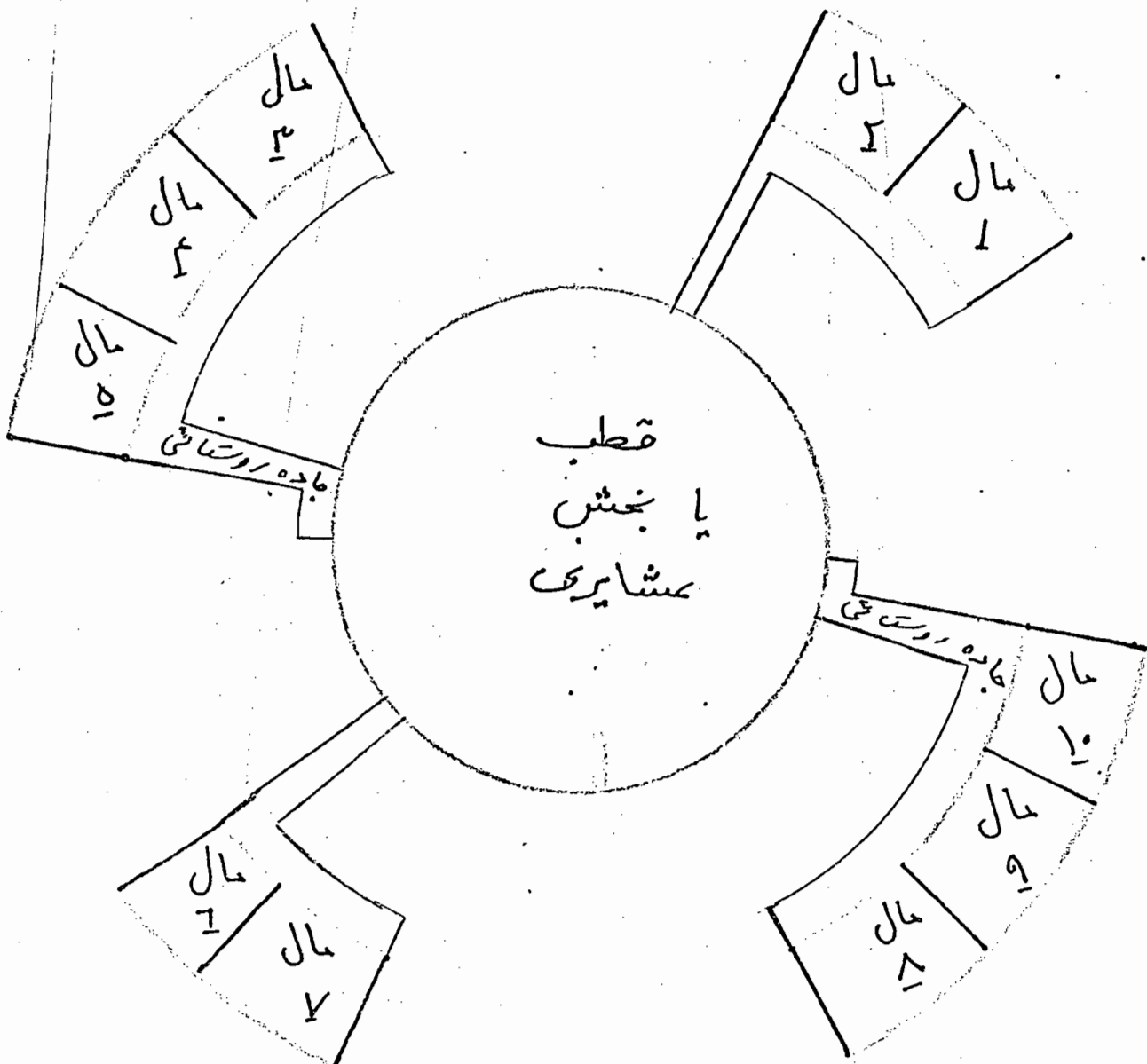
اسکان دوجامکانی به شکل ایجاد مال های سنتی در قالب تجمع های ثبات یافته ایست که از طریق جاده های روستائی با قطب های متمرکز خدماتی صنعتی ، اداری مرتبط خواهند شد . این مجموعه ها که میتوانیم آنان را بخش های عشایری بنامیم ، هم در گرمسیر وهم در سردسیر ایجاد خواهند شد و کوچ وجابجائی سالانه افراد و خانوارها همراه گله ها می تواند بصورت ماشینی ویا منطبق بر حالت خاص منطقه ای بصورت سنتی انجام پذیرد .

تعداد سیاه چادرها ، خانوارها یا بناهای روستائی ، باتوجه به ظرفیت مراتع آنان می بایستی ثابت باقی بماند مثلا " ۱۵-۲۰ خانوار ، که يك مال یا آبادی ثابت عشایری را بوجود آورند . تعداد مال هایی که بایک مرکز یا قطب ثابت اداری وصنعتی وخدماتی سروکار دارند بایستی ثابت ومنظم باشد ضمن رعایت سوابق همیشگی طایفه ای در قلمروی سنتی مال هایی که تشکیل می شوند ، رعایت این اصل در مجموعه مال ها (بخش عشایری) الزامی نیست . تصویر ۱

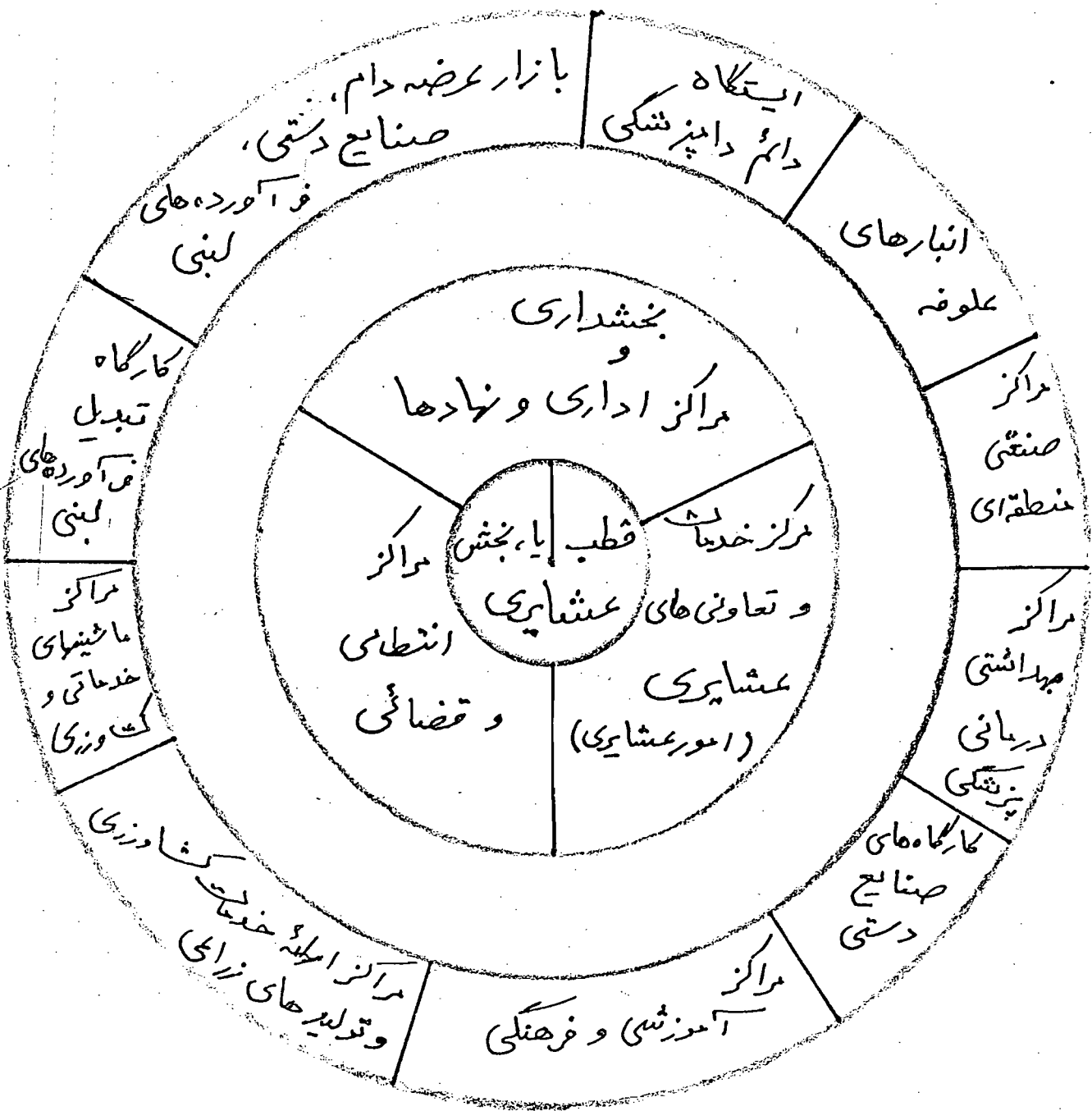
هر مال میبایستی دارای زمینهای کشاورزی و مراتع کافی جهت رمة گردانی باشد ، هر گونه فعالیت غیر کشاورزی ودامداری و هرگونه رابطه دوجانبه ای میان ارگان های دولتی وعشایر



برشی از یک مال فرضی در سردسیر یا گرمسیر
 بعنوان یک روستای عشایری، جهت ارشدن دو جای مکانی



برشی از یک قطب یا نجش (فرضی) مشاری
 که مال‌های متعددی طبق برنامه ریزی با آن روابط
 در گمانید در کلیه زمینه های اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی دارند



برشی از یک قطب (فرضی) عشایری و
 مرکزی که می‌بایستی درون آن با هم‌گنی کامل
 و روابط متقابل، در آینده، عشایر کارساز باشند.

رامخصوصاً " در تولید فراآورده های لبنی و شیردوشی کاهش داده است، در نتیجه از این طریق نیز مشکلاتی برای دامها پیش آمد. و از نظر اقتصادی به زیان دامداران است. بنابراین با تجمع عشایر در نقاط اسکان و با فعالیت دوسویه کشاورزی - دامداری سنت های همیاری کارکردهای خود را دوباره بدست می آورند و نیروی انسانی فعال باریگر به افزایش تولید مواد لبنی دست خواهد یافت ضمن آنکه این بار در قالب مکانیزاسیون ساده و نیمه صنعتی، سنت های شیرو هره را بکار خواهد گرفت و بازارهای دیگر را یاری رسان خواهد بود.

از نکات دیگر اسکان دو جا مکانی، نحوه جابجائی کوچ و ایل راه عشایر است که بنظر می رسد در صورت متمرکز شدن اماکن سکونت و خدمات رسانی (علوفه ای - بهداشتی ۰۰۰) کوچ سالیانه می تواند ماشینی باشد، البته در مناطق مختلف کشور ضرورت مسئله به یک شکل نخواهد بود.

یکی از عوامل منفی کوچ، خستگی و ضعف دامها در فاصله گرمسیر تا سردسیر و از دست دادن وزن، دچار شدن به مخاطرات بره زائی و غیره است، عامل منفی دیگر گذرا از اراضی زراعتی روستائیان یا خود عشایر می باشد که دائما " برخوردها و مشکلاتی را موجب می شود. در صورت یک اسکان منظم و با برنامه ریزی و آماده سازی، براحتی می توان با وسائل مکانیزه و ماشینی موجود در تعاونی های عشایری و افزایش آنان تا سطح مورد نیاز، کوچ سالیانه را میان دو قطب سردسیری و گرمسیری سامان داد، در صورت نیاز و با برنامه ریزی براحتی می توان از وسایل حمل و نقل عمومی و دولتی ارگان ها، سالی دوبار و هربار به مدت سه یا چهار روز استفاده نمود، به راستی این نیز از حقوق ساده قشر عشایری ماناست که تنها یک هفته از خدماتی که در طول سال در اختیار شهرنشینان است برخوردار شوند، آیامی دانید که همین سال جاری جابجائی خانوارها از گرمسیر به سردسیر با چه بهای سنگینی انجام گردیده است؟

با توجه به جمع بندی آنچه خبرگان و کارشناسان و برنامه ریزان در باب اسکان گفتند و می گویند نتایج زیر بدست می آید که می بایستی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۱- اسکان الزامی است

۲- اسکان می بایستی همراه با صنعتی شدن باشد

۳- اسکان می بایستی حافظ منافع و ثبت کننده حقوق ملکی عشایر باشد

۴- اسکان می بایستی با برنامه ریزی جهت مکان یابی اولیه باشد.

۵- اسکان می بایستی برپایه حفظ سنن ریش سفیدی - شورائی و همیاریهای سنتی و وحدت طایفه‌ای استوار باشد.

حال می پرسیم :-

۱- چگونه اسکانی برای عشایر الزامی ست ؟

۲- آیا اسکان همراه با صنعتی شدن بدلیل نیروی کار ارزان و غیرتخصصی افراد عشایری کار آ و مفید برای توسعه اجتماعی زندگی کوچ روهاست ؟

۳- آیا با توجه به قوانین قدرتمند ارضی در باره مالکیت فردی بر زمین، میتوان به دلیل اسکان، پدیده مرتع مشترک و قلمروی ایلی را جنبه قانونی بخشید؟

۴- چگونه می‌توان معیشت دامدازی کوچ روها یا بعبارت دیگر دوجانشینان را با جبر به انتخاب يك مکان که الزاما " همراه باش ماه گرما و خشکی طاقت فرسایاش ماه سرما و یخبندان طاقت فرسا ست ، در شکل اسکان حفظ یا توسعه بخشید .

۵- با از هم پاشیدگی کوچ والگو گرفتن از روستا و شهرنشینان که خود گرفتار از هم گسیختگی روابط خویشاوندی و همسایگی هستند، چگونه اسکان قادر به حفظ فرهنگ‌های سنتی در زندگی اجتماعی و تولیدی خواهد بود؟ طوایف که در اثر عوامل متعدد اجتماعی و اقتصادی فرهنگی و ۰۰۰ وحدت درونی و بیرونی خود را از دست داده‌اند، آیا با اسکان به وحدت از دست رفته خود، رجعت خواهند کرد؟

ما در اینجا اسکان دوجامکانی را تنها شکلی از عملکرد برنامه ریزی در قالب حقایق انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مسیر کم و بیش مستقیمی جهت توسعه می دانیم. در این شکل از اسکان برنامه، همه گونه پاسخی بر معضلات زندگی امروزی عشایر کوچ رودرحد برنامه های ملی جهت شهرنشینان و روستانشینان داده خواهد شد، حال آنکه نیازه تخصیص بودجه های غیر قابل قبول و تغییرات پر مسئله برای قانونگذاران و برنامه ریزان را نخواهد داشت .

- ۱- اسکان در مجموعه قلمروهای سنتی طوایف شکل خواهد گرفت
- ۲- خودکفائی اجرای برنامه های مختلف این اسکان ناشی از اراده مردم و براساس خود - یاری ها و همیاری های سنتی خواهد بود.
- ۳- قطب های متمرکز اسکان یافتگان به زودی دارای ارتباط ارگانیک و تجاری سودآور و دوسویه با جوامع شهری و روستائی خواهند شد.
- ۴- مراتع و اراضی کشاورزی عشایر تثبیت شده و آنانرا دارای هویت جغرافیائی و حقوقی برابر با دیگر اقشار و صنوف کشور خواهد نمود.
- ۵- تنها ارگان اجرائی درگیر با مسئله توسعه زندگی عشایر کوچ رو برخلاف شهرنشینان و روستائیان، يك مركز ادارى، یا سازمان امور عشایری فعال خواهد بود.
- ۶- صنعت ورشته های مختلف آن براساس نیاز های تولیدی دامی، وراعى، صنایع دستنى ریشه خواهد گرفت که سرمایه گذاران را تشویق به همکاری خواهد نمود.
- ۷- استانداردهای تولیدی غذائی، صنایع دستی و بهداشتی را به همراه خواهد داشت.
- ۸- مهاجرت بی رویه نیروی انسانی غیر متخصص و سرگردانی و فقر آنان را در شهرها تعدیل خواهد نمود.
- ۹- همگی این دلایل را ثبات اقتصادی، توسعه فرهنگ و آموزش و پرورش، امکانات رفاهی و باور به آینده روشن این زندگی ست که تضمین خواهد کرد.

منابع و مأخذ

- ۱- افشارنادر - مونوگرافی ایل بهمئی ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، ۱۳۴۷
- ۲- امان الهی بهاروند- سکندر ، کوچ نشینی در ایران ، انتشارات امیرکبیر ، ۱۳۶۲
- ۳- امان- دیتر ، بختیاری ها ، انتشارات آستان قدس رضوی ، ۱۳۶۹ .
- ۴- بارث ، فردریک ، ایل باصری ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، ۱۳۴۲ .
- ۵- بنت - فرانسیسکو ، نامه علوم اجتماعی ، دوره ۱ ، شماره ۱ ، ۱۳۴۶ .
- ۶- پارسا- حسن ، مونوگرافی ایل باشت بابوشی ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، ۱۳۴۶ .
- ۷- تپر پریچازد ، سازمان اجتماع های کوچ روخاؤر میانه ، مجموعه کتاب آگاه ، ۱۳۶۱
- ۸- ترغیبی شاهرخ ، جزوه درسی مردم شناسی باتکیه بر ایلات و عشایر ، آموزشکده وزارت بهزیستی
۱۳۶۹ .
- ۹- ترغیبی ، شاهرخ - مقاله منتشر نشده ، مدیریت بهره برداری از زمین در میان عشایر ایران .
- ۱۰- ترغیبی شاهرخ ، یادداشت های سفر تحقیقاتی اردیبهشت و شهریور ۷۱ به منطقه بختیاری و یویر
احمدی .
- ۱۱- توفیق پیروز- سازمان بندی ایلات ایران ، مجموعه کتاب آگاه ۱۳۶۲ .
- ۱۲- حسام فضل الله - مقدمه ای بر شناخت عشایر هفت لنگ ، سازمان برنامه و بودجه ، استان بختیاری ،
۱۳۶۴ .
- ۱۳- حسام - فضل الله - از کوچ رو تا اسکان ، سازمان برنامه و بودجه ، استان بختیاری ۱۳۶۶ -
- ۱۴- دیگار- ژان پیر- مال بهون ، نامه نور ، شماره ۹ و ۸ فرهنگسرای نیاوران ۱۳۵۹ .
- ۱۵- رئیس دانا- فریبرز- سمینار توسعه زندگی عشایر ایران ، شیراز ۱۳۷۰ انتشارات سازمان اورعشایری
- ۱۶- زاهدی - جواد و کاژرونی - رضا فروپاشی نظام ایلی در ایران موسسه مطالعات و تحقیقات وزارت

کشاورزی ۱۳۶۰

- ۱۷- سازمان امور عشایری ، مجموعه گزارشهای سمینار ، زندگی توسعه عشایر ایران ، ۱۳۷۰
- ۱۸- سازمان برنامه و بودجه ، سمینار بررسی مسائل جامعه عشایری ایران ، کرمانشاهان ، گزارش وضع موجود ، تیر ۱۳۵۵ .
- ۱۹- سردار اسعد ، علی قلی خان - تاریخ بختیاری ، انتشارات یساوی ، ۱۳۶۱ .
- ۲۰- شفیق ، مسعود - سمینار توسعه زندگی عشایر ایران ، شیراز ۱۳۷۰ .
- ۲۱- صفی نژاد ، جواد - ساخت سنتی در عشایر ایران ، نامه علوم اجتماعی ، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ، دوره جدید .
- ۲۲- صفی نژاد ، جواد - سند دشمن زیاری ، گروه مطالعات عشایری ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ، ۱۳۷۱ .
- ۲۳- صفی نژاد ، جواد - عشایر مرکزی ایران ، امیرکبیر ، ۱۳۶۹ .
- ۲۴- طاهری بویراحمدی ، عطا - مشارکت و تعاون ، شیراز ۱۳۵۶ .
- ۲۵- طاهری بویراحمدی ، عطا - شیرزاد از شوتاور ، شیراز ۱۳۵۶ .
- ۲۶- غفاری ، هیبت الله - ساختارهای اجتماعی بویراحمدهلیا ، نشر نی ، ۱۳۶۸ .
- ۲۷- قشقائی ، ملک منصور - مصاحبه کوتاهی پیرامون ایل قشقائی ، زمستان ۱۳۶۴ .
- ۲۸- کازرونی ، رضا - کوچ مال ابراهیم ، مجموعه کتاب آگاه ، ۱۳۶۲ .
- ۲۹- کازرونی ، رضا - روزنامه کوچ ، موسسه مطالعات و تحقیقات وزارت کشاورزی ، ۱۳۶۸ .
- ۳۰- کیانی ، منوچهر - سیه چادرها ، شیراز ۱۳۷۰
- ۳۱- کیاوند ، عزیز - سمینار توسعه زندگی عشایر ایران ، سازمان امور عشایری ، شیراز ۱۳۷۰ .
- ۳۲- گروه تحقیقات عشایری - هفت مونوگرافی از ایلات کهگیلویه و بویراحمد ، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۴۶ .

- ۳۳- مرکز آمار ایران - سرشماری عشایر کوچنده کل کشور، دوره ۵۴ جلدی، ۱۳۶۶.
- ۳۴- مرکز آمار ایران، سرشماری کشاورزی خانوارهای متحرک ایل بختیاری، ۱۳۵۳.
- ۳۵- مرکز آمار ایران - یافته های مهم سرشماری اجتماعی و اقتصادی عشایر کوچنده ایران، ۱۳۶۴.
- ۳۶- موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه، گروه مطالعات عشایری ۱۳۴۷.
- ۳۷- موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی - مطالعه مقدماتی عشایر کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۴۵.